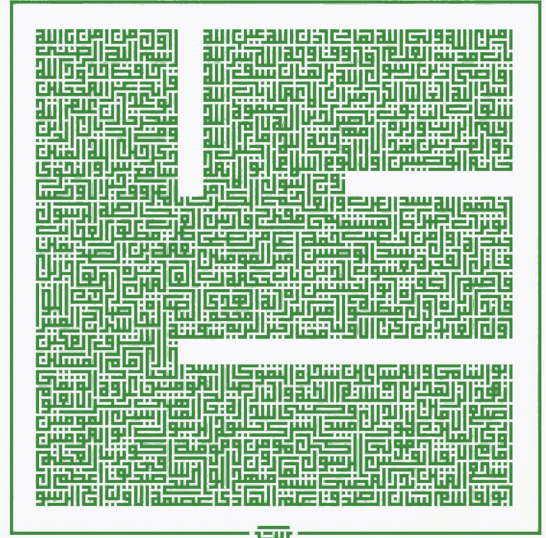


۱۴۳

فرهنگ پاسداری

ماهنامه فرهنگی اجتماعی / سال شانزدهم / تیر ۱۴۰۳



◆ گوشه‌ای از عملکرد دولت مردمی شهید خدمت

◆ نهضت حسینی از نگاه بزرگان و دانشمندان

◆ پیوند ناگسستنی، عاشورا، غدیر و ظهور

◆ غدیر تحقق کمال جریان هدایت الهی

◆ مهم‌ترین پیام غدیر وحدت است

◆ معرفی بنیاد بین‌المللی غدیر

◆ عناصر نهضت حسینی



امام خمینی:

حکومت عدل، ضامن اجرای احکام اسلام

مسئله غدیر، مسئله حکومت است، مسئله سیاست است، مسئله حکومت عدل سیاست است، تمام معنای سیاست است. خدای تبارک و تعالی این حکومت را و این سیاست را امر کرد که پیغمبر به حضرت امیر واگذار کنند، چنانچه خود رسول خدا سیاست داشت و حکومت بدون سیاست ممکن نیست. این سیاست و این حکومتی که عجبین با سیاست است، در روز عید غدیر برای حضرت امیر ثابت شد. اینکه در روایات هست که بُنِیَ الْاِسْلَامِ عَلَی خَمْسِ اَیْنِ وِلَایَتِ، ولایت کلی امامت نیست. آن امامتی که هیچ عملی مقبول نیست، قبول نمی شود، الا به اعتقاد به امامت، این معنایش این حکومت نیست (صحیفه امام، ج ۲، ص: ۱۱۱-۸۱۱)



«غدیر نشانه عظمت اسلام» در بیانات رهبر انقلاب

عید غدیر عیدالله الاکبر و از همه ی اعیاد بالاتر است. ۳/۶۰/۵۹۳۱

تکلیف امت اسلامی در زمینه ی هدایت و حکومت، در حادثه ی غدیر معین شده است. ۵۱/۹۰/۸۸۳۱

حادثه و واقعه ی غدیر نشانه ی عظمت و جامعیت اسلام است. ۸۱/۰۱/۵۸۳۱

عید مبارک غدیر، عید بزرگ خداوند و یکی از مقاطع بسیار مهم و تعیین کننده در تاریخ اسلام است. ۰۱/۱۱/۳۸۳۱



آیت الله جوادی آملی

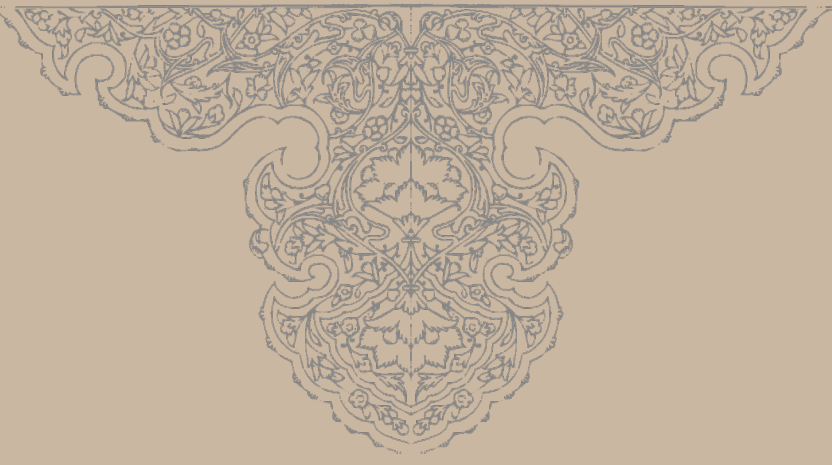
نکته خیلی مهم آن است که الآن هم آن مسلمانی اهل سنت هم به برکت غدیر است، اگر نبود جریان حضرت امیر (ع)، دینی که به اسارت رفته بود، رفته بود! الآن اهل سنت هم به برکت حضرت امیر مسلماناند، چون این خاندان عترت، قرآن را معنا کردند، به قرآن عمل کردند، در برابر اموی ایستادند، در برابر مروانی ایستادند، در برابر عباسی ها ایستادند تا اصل اسلام زنده بماند. وگرنه چیزی از اسلام نمی ماند.

* اگر- غدیر- نبود- چیزی- از- اسلام- نمی- ماند *



مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ پاسداری

تیرماه ۱۴۰۳

پیشگامان

فهرست مطالب

- ۳ سخن سردبیر
- ۴ گوشه‌ای از عملکرد دولت مردمی شهید خدمت
- ۶ انتخابات ریاست جمهوری
- ۸ غدیر تحقق کمال جریان هدایت الهی
- ۱۰ مهمترین پیام غدیر وحدت است
- ۱۲ ظهور، تجلی غلبه حق غدیر بر باطلها
- ۱۴ بنیاد بین‌المللی غدیر
- ۱۶ ماجرای غدیر
- ۱۸ شعر غدیر
- ۱۹ جغرافیای غدیر خم
- ۲۰ اقدامات عملی پیامبر بر فراز منبر
- ۲۱ سیره و سخن ائمه اطهار درباره غدیر
- ۲۲ فضائل قرآنی غدیر امیرالمؤمنین در زیارت غدیریہ
- ۲۴ رایحه غدیر در شعر فارسی
- ۲۶ نهضت حسینی از نگاه بزرگان و دانشمندان
- ۲۸ نگاه جامعه شناختی به نهضت حسینی
- ۳۰ آسیب‌ها و تحریفات در نهضت حسینی
- ۳۲ عناصر نهضت حسینی
- ۳۳ تحریف شخصیت امام سجاد(ع) در نهضت حسینی
- ۳۴ نهضت حسینی؛ طراحی الهی
- ۳۵ پیوند ناگسستنی عاشورا، غدیر و ظهور
- ۳۶ جلوه‌های عزتمندی در نهضت حسینی
- ۳۸ غیرت حسینی و دفاع از حریم خانواده
- ۳۹ علی(ع) جان پیغمبر(ص)
- ۴۰ نهضت حسینی، نهضتی متشابه و چند مقصدی

شناسنامه

مصطفی دلشاد تهرانی، نصرالله شفیعی، محمد صحتی سردرودی، حسین محبی، حسن شریعتی، ایرج فرامرزی جاب و لیتوگرافی؛ مرکز چاپ سیاه
نشانی: تهران ستاد فرماندهی کل سیاه، ساختمان شماره ۲، معاونت فرهنگی و تبلیغات، مدیریت نشریات
تلفن و درونگار سردبیر:
۳۳۲۲۲۲۰-۳۵۵۳۳۸۴۷
مرکز توزیع: ۳۵۲۳۳۸۷۸
شهر شهید مطهری، استاتید علامه محمد تقی جعفری
و استاد سید محمدمهدی میرزاقاری، حجت‌الاسلام
والمسلمین سیدمحمد باقر علوی تهرانی، علی نظری منفرد،
سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۹۹۶۲

تیر ماه ۱۴۰۳
مدیر مسئول:
سردبیر دوم پاسدار حسین محبی
سردبیر:
حسن شریعتی
دبیر تحریریه:
ایرج فرامرزی
نویسندگان و همکاران این شماره: بهره‌گیری از آثار دانشمندان
شهید مطهری، استاتید علامه محمد تقی جعفری
و استاد سید محمدمهدی میرزاقاری، حجت‌الاسلام
والمسلمین سیدمحمد باقر علوی تهرانی، علی نظری منفرد،
سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۹۹۶۲



غدیر تحقق کمال جریان هدایت الهی

استاد میرزاقاری

آنچه در غدیر تحقق پیدا کرده، تزلزل حقیقت ولایت و به کمال عهده که اینها با خدا بستند در هاکاری برای هدایت و درهایی که رسیدن جریان هدایت الهی و سرپرستی خدای متعال است. تا قبل از ولایت و هدایت گنوده شد و جریان هدایت الهی و ولایت الهی از غدیر این جریان سرپرستی به حد کمال رسید. **حجرت نبویا، عکرم اسلام دعوت باطل**. به یک مرتبه این کمال تزلزل رسید اینها




مهمترین پیام غدیر وحدت است

گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد باقر علوی تهرانی

در آستانه عید سعید غدیر خم خدمت مزاره یعنی سون شهادت گشته ای که برای کثرت غدیر خم هدایت و تمکین شدن راه است. استاد برجسته اخلاق حجت الاسلام سجاد نعیمی می‌کنند اصحاب در پاسخ حضرت میباید علی‌السلام بفرمایند: ما



نهضت حسینی از نگاه بزرگان و دانشمندان

مهناز کاندلی
احمدفغان و علی مراد استعمار

من زندگی امام حسین (ع) آن شهید بزرگ اسلام را به وقت خوانده ام و توجه خاصی به شخصیات گوناگون کرده ام و در روزی است که با همکاران خود در مشهد به دیدار از امام حسین (ع) آمدم. اگر هندستان خواهد بود یک کشور پر از گرد و غبار است از سر مشق امام حسین (ع) پیروی کند.

ادوارد کیبون
که برای خدمت به شمسگان زمین شرفیافته است و روزی قرون آینده بشریت و در سرتیم های مختلف شرح می‌دهد. در این کتاب، نگارنده با بهره‌گیری از منابع معتبر و با مطالعه عمیق



آسیب‌ها و تحریفات در نهضت حسینی(ع)

از منظر رهبر حکیم و فرزانه انقلاب و دانشمند شهید مطهری

به همین مقدار که تفسیر صحیح از پیشتری دارد، تحریف معنوی است. در واقع و اجتهادی به نهضت حسینی، اولاً تفسیری است که بی‌اساس است. آنچه سبب می‌شود که آن حداده عظیم از لاجرم و تقلیل گرفته از آن دست می‌دهد.

جلوه‌های عزتمندی در نهضت حسینی

مصطفی دلشاد تهرانی

از زندگی که بر او بدین شیوه از سوی شیطان و اهل بدین مأمور شده است. در این کتاب، نگارنده با بهره‌گیری از منابع معتبر و با مطالعه عمیق و با استفاده از روش‌های علمی و تاریخی، به بررسی و تحلیل این جلوه‌ها پرداخته است. این کتاب می‌تواند به عنوان یک منبع معتبر برای شناختن این جنبه‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

یافتاری و حفظ عزت همگرمیت و ذات

چون هر مملکت اسلامی در بیعت با یزید به گویی مردم رسیده است. این بیعت با یزید در واقع بیعت با دشمن است. اما حسین (ع) ایستادگی کرد و بیعت نکرد. این ایستادگی او در واقع ایستادگی در برابر حق است. این ایستادگی او باعث شد که او به عنوان یک شهید شناخته شود و نام او به عنوان یک نماد مبارزه با ظلم و ستم در تاریخ اسلام ثبت شود.

برادری و یاری خداوند

یکی از علل اصلی شکست در نهضت حسینی، نبودن یاری خداوند بود. حسین (ع) در این راه تنها به یاری خداوند اتکال می‌نمود. این اعتماد او به خداوند باعث شد که او در نهایت پیروز شود و نام او به عنوان یک نماد مبارزه با ظلم و ستم در تاریخ اسلام ثبت شود.

بیعت‌ناپذیری و ایستادگی

یکی از علل اصلی شکست در نهضت حسینی، بیعت‌ناپذیری او بود. حسین (ع) در این راه به هیچ وجه بیعت نکرد. این ایستادگی او باعث شد که او به عنوان یک شهید شناخته شود و نام او به عنوان یک نماد مبارزه با ظلم و ستم در تاریخ اسلام ثبت شود.

بیعت‌ناپذیری و ایستادگی

یکی از علل اصلی شکست در نهضت حسینی، بیعت‌ناپذیری او بود. حسین (ع) در این راه به هیچ وجه بیعت نکرد. این ایستادگی او باعث شد که او به عنوان یک شهید شناخته شود و نام او به عنوان یک نماد مبارزه با ظلم و ستم در تاریخ اسلام ثبت شود.



الله

سخن سردبیر

اگر غدیر را قدر می‌دانستیم عاشورایی رخ نمی‌داد

اهل سنت نقل می‌شود، برای هر آیه که شأن نزولش امام علی (ع) است بیش از ۷۰ سند از اهل سنت و شیعه آمده است ولی این دلائل محکم به عمد یا از روی بی توجهی مغفول می‌ماند و در حقیقت شکاف و نفاق بزرگ تاریخ اسلام همان انکار واقعه غدیر که پیام آور جانشینی برحق حضرت علی (ع) بود به وجود آمد و تا امروز هم شاهد جنایات نواذگان همان کسانی هستیم که بعد از رحلت پیامبر، غدیر را به فراموشی سپردند.

جنایات و اقدامات ضد انسانی گروه‌های تکفیری نظیر داعش، القاعده و غیره که امروزه شاهد وجود دارد همه و همه از عدم بصیرت است که به فرمایش‌های پیامبر بخل ورزیدند و راهی جز راه پیروی از امامت حضرت علی (ع) در پیش گرفتند؛ راهی که پدیدآورنده مصیبت عاشورا شد.

شیعه نباید تردید کند که عاشورا نتیجه فراموشی غدیر بود و شعله‌هایی که در کربلا خیمه‌های امام حسین (ع) را سوزاند، تداوم آتشی بود که در مدینه پشت در خانه امیرالمؤمنین (ع) روشن شد.

وظیفه همه ماست که به جد و جهد بکوشیم که رنگ سبز ولایت غدیر پشت سیاهی محرم بنهان و دور از چشم نماند در واقع ابتدا باید دین خودمان نسبت به پیام غدیر ادا کنیم و با رسیدن ماه محرم باقیام، ایثار، ولایت‌پذیری، رشادت و آزادگی ابا عبدالله (ع) الگو برداری و با قلبی محزون بر مظلومیت کاروان عاشورایی بگرییم.

غدیر و عاشورا دو بال یک پروازند و پیوند ناگسستنی دارند. عاشورا با نگاه به غدیر و از رهگذر غدیر، زنده نگهداشته می‌شود و عزاداری از رهنمودهای امامت الهام می‌گیرد و از انحراف حفظ می‌شود و از آن طرف تعظیم شایسته‌ی غدیر به حماسه کربلا، معنا می‌بخشد و از تکرار عاشورا جلوگیری می‌کند.

باریشه‌یابی واقعه کربلا، به این نتیجه می‌رسیم که انحراف مسلمین از سفارش پیامبر در غدیر و یا به عبارت دیگر انحراف حکمرانی اسلامی و مقوله امامت و ولایت علت اصلی وقوع این صحنه دلخراش است. بسیاری از گرفتاری‌های که برای جهان اسلام پیش آمد در اثر فاصله گرفتن مسلمانان از امام و ولی خدا بود. مخالفت با غدیر و زیر بار ولایت امام علی (ع) نرفتن عامل شهادت امام حسین و تراژدی کربلا است جریان سقیفه باعث شد اسلام راستین در هاله‌ای از غبار قرار گرفته و در این فضای غبارآلود بود که وقایعی مانند عاشورا رقم خورد.

اگر شعائر دین زنده‌نگه‌داشته می‌شد و اگر ما در واقعه‌ی عید سعید غدیر در ست و شایسته تبیین و عمل می‌کردیم؛ کار به مصیبت بعد از مصیبت و شهادت بعد از شهادت نمی‌کشید و شیعه عزادار نمی‌شد.

پیامبر اکرم (ص) در آخرین حج خویش برای تعیین جانشینی، واقعه غدیر را به وجود آوردند و نشان داد که بعد از خاتمیت نبوت، هدایت بشریت به واسطه وصایت ادامه پیدا خواهد کرد. ولی وصایت پیامبر در مسیر اشتباهی قرار گرفت و نتیجه این شد که بعد از ۴۸ سال از وفات پیامبر اکرم مصیبت عاشورا رقم بخورد؛ اما اگر واقعه غدیر در مسیر صحیح در جامعه اسلامی قرار می‌گرفت بی تردید فاجعه کربلا روی نمی‌داد؛ زیرا محور حق و وصی‌های پیامبر و امامان زمام جامعه را به دست می‌گرفتند و تا پایان تاریخ مردم تمسک به حق داشتند و انسانها در تمام ابعاد اخلاقی، سیاسی، اقتصادی جامعه رشد و ارتقا می‌یافت و جامعه نیز به گمراهی‌ها و گرفتاری‌های کنونی دچار نمی‌شد.

اسناد معتبر و دلائل متقن در رابطه با غدیر مورد غفلت قرار می‌گیرد مرحوم علامه امینی در رابطه با غدیر خم، ۵۰۰ سند نقل می‌کند که تقریباً نصف این سندها مربوط به اهل سنت و از کتاب‌های معتبر



گوشه ای از عملکرد دولت مردمی شهید خدمت

- تومان
۶. پرداخت بدهی پیش فروش ۲ میلیارد لیتر بنزین با قیمت ۶۰ درصد ارزانتر
 ۷. پرداخت بدهی فروش ۵۲۵ هزار میلیارد تومان اوراق مشارکت که دولت رئیسی باید اصل و سود آنها را بپردازد.
 ۸. مدیریت خوب گاز و برق و عدم قطع گاز و برق که به یک مسئله آن روز تبدیل شده بود آنهم با سرد شدن ده درجه ای هوا و افزایش چند هزار مگاواتی مصرف برق
 ۹. تشکیل و ساماندهی به شوراهای عالی قضایی، شورای عالی اشتغال، تحول در شورای انقلاب فرهنگی، فعال شدن شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی اقتصاد، شورای عالی مسکن بعد از ده سال به ریاست دکتر رئیسی

۲- طاغوت زدایی و مبارزه با اشرافیت و زیاده خواهی

۱. برخورد مودبانه با مردم به عنوان نماد یک رئیس جمهور مودب و متواضع و مردمی در مقابل بی اعتمادی عمیق دولت قبل
۲. کاهش نسبی نارضایتی ها (وجود نارضایتی های مقطعی و قابل رفع)
۳. سفرهای متعدد، با برکت و مفید به استان ها و نزدیکی مردم با مدیران ارشد نظام
۴. نشان دادن ارزش های امام و رهبر و اصول انقلاب با توجه به مشکلات مردم و سرعت رسیدگی به مطالبات مردم
۵. پلمپ ساختمان لاکچری دهها میلیاردی و غیر قانونی جماران که دولت قبل برای بعد ریاست جمهوری ساخته بود.
۶. انتقال جلسات تشریفاتی و پرخرج و تکبر زای دولت از کاخ سعد آباد به پاستور با هزینه های کم و بطور ساده و مردمی
۷. فروش مکان های اشرافی و طاغوتی، نمونه فروش ساختمان در هرمزگان به ارزش ۲۰۰ میلیارد تومان و اختصاص آن به ساخت پل بین قشم و بندرعباس
۸. مبارزه با چپاول گری ها و حذف حقوق های نجومی
۹. برنامه ریزی دریافت مالیات از خانه های خالی با شناسایی بیش از دو میلیون خانه خالی و برخورد با برج سازها و انبوه

برای درک میزان و اهمیت عملکرد دولت خدمتگزار و مردمی شهید دکتر رئیسی کافی است وضعیت کشور از نظر اقتصادی، بهداشتی، درمانی و ... را در زمان تحویل دولت ملاحظه کنیم از جمله می توان به وضعیت ناهنجار اقتصادی از قبیل گرانی، تورم، کسری بودجه، افزایش فوق العاده نقدینگی، صفر بودن تنخواه یکسال و ... بدترین شرایط دوران بیماری کرونا با تعداد ۸۰۰ نفر کشته در هر روز، نبود واکسن به بهانه عدم امضای FATF، بی سامانی عجیب در حوزه بهداشت و درمان و ... اشاره کرد

به شرایط بد موجود اضافه کنیم خیانت های گسترده جریان ناکام نفاق در دولت روحانی را که با ایجاد چالش های متعدد برای دولت نوپای رئیسی و انداختن پوست موز زیر پای دولت در صدد بودند مانع کار ایشان شوند به عنوان نمونه می توان به افزایش میلیاردها تومان به حقوق ها بدون اعتبار و بودجه و ... اشاره کرد

در خصوص اوضاع بد و شرایط بسیار وخیم زمان تحویل دولت روحانی هنگام تحویل به دکتر رئیسی کافی است نیم نگاهی به گزارش روحانی و وزیرانش به دکتر رئیسی کنیم از جمله گزارش عبارت بود از انبار های خالی از کالاهای اساسی، بدهکاری بالای دولتی به بانک های و موسسات خصوصی، بن بست همه جانبه، وجود فاجعه بزرگ اقتصادی، اجتماعی و ...

گرچه پرداختن به اقدامات دولت مردمی شهید رئیسی نیاز به چندین کتاب و مقالات متعدد است و در ظرفیت این متن کوتاه نمی گنجد اما از باب اینکه آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید، تیر وار اشارات کوتاهی به بخشی از عملکرد داخلی، منطقه ای و بین المللی این شهید بزرگوار می کنیم:

الف) اقدامات داخلی دولت دکتر رئیسی

۱-مقابله با بحران موجود در دولت قبل و جلوگیری ثمر نشستن توطئه های دشمنان

۱. تامین ارزاق عمومی
۲. افزایش ذخایر از ۲۶٪ به ۶۷٪ با وجود انبارهای خالی و کمبود کالاهای اساسی
۳. خروج صدها تن کالاها از انبارها گمرک ها (دپو بیش از ۵ سال)
۴. قطع دست های پنهان خیانت در گمرک ها
۵. پرداخت بدهی دولت روحانی به مبلغ ماهانه ده هزار میلیارد

میلیون مسکن

تهیه زمین و طراحی ساخت مسکن و آماده و ساخت تعداد قابل توجهی خانه و موفقیت دولت در شرایطی که افتخار دولت روحانی این بود که یک مسکن هم نساخته!!!

۱۰- لغو سند ضد قرآنی ۲۰۳۰

لغو سند ۲۰۳۰ با قدرت و شهامت سندی که هدفش نابودی اخلاق، فرهنگ، دین مردم و ایجاد همجنس بازی و فحشا بود قابل ذکر است این سند با لجاجت و تمردی آشکار روحانی در مقابل حکم حکومتی امام خامنه ای مبنی بر ابطال این سند ضد قرآنی در حال اجراء بود.

ب) اقدامات منطقه ای و بین المللی

۱- اقدامات مثبت در حل مسائل منطقه ای

۱. کاهش تنش و حل اختلاف ترکمنستان با ایران و اجرای سوآپ گازی و انتقال گاز از ترکمنستان به آذربایجان و کسب درآمد و حل مشکل سالانه گاز در منطقه گلستان و مازندران و ...
۲. تشکیل کنفرانس صلح افغانستان در تهران با ختشی کردن توپه آمریکا برای ناامن کردن مرزهای شرقی ایران و ایجاد درگیری با طالبان با تدبیر و عقلانیت
۳. دیپلماسی موفق در عرصه منطقه ای و موفقیت در عراق، ارمنستان و آذربایجان، ترکستان و ...
۴. ارتباط و تعامل سازنده با چین و روسیه، و عقد قرارداد با چین با ماهیت اقتصادی امنیتی و مشارکت چینی ها در پروژه امنیتی منطقه ای به شرط خرید نفت و تامین نیاز اقتصادی
۵. تعامل سازنده با روسیه با ماهیت نظامی و امنیت و اجرایی پروژه های مشترک امنیتی و ایستادگی در مقابل غربیان

۲- عضویت رسمی در شانگهای

عضویت رسمی در شانگهای با دیپلماسی قوی و منطق محکم علیرغم ناکامی ۴ سال احمدی نژاد و ۸ سال روحانی بدلیل کم کاری

۳- توسعه روابط و افزایش حجم صادرات به کشورهای همسایه

۱. توسعه روابط با ۱۵ کشور همسایه و سفر موفق و با برکت به روسیه و سایر کشورها منطقه
۲. افزایش میزان روابط تجاری با کشورهای همسایه از حدود سه میلیارد به بالای ده میلیارد
۳. امضای تفاهمنامه اقتصادی و تجاری با پاکستان و سایر کشورهای همسایه

۴- حضور مقتدرانه و موفق در مذاکرات وین

تحقیق آمریکا و اروپا با تعیین شرط و ندادن امتیاز به آنها و عصبانی کردن آمریکا و اروپا به دلیل ندادن نماینده آمریکا در جلسه

۵- رفع بخشی از موانع فروش نفت.

فروش نفت بدون توجه به تحریم ها و حساب ارزی ایران و دریافت پول آن در دولت رئیسی علیرغم ناتوانی دولت لیبرال در فروش نفت به بهانه تحریم و FATF و مشکل سوئیفت و ضربه به حیثیت آمریکا باشکست خفت بار آمریکا در حمایت از دزدان دریایی که ایران با شجاعت و مقتدرانه نفت خود را از مسیر خلیج فارس باب المندب و مدیترانه تا امریکای مرکزی عبور داده و بفروش رساند.

سازان متخلف

۱۰. شفافیت دریافت حقوق و صرفه جویی کلان بخاطر حذف پرداخت های غیر عادلانه

۳- اقدامات اساسی در بخش بهداشت و درمان

۱. تامین واکسن کرونا با خرید بیش از صد میلیون دوز واکسن، بدون نیاز به عضویت FATF و آمدن آمریکا به برجام و اجرای شبانه روزی واکسیناسیون قابل ذکر است دولت قبل در یکسال حدود ده میلیون واکسن و دولت ریسی در حدود سه ماه ۱۰۰ میلیون خریداری کرد.
۲. کاهش قابل توجه آمار فوتی ۸۰۰ نفر در یک روز
۳. الکترونیکی شدن نسخه های دارو و درمان و شفافیت، حذف هزینه داروخانه ها و بیمه ها به منظور جلوگیری از هدر رفتن میلیاردها تومان از بودجه بیت المال

۴- کنترل پولی و ارزی

۱. جلوگیری از چاپ پول بدون پشتوانه اسکناس
۲. جلوگیری از فروش اوراق قرضه
۳. پرداخت حقوق بدون استقراض از بانک مرکزی.
۴. پرداخت بدهی بخش وسیعی از موسسات و شرکت ها و عده ای از کارکنان دولت از جمله پرستاران و جانبازان و ...
۵. پوشش کسر بودجه ۵۶۰ هزار میلیاردی دولت روحانی

۵- تلاش در اجرای قرار داد ۲۵ ساله ایران و چین

اجرای عملی قراردادی که با فشار رهبری در زمان روحانی بسته شده بود ولی توسط دولت غربگرا عملیاتی نشده بود که موجب عصبانیت دشمنان خارجی و داخلی از جمله آمریکا و اسرائیل، اینترنشنال، ضد انقلاب و عوامل فتنه و شایعه پراکنی از جمله مدعیان فروش ایران به چین و ... شد.

۶- وصول بخشی از مطالبات از بعضی کشورها

علیرغم ناکامی روحانی در اخذ طلب های ایران در فروش نفت بخشی از طلب های ایران دریافت گردید

۷- اجرای مقتدرانه غنی سازی اورانیوم ۲۰ تا ۶۰ درصد

۱. راه اندازی هزاران سانتریفیوژ از کار افتاده علیرغم نابودی ۱۰ هزار کیلو اورانیوم در دولت روحانی و جمع آوری ۱۴ هزار سانتریفیوژ در دولت روحانی و فراهم کردن مقدمات راه اندازی راکتور اتمی اراک
۲. فعال کردن نیروگاه اتمی بوشهر علیرغم تعطیلی بخش اتمی نیروگاه در دولت روحانی و پاسخ قاطع به تحقیر های دبیر سازمان انرژی اتمی در دولت روحانی با عدم ارسال فیلم تمام قسمت های انرژی اتمی ایران
۳. راه اندازی شبکه ها و مراکز تولید برق هسته ای و فراهم کردن امکان بهره برداری برق از سه هزار تا ده هزار مگاوات

۸- کاهش موانع تولید و راه اندازی مراکز تولیدی

۱. کاهش ۵ درصدی مالیات مراکز تولید که موجب افزایش میزان تولید و ایجاد انگیزه برای راه اندازی مراکز تعطیل شده و عامل افزایش اشتغال گردید
۲. اصلاح بخشی از قوانین و برخورد مستمر با بانک ها که در تسهیل تولید موثر بود

۹- آماده سازی زمین نقشه و برنامه ساخت یک



انتخابات ریاست جمهوری اسلامی

جایگاه و اهمیت انتخابات:

مؤثر نظام است که به دو صورت رایج بی واسطه و یا با واسطه انجام می‌گیرد

اهمیت انتخابات از منظر امنیت داخلی و خارجی:

در خصوص اهمیت انتخابات باید گفت انتخابات موجب استقلال و هویت بخشی به مردم، تقویت پایه های مردمی نظام ورود سلیقه های جدید و طرح دیدگاه های مختلف و اعتماد زائی به نظام به واسطه

انتخابات مظهر مردم سالاری دینی است که بواسطه آن مردم در فعالیت و کارآمدی حاکمیت دینی نقش ایفا می کنند، از زاویه دیگر انتخابات عامل انسجام بخشی و قوام بخشی ملی، استمرار نظام ولایی و پیشرفت کشور بوده و در واقع «شب قدر» سیاسی کشور است که مقدرات کشور و نظام را برای چهار سال متوالی تعیین می کند

در نگاه اسلامی انتخابات هم حق است هم تکلیف

سپردن امور به مردم می باشد انتخابات عامل توسعه، تقویت، کارآمدی و پویایی نظام است و به بهبود روند اداره کشور و نظم و نسق امور کمک می کند، انتخابات با شکوه موجب گذر کشور از رکود ایستایی به واسطه گردش نخبگان و حضور افراد جدید در این عرصه می باشد و روشن تر و امید بخش تر شدن افق موجود برای حل مشکلات را نوید بخش است انتخابات سبب مصون سازی کشور در حوزه داخلی و خارجی و تقویت بازدارندگی می گردد و عامل تقویت مولفه های امنیت در حوزه بین المللی و محیط داخلی می شود انتخابات خنثی کنند تبلیغات ایران هراسانه و اسلام هراسانه ای است

راهبرد نظام در همه انتخابات و به ویژه این انتخابات مشارکت حداکثری و انتخاب هوشمندانه و آگاهانه می باشد

که با جنگ روانی دشمن علیه نظام تدارک دیده شده و همچنین موجب پشتیبانی از رویکرد تحولی دولت شهید خدمت دکتر رئیسی است که با انتخابات قوی ممکن است و لازمه آن نقش آفرینی در نظم نوین بین المللی مانند بریکس، شانگها و... است.

انتخابات از حیث بین المللی بسیار حائز اهمیت است به گونه ای که نسبت مستقیم بین کاهش تهدیدات و فشارهای بین المللی با میزان مشارکت مردمی دارد

همه ارکان نظام از جمله تأسیس نظام جمهوری اسلامی و تعیین شکل ماهیت آن، تعیین قانون اساسی، انتخاب روسای جمهوری اسلامی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مجلس شهر و روستا، مجلس خبرگان رهبری و ... با انتخابات شکل گرفته است

راجع به جایگاه انتخابات در ایران اسلامی می توان گفت انتخابات مبنای شکل گیری جمهوری اسلامی بوده بنحوی که همه ارکان نظام از جمله تأسیس نظام جمهوری اسلامی و تعیین شکل ماهیت آن، تعیین قانون اساسی، انتخاب روسای جمهوری اسلامی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مجلس شهر و روستا، مجلس خبرگان رهبری و ... با انتخابات شکل گرفته است، به معنای واقعی انتخابات برای نخستین بار در طول تاریخ ایران در جمهوری اسلامی محقق شده

انتخابات سبب مصون سازی کشور در حوزه داخلی و خارجی و تقویت بازدارندگی می گردد و عامل تقویت مولفه های امنیت در حوزه بین المللی و محیط داخلی می شود

است اداره کشور با اتکا به آرای عمومی صورت می گیرد در قانون اساسی: اصل ۶ تصریح دارد که اداره امور به اتکای آراء عمومی می باشد و نقش اساسی مردم در تعیین تمامی نهادها و ساختارهای حقوقی

راهبرد نظام در انتخابات

در سطح جهان و ... لذا لازم است منتخب از جنس انقلاب باشد و تضمین پیش‌برندگی آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب، پیش‌برد انقلاب در ریل اصلی‌اش باشد

قطعا ثمره انتخاب هوشمند و آگاهانه تلاش حداکثری برای رفع مشکلات مردم بوده و سبب ارتقای کارآمدی نظام می‌گردد رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «آنچه که برای مردم در این انتخابات و همه‌گزینش‌های ملی و انتخابات‌ها مهم است، این است که سطح کارآمدی نظام روز به روز ارتقا پیدا کند؛ این اساس مسئله است» (۱۳۸۳/۴/۲۴)

رهبر معظم انقلاب در جای دیگر می‌فرمایند: بهترین کیست؟ من نسبت به شخص، هیچ‌گونه نظری ابراز نمی‌کنم؛ اما شاخص‌هایی وجود دارد. بهترین، آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافی‌گری خودش نباشد. (۲/۲/۱۳۸۸)

راهبرد نظام در همه انتخابات و به ویژه این انتخابات مشارکت حداکثری و انتخاب هوشمندانه و آگاهانه می‌باشد مشارکت حداکثری ضرورت و نیاز کشور است آن هم در شرایط و حساسیت این انتخابات و قرار داشتن کشور و انقلاب در پیچ تاریخی، تشدید فشار همه‌جانبه دشمن، افزایش توطئه‌ها و سناریوها خارجی و برنامه‌های فتنه‌انگیزی داخلی است که معاندین مزورانه پیگیری خط

حماسه انتخابات بسیار مهم پیشرو، مکمل حماسه ملت در بدرقه شهیدان خدمت است و انشاءالله در سایه مشارکت پرشور، آرای بالای ملت و حاکمیت اخلاق در رقابتهای انتخاباتی، رئیس جمهوری «پُرکار»، «فعال»، «آگاه» و «معتقد به مبانی انقلاب» برگزیده میشود

بگردید؛ از خدا هم کمک بخواهید، از آدمهای مطلع و امین و باصداقت کمک بخواهید.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تجلیل از ویژگی‌ها و خدمات رئیس جمهور شهید و قدردانی از حضور پر معنا و عظیم ملت در تشییع شهیدان خدمت، گفتند: حماسه انتخابات بسیار مهم پیش‌رو، مکمل حماسه ملت در بدرقه شهیدان خدمت است و انشاءالله در سایه مشارکت پرشور، آرای بالای ملت و حاکمیت اخلاق در رقابت‌های انتخاباتی، رئیس جمهوری «پُرکار»، «فعال»، «آگاه» و «معتقد به مبانی انقلاب» برگزیده می‌شود و ضمن پر شدن حفره‌های اقتصادی و فرهنگی، منافع ملت در منطقه و جهان حفظ و تأمین خواهد شد. (۱۴۰۳/۳/۱۴)

معظم له توصیه می‌فرمایند: «بگردید؛ از خدا هم کمک بخواهید، از آدم‌های مطلع و امین و باصداقت کمک بخواهید.» (۱۳۸۶/۳/۲۲)

به‌طور خلاصه می‌توان معیارهای انتخاب اصلح را در موارد ذیل تعیین کرد:

تعهد به اسلام، دارای قدرت تشخیص، امانت‌دار، پُرکار، فعال، آگاه، انقلابی و شجاع، توجه به مشکلات اقتصاد، مبارزه با فقر و فساد، برخورد صادقانه با مردم، مبارزه با ظلم و تبعیض، توجه به نیاز و درد مردم، توانمند، کارآمد، پرنشاط، قدرت تحمل بار سنگین مسئولیت، توجه به ترقی و پیشرفت کشور، توجه به عقل جمعی، معتقد به قانون اساسی

آشوب و فتنه‌گری می‌باشند

در نگاه اسلامی انتخابات هم حق است هم تکلیف، ملازمت حق و تکلیف یک قانون عام هست یعنی هر جا حقی وجود داشته باشد ملازم با آن نیز وجود دارد و برعکس، انتخابات حق مردم هست و قانون اساسی صراحتاً بر آن صحه گذاشته و تکلیف است چون اداره جامعه و پیشبرد امور بدون حضور، حمایت و دخالت مردم میسر نیست مشارکت حداکثری معیارهای سنجش اقتدار مردمی نظام و مقبولیت آن در نزد ملت است و عامل قوی بازدارندگی سیاسی در برابر دشمنان داخلی و خارجی می‌باشد

امام خامنه‌ای می‌فرمایند: در درجه اول برای این حقیر، مهم شرکت عمومی در انتخابات است انتخابات، مظهر حضور مردم، مظهر احقاق حق و مظهر توانایی و اقتدار ملی برای یک کشور است (۱۳۹۶/۱/۱)

در جای دیگر می‌فرمایند: از نظر مردم دنیا و تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران عالم، آن نظامی مستحکم است که تعداد بیش‌تری از مردمش در هنگام انتخابات پای صندوق‌ها بیایند و رأی بدهند. این نشانه استحکام یک نظام است» (۱۳۷۸/۱۱/۲۶)

انتخاب هوشمندانه و آگاهانه

قدم موثر دوم انتخاب هوشمندانه و آگاهانه یعنی انتخابی در سطح و تراز انقلاب اسلامی است تراز انقلاب اسلامی عبارت است استقلال، آزادی، ارتقا ایستادگی در برابر ابرقدرت‌های شرق و غرب، دفاع از مظلومان به عنوان یک ارزش، قدرتمند و توانمند شدن ایران اسلامی





غدیر تحقق کمال جریان هدایت الهی

استاد سید محمد مهدی میرباقری

عهدی که اینها با خدا بستند در فداکاری برای هدایت و درهایی که از ولایت و هدایت گشوده شد و جریان هدایت الهی و ولایت الهی به یک مرتبه‌ای از کمال تنزل رسید، اینها مایوس شدند.

لذا وقتی شیطان این جریان را دید مایوس شد و از این به بعد همه خوف فقط از خداست. دین کامل، ولایت امیرالمومنین است و این نعمت هم در روایت فرمود: «نَحْنُ النَّعْمَةُ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ وَبِنَا يَفُوزُ

مَنْ فَازَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (الکافی ج ۱، ص: ۲۱۷) نعمت ما هستیم و فائزین قیامت همه با ما فائز می‌شوند. فوز در قیامت در جاتی دارد. فوز قیامت حدافلش در این آیه است که می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ» (آل عمران/۱۸۵) یعنی خداوند در روز قیامت مزدتان را کامل می‌دهند و داخل بهشت تان می‌کند و البته «بنا یفوز من فاز یوم القیامه» لذا آنهایی که این نعمت را تبدیل به کفر کردند درهای بهشت را به روی قومشان بستند.

آن نعمتی که به تمام و آن دینی که به کمال رسید جریان ولایت الله و هدایت بود. لذا فرمود «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه/۳۳) این دین حقی که با این پیامبر آمده و بعد غالب می‌شود وصیت به وصی اوست. فرمود: «امر به الوصایه لوصیه؛ یا خلافت لوصیه و هو دین الحق» پس این جریانی که به کمال

آنچه در غدیر تحقق پیدا کرده، تنزل حقیقت ولایت و به کمال رسیدن جریان هدایت الهی و سرپرستی خدای متعال است؛ تا قبل از غدیر این جریان سرپرستی به حد کمال در عالم تنزل پیدا نکرده بود که به کف با کفایت نبی اکرم جریان هدایت الهی و سرپرستی و ولایت حضرت حق در غدیر گشوده شد. با آمدن انبیا و حتی خود نبی اکرم هنوز نعمت توحید به کمال نرسیده است، وقتی باب نعمت ولایت به دست

نبی اکرم گشوده می‌شود، نعمت توحید به تمام می‌رسد. لذا ذیل آیه «وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» (لقمان/۲۰) فرمود نعمت ظاهری توحید و نبوت است و نعمت باطنی ولایت است؛ که نعمت باطنی همان باطن توحید و نبوت است و چیز دیگری نیست. حضرت درهای باطن توحید را گشودند «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی»، این است که هم ملائکه صف به صف آمده اند و هم شیاطین، هم ابلیس و هم جبرائیل، هم سران کفر و هم میکائیل و اسرافیل غدیر را رصد می‌کنند. «الیوم یأس الذین کفروا» که اصلاً یأس از آنجا شروع می‌شود؛ وقتی ابلیس و

سران کفر امیدوار باشند، مابقی آنها امیدوارند و اگر مایوس باشند مابقی مایوس اند؛ در قرآن خیلی از خطاب‌ها برای سران است، کما این که فرمود هیچ آیه‌ای نیست که با «یا ایها الذین آمنوا» شروع می‌شود الا این که مخاطب اصلی امیرالمومنین اند؛ و وقتی گفته می‌شود «کفروا» در قدم اول مقصود ابلیس و سران کفر اند، وقتی آنها واقعه را دیدند و حقیقت آن چه را در باطن این صحنه واقع شد و عهدی که خدا از نبی اکرم و امیرالمومنین گرفت و

حضرت رسول مکرم اسلام درهای باطن توحید را گشودند «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی»، این است که هم ملائکه صف به صف آمده اند و هم شیاطین، هم ابلیس و هم جبرائیل، هم سران کفر و هم میکائیل و اسرافیل غدیر را رصد می‌کنند.

آن نعمتی که به تمام و آن دینی که به کمال رسید جریان ولایت الله و هدایت بود.

و عشرت است. جامعه‌ای درست کردند در کوری و رعب. و غرق در شهوات، آنچه شما الان در تمدن غرب می‌بینید همین است. اکنون نیز در تمدن غرب فضاها بسته است و انسان در حد طبیعت تعریف می‌شود؛ یک ماده پیچیده شده که یک روز به دنیا می‌آید و یک روز هم در اتاق مرگ ایزوله، تمام می‌شود. این همان فضای کور است و بعد هم فضای خشونت و غضب و در این فضای خشونت و رعب یک بستر شهوت درست می‌کنند. این طرحی است که دشمن داشته است.

یاران امیرالمومنین (ع) را حذف کردند؛ دشمنانش را سر کار آوردند؛ راه امکانات را به طرف حضرت مسدود کردند و فضائل حضرت را برای خودشان نوشتند و نقل از فضائل حضرت را منع کردند؛ بالعکس حضرت را مذمت می‌کردند و بدی بر حضرت جعل کردند؛ ابن ابی الحدید می‌نویسد در هفتاد هزار منبر در زمان معاویه، حضرت را لعن می‌کردند؛ اینها همه برای این بود که جریانشان بماند.

قصه غدیر قصه آیه نور و قصه سقیفه این وسعت حادثه است و تجلی غدیر در عصر ظهور است که «واللیل اذا یغشی و النهار اذا تجلی». در روایت دارد وقتی حادثه رقم خورد حضرت صبر کردند، تا به «و النهار اذا تجلی» که دولت حضرت بقیه الله است برسد و آن غشاء از ولایت برداشته می‌شود. این نعمت در حجاب رفته و تهدیدی که هست همین است؛ دین شما کامل است، فقط از خدا بترسید که مبادا شما پشت به این ولایت کنید. دشمن کاری نمی‌تواند بکند از او ترسید، شیطان با همه کر و فرش و سقیفه با همه دامنه اش ضرری به شما نمی‌تواند بزند؛ زیرا درهای وادی امن گشوده شد «ولایة علی بن ابیطالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی» این باب توحید گشوده شد، دشمن مایوس است؛ اما

کاری که می‌کند همین است، شما نگران خودتان باشید و از خدا بترسید که مبادا این نعمت را کفران کنید و پا از محیط این دین کامل بیرون بگذارید. این دین خلایق ندارد. احتیاجی به خروج از او نیست؛ نقصی در این نعمت نیست که جای دیگری بخواهید بروید؛ لذا با وجود حضرت دنبال دیگران رفتن خیلی عجیب است، همه چیز در اینجاست و ما مؤمنین باور نداریم. دنبال دیگران نرویم. حاصل غدیر یک کلمه است غدیر، گشایش درهای توحید و درهای ولایت الله و ولایت نبی اکرم از وادی امیرالمومنین به سوی همه مؤمنین و موحدین است.

خودش رسیده بحث گزاره‌ها نیست، بحث جریان هدایت و ولایت است. آن نعمتی که به تمام رسیده نعمت توحید است. جنت و بهشتی که از آن موحدین است که فرمود: «الجنة للموحدین و النار للملحدین» شعاعی از توحید و رحمت رحیمه خداست. در این اتفاق عالم پر از نور شد و دشمن در مقابلش شکست خورد.

بیان سه دوره بعد از رحلت پیامبر تا خلافت امیرالمومنین و حجاب بر ولایت و هدایت در خطبه شفشقیه حضرت معلوم می‌شود که سه تا تلاش در مقابل این جریان بوده است. یکی دوره اولیست که

«طخیة عمیاء» یعنی تاریکی کور که در مقابل بصیرت و نور و هدایتی است که با ولایت حضرت آمد؛ آنها فضای ظلمانی را محکم کردند و تاریکی در عالم انداختند که در روایت ذیل آیه «واللیل اذا یغشی» فرمود: «اللَّيْلُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَلَانَ عَشَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي دَوْلَتِهِ الَّتِي جَرَتْ لَهُ عَلَيْهِ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَصْبِرُ فِي دَوْلَتِهِمْ حَتَّى تَنْقُضِي» (تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۴۲۵) و این تاریکی کور، حجاب بر ولایت و این هدایت شد. در فضایی که بینات است و چشم‌ها باز است و نور است و همه چیز واضح است و انسان عوالم خلقت و راه خودش را می‌بیند. در قرآن در سوره تغابن خدای متعال می‌فرماید به جای انکار معاد «فآمنوا بالله و رسوله و النور الذی انزلنا» شما دنبال این نور را بگیرید تا راه خودتان را می‌بینید؛ چرا انکار معاد را می‌کنید. اما بالعکس وقتی فضا، فضای طخیة عمیاء، یعنی فضای کور شد، حقایق دیده نمی‌شوند چون فضا ظلمانی خواهد بود که در قرآن

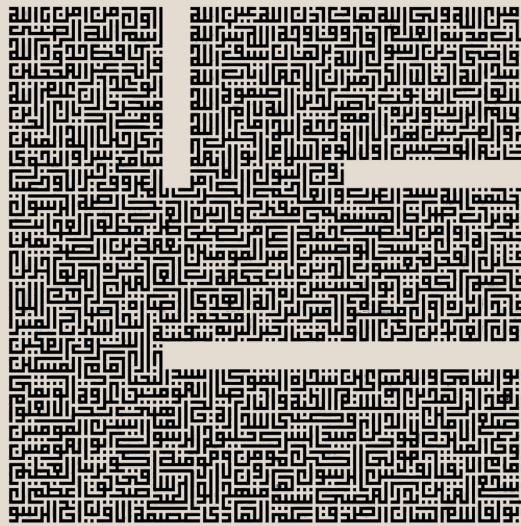
در این آیه از غدیر کامل کننده مکتب انبیا و اسلام است که بدون آن کار همه انبیا و راه هدایت و توحید ناتمام می‌ماند. همه تلاش سران کفر و شیطان، افکندن حجاب بر ولایت است و وظیفه ما مراقبت و ترس از خدا و عدم دنباله روی از دیگران است آنچه در غدیر تحقق پیدا کرده، تنزل حقیقت ولایت و به کمال رسیدن جریان هدایت الهی و سرپرستی خدای متعال است؛ و تا قبل از غدیر این جریان سرپرستی به حد کمال در عالم تنزل پیدا نکرده بود و به کف با کفایت نبی اکرم جریان هدایت الهی و سرپرستی و ولایت حضرت حق در غدیر گشوده شد و ظلمات پرده برداری شده است که «أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ» (نور/۴۰)

بعد از دوره اولی، دوره دومیست که دوره خشونت است. در خطبه شفشقیه، حضرت چهره‌های خشن دولت باطل را توضیح می‌دهند. دوره سومی هم که دوره خوشی و لذت

بیان سه دوره بعد از رحلت پیامبر تا خلافت امیرالمومنین و حجاب بر ولایت و هدایت در خطبه شفشقیه حضرت معلوم میشود که سه تا تلاش در مقابل این جریان بوده است. یکی دوره اولیست که «طخیة عمیاء» یعنی تاریکی کور، دوره دومی ترویج خشونت و سومی روحیه شهوت‌رانی

قصه غدیر قصه آیه نور و قصه سقیفه قصه آیه ظلمات است. این وسعت حادثه است و تجلی غدیر در عصر ظهور است

حاصل غدیر یک کلمه است غدیر، گشایش درهای توحید و درهای ولایت الله و ولایت نبی اکرم از وادی امیرالمومنین به سوی همه مؤمنین و موحدین است.



مهمترین پیام غدیر وحدت است گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد باقر علوی تهرانی

کند. غدیر خم هدایت و گم نشدن راه است. حضرت صادق علیه السلام میفرماید: «مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا وَتَعَيَّدَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ عَرَفَ حُرْمَتَهُ»؛ هیچ پیامبری به نبوت برانگیخته نشد، مگر اینکه این روز را عید گرفت و خدا احترام این روز را به او شناساند. این حدیث دو وجهی است. ما حدیث صحیحی داریم که بعثت انبیاء منوط به پذیرش ولایت حضرت امیر علیه السلام است. ابن مسعود از رسول اکرم صلی الله علیه و اله و سلم نقل می کند که جبرئیل در معراج به من گفت از ارواح انبیاء سؤال کن که چگونه به پیامبری مبعوث شدید. من هم سؤال کردم و انبیاء پاسخ دادند: «بُعِثْنَا بِوَلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ»؛ یعنی ما به سبب پذیرش ولایت شما و علی بن ابیطالب علیه السلام به مقام پیامبری برگزیده شدیم. پس، این روز هم برای گذشتگان و هم برای امت اسلامی است و اختصاص به شیعه ندارد. امام صادق علیه السلام می فرماید: روز غدیر خم عید بزرگ خداست و خدا پیامبری مبعوث نکرده، مگر اینکه این روز را عید گرفته و عظمت آن را شناخته و نام این روز در آسمان، روز عهد و پیمان و در زمین، روز پیمان محکم و حضور همگانی است. درواقع این روایت دارد به ما می گوید که غدیر را باید خیلی ترویج کرد، چراکه روز همایش آشکار و عمومی است.

در خصوص پیام اصلی غدیر برای امت اسلامی نظر جنابعالی چیست؟

پیام اصلی غدیر پیام امامت است. حضرت گفتند آن رسالتی که ۱۲۴ هزار پیامبر

مناره یعنی ستون بلند، گلدسته ای که برای مساجد تعبیه می کنند اصحاب در پاسخ گفتند: خدا و پیامبر و پسر پیامبرش دانانترند. ای سرور ما، آیا روز فطر است؟ فرمود: نه، گفتند: آیا روز قربان است؟ فرمود: نه، این دو روز از جلالت و شرافتی برخوردارند، ولی روز آشکارشدن مناره دین شریف تر از اینهاست و آن روز هجدهم ذی الحجه است.

استاد بفرمایید آیا عید غدیر مخصوص جامعه‌ی شیعیان است یا پیامبر این ولایت را برای تمام مسلمانان اعلام کرد؟

هر امر و شأنی که به اسلام برمی گردد برای بشر الی یوم القیامه است. حالا عده ای می پذیرند فهو مؤمن و عده ای نمی پذیرند و منکر می شوند، ولی این انکار و نفی آن حقیقت را از بین نمی برد و به قوت خودش باقی است. فلذا، عید غدیر مانند تمام مسائل مطرح شده برای دین، عمومی است. در کتاب شریف اثبات الهداة مرحوم شیخ حر عاملی از رسول خدا آمده است که میفرماید: «يَوْمُ غَدِيرِ خَمٍّ أَفْضَلُ أَعْيَادِ أُمَّتِي»؛ روز غدیر خم برترین عید در بین اعیاد برای امت من است. خب عید غدیر چه روزی است؟ در ادامه پیامبر میفرماید: «وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَمَرْتَنِي اللَّهُ فِيهِ بِنُصْبِ أَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَمَا لِأُمَّتِي تَهْتَدُونَ بِهِ مِنْ بَعْدِي»؛ و آن روزی است که خدا مرا فرمان داد برادرم علی بن ابیطالب را به جانشینی خویش منصوب سازم تا در نبود من مردم به وسیله او هدایت شوند. پیامبر اکرم هدف را هم بیان می کند. عِلْمَ دین است و به واسطه او امت هدایت پیدا می

در آستانه عید سعید غدیر خم خدمت استاد برجسته اخلاق حجت الاسلام والمسلمین سید محمد باقر علوی تهرانی هستیم و گفت وگویی درخصوص عظمت، ویژگی ها و پیام غدیر خم با معظم له داریم که خدمت شما ارائه می گردد

استاد با سلام و تبریک عید سعید غدیر خم بفرمایید چه جایگاه و ویژگیهایی برای عید غدیر در روایات ذکر شده است؟

من هم خدمت شما و خوانندگان محترم عرض سلام و ارادت دارم و این عید سعید را خدمت همه مسلمین به ویژه شیعیان علی امیرالمومنین تبریک و تهنیت عرض می کنم در خصوص جایگاه و ویژگی های این عید الله اکبر خدمت شما عرض می شود جایگاه عید غدیر را با روایتی از حضرت صادق علیه السلام بیان می کنم. امام از دوستان و شیعیانشان سؤال کردند که: «يعرفون يومنا شيد الله به الاسلام، و أظهر به منار الدين، و جعله عيداً لنا و لموالينا و شيعتنا»؛ آیا روزی را که خدا به وسیله آن بنای اسلام را محکم و رفیع و مناره دین را آشکار کرد و آن را برای ما و دوستان و شیعیانمان عید قرار داد، میشناسید؟ در واقع امام در این فقره دین را تشبیه به یک ساختمان کردند و فرمودند در این روز بنای این ساختمان در مقابل حوادث مستحکم شد؛ اگر کسی بخواهد ایمنی و امنیت داشته باشد، باید داخل ساختمان باشد و خداوند بنای این ساختمان را رفیع قرار داد برای اینکه نسبت به ادیان دیگر تفوق داشته باشد، نه برابری.

در صحنه باشند. در روز غدیر هم ۱۲۰ هزار نفر بیعت کردند، اما کوتاهی کردند و در سقیفه کاری را کردند که نباید می کردند. **در جامعه کنونی با توجه به انتصابات و تفرقه ای که متأسفانه بر مسلمین حاکم است بفرمایید پیام غدیر برای مسلمانان چیست؟**

پیام همیشگی غدیر الی وم القیامه همان آیات ۳۱ و ۳۲ سوره روم است که از فرقه فرقه کردن جامعه نهی می کند. خوب، برای اینکه جامعه فرقه فرقه نشود، باید چه کار کنیم؟ حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها در خطبه فدکیه می فرمایند: «فَجَعَلَ اللهُ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمَلَّةِ وَأَمَانَةً أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ»؛ خداوند پیروی و اطاعت از ما را عامل انسجام جامعه قرار داده و امامت و پیشوایی ما عامل جلوگیری از تفرقه است. انسجام و پیوستگی جامعه بعد از پیغمبر با جامعه در زمان پیغمبر، امامت است. نسخه وحدت غدیر است. ما متأسفانه به این نسخه توجه کمی می کنیم. کتاب ما، قبله ما و پیغمبر ما واحد است. رجوع به امامت امیرالمؤمنین علیه السلام وحدت است. پیام غدیر وحدت آفرین است، اما متأسفانه عده ای این مسیر را تغییر دادند و ثمری هم نبردند و جامعه فرقه فرقه شد. به نظر مهمترین پیام غدیر همان وحدت است. **با تشکر از لطف و محبتی که داشتید در پایان، اگر نکته ای باقیمانده بفرمایید...**

ما یک رسالتی در جامعه تشیع داریم و آن اهتمام ورزیدن به بحث غدیر است. مرحوم علامه امینی رحمه الله علیه همه عمر خود را در اثبات حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام گذاشت و ما هم نباید بگذاریم که این رسالت تمام شود. ما هم نقش داریم و باید آن را ترویج کنیم. من نمی خواهم خدای ناکرده جشن گرفتن و اطعام دادن رانفی کنم، ولی غدیر را در اینها خلاصه نکنیم. ما باید سبک زندگی و بندگی غدیر را ترویج کنیم؛ یعنی بحث های عمومی آن را ترویج کنیم. ما نتوانستیم سبک زندگی غدیر را ترویج کنیم. ما نتوانستیم سبک زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام را ترویج کنیم. سبک زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام مبتنی بر زهد، تقوا، عدالت و ... است. ما باید سبک زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام را ترویج کنیم. ان شاء الله که بتوانیم این کار را انجام بدهیم

رهبر معظم انقلاب می فرمایند: «عید غدیر عید ولایت است، عید سیاست است، عید دخالت مردم در امر حکومت اس.» نظر حضرت تعالی درباره فرمایش ایشان چیست؟

همانطور که عرض کردم، پیام اصلی غدیر امامت است. برای اینکه این موضوع روشن تر شود، من چند روایت در این باره می گویم. امام باقر علیه السلام می فرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسِ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ مَّا تُودَى بِالْوَلَايَةِ يَوْمَ الْغَدِيرِ»؛ اسلام پنج رکن دارد که یکی از آن ولایت است، اما هیچکدام به مثابه آن نیست. رسول اکرم می فرماید: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَوْ أَنَّ عِيدًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِعَمَلِ سَبْعِينَ نَبِيًّا مَا قَبِلَ اللهُ ذَلِكَ مِنْهُ حَتَّى يَلْقَاهُ بَوَلَايَتِي وَوَلَايَةَ أَهْلِ بَيْتِي»؛ سوگند به آنکه جان محمد در دست اوست، اگر در روز قیامت بنده ای با عمل هفتاد پیامبر حاضر شود خداوند آن را از او نپذیرد، مگر اینکه با ولایت من و اهل بیتم خدا را دیدار کند. اینجا تنها بحث حکومت نیست. اگر عملی را بخواهند قبول کنند، باید ولایت اهل بیت در آن باشد. بحث حکومت جزئی از این مسئله است، نه تمام آن. حکومت، یعنی رابطه بین حاکم و ملت. اگر حاکم باشد و ملت نباشد، حکومتی معنا ندارد. اگر ملت باشد و حاکمیتی نباشد، باز معنا ندارد. بنابراین برای تعیین و تقویت حاکم، ملت باید همیشه



آوردند در من خلاصه شد و استمرار آن رسالتی که من آوردم باید ادامه پیدا کند و در کسی باشد که بتواند آن رسالت ۱۲۴ هزار پیامبر را محقق کند و عینیت به آن ببخشد. لذا، آن آدم باید کسی باشد که رابطه اش با من این همانی باشد؛ یعنی من روز غدیر همانی می آورم که ۲۷ رجب آمده، مگر در منصب رسالت. این همانی بودن، یعنی جا برای دیگری وجود ندارد. هر چقدر هم برای خودتان فضیلت درست کنید، اصلاً وجود ندارد و این همان است. لذا، در این زمینه برای اثبات این همانی روایات متعددی وجود دارد. رسول اکرم میفرماید: «أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ»؛ من و علی از نور واحد هستیم و علی نظیر و نفس من است. حضرت می فرماید کف علی کف من است؛ یعنی آنچه علی با دست مبارکش تقسیم می کند همان چیزی است که من با دستم تقسیم می کنم. لذا، منصب امامت استمرار منصب نبوت است و همان ویژگی هایی را که نبی مکرم دارد، ائمه معصومین سلام الله علیهم هم دارند. این مسئله شاهد قرآنی هم دارد. آیه ۶۱ سوره آل عمران که به آیه مباهله معروف است، می فرماید: «فَقُلْ يَعْزِلُوا يَدْعُوا أَتَيْنَا وَأَبْنَاكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ»؛ بگویید ما و شما فرزندان و زنان و کسانی را که به منزله خودمان هستند، بخوانیم. مرحوم قاضی نورالله شوشتری در کتاب شریف احقاق الحق، جلد سه، صفحه ۴۶ می گوید ابناءنا به حسنین، نساءنا به حضرت زهرا سلام الله علیها و انفسنا به امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره دارد و در باورقی همین صفحات نام شصت نفر از بزرگان عامه را می آورد که ذیل آیه شریفه تصریح کرده اند که مراد از آیه مباهله اهل بیت هستند. مسلم در صحیح، احمدبن حنبل در مسند، حاکم در مستدرک، ابونعیم اصفهانی در دلائل النبوه، نیشابوری در اسباب النزول، فخر رازی در تفسیر الکبیر و آلوسی بیضاوی ابن اثیر هم شصت نفر را نام می برند که انفسنا امیرالمؤمنین علیه السلام است. پس، پیام اصلی عید غدیر امامت است و هر آنچه که وجود نازنین نبی مکرم دارد، وجود نازنین ذوات مقدسه ائمه معصومین سلام الله اجمعین هم دارند.

إِنَّمَا الْعَمَلُ بِالْإِيمَانِ

ظهور، تجلی غلبه حق غدیر بر باطلها

علی نظری منفرد

دگرگونی های عصر ظهور

بدیهی است که تغییر فطرت آدمی امری محال و غیر ممکن است؛ و دین هماهنگ با فطرت نیز تغییر نخواهد یافت، همان طور که در روایات آمده که امام صادق علیه السلام فرموده اند: «حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (الکافی: ج ۱)

بر این اساس، حفاظت و پاسداری از حریم دین و نگهداری آن شؤنی می طلبد. از جمله رهبر و پیشوایی می خواهد که این رهبری با رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پایان پذیرفت و آن بزرگوار آنچه را لازم بود ابلاغ کرد.

اما حراست و نگهداری از آنچه حضرت آورده بود نیازمند به وجود پیشوایی داشت که هم تبیین و توضیح دین و تفسیر آن را به دیگران ارائه دهد، و هم حدود شریعت را از دستبرد زدن به آن پاسداری نماید. این امر تنها در صلاحیت پیشوایی بود که دارای مقام عصمت بوده و از نظر علم و سایر

شرایط شایستگی لازم را دارا باشد.

بدون غدیر رهبری امکان ندارد

با توجه به این ویژگی ها که لازمه پیشوایی و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله است، امکان نداشت که تعیین رهبر با انتخاب مردم صورت گیرد.

لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجرت در راه بازگشت از مکه معظمه در جمعی بالغ بر هفتاد هزار تا یکصد و بیست و چهار هزار نفر، در مکانی به نام غدیر خم این رسالت عظمی را به انجام رساندند، که به فرموده قرآن معادل با تمام رسالت و پیامبری ایشان بود (مائده: ۶۷)

در آن روز حضرت دستور دادند که رفته ها را باز گردانند و عقب مانده ها هم برسند. ظهر فرا رسید و نماز ظهر را به جماعت خواندند، و به امر حضرت منبری از سنگ و جهاز

عصر ظهور عصر بیداری، آگاهی، تکامل خردها و عقول بشری است. چنان که عصر ظهور عصر حاکمیت حق و خاتمه دادن به حاکمیت ظلم و بیدادگری است.

عصر ظهور عصر نوید عدل و داد، امن و امان و برچیده شدن سباط ظلم و جور و عدوان است. عصر ظهور عصر تجلی ارزش های انسانی، بیدار شدن مدینه فاضله و سقوط استکبار و مستکبران است.

عصر ظهور عصر حکومت شایستگان و صالحین

است. وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء: ۱۰۵)

عصر ظهور عصر به قدرت

رسیدن مستضعفان خواهد بود.

وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص: ۵)

عصر ظهور عصر تحقق وعده

الهی به مؤمنان خواهد بود.

وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ (نور: ۵۵)

رسالت غدیر پاسداری و حفاظت از دین

دین اسلام شریعتی هماهنگ با سرشت و فطرت آدمی است. قرآن کریم در این رابطه می فرماید: فَطَرَهُ اللَّهُ التِّي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم: ۳۰) «فطرت خدایی که انسان ها را بر آن فطرت آفرید و در آفرینش تغییری نیست، و این است دین حق و درست و لکن بیشتر انسان ها نمی دانند».

هنگامی که دین هماهنگ با فطرت باشد و فطرت آدمی تغییر ناپذیر، آئین دیگری نمی تواند جای اسلام را بگیرد؛ مگر اینکه فطرت آدمی تغییر یابد و آئین مطابق با فطرت تغییر یافته جایگزین آن شود.

جریان غدیر به طور مختصر
مورد اتفاق شیعه و سنی است،
و از اصحاب ۱۱۰ نفر آن را نقل
نموده اند؛ که هیچ خبری مانند
غدیر این طور قوی نیست که از
اصحاب رسول خدا علیه السلام
نقل کرده باشند.

شتران درست شد.

حضرت بر فراز منبر رفتند و خطبه بسیار طولی را با حمد و سپاس الهی شروع و با «معاشر الناس» خواندند، و قبل از آن خَبر از نزدیکی اجلشان دادند بعد فرمودند: «بوشک ان ادعی فَأَجِبُّ»: «نزدیک است که فراخوانده شوم و اجابت نمایم.» بعد از آن فرمودند: «الستُّ أولى منکم بانفسکم؟»

مردم گفتند: بلی یا رسول الله! بعد حضرت دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «هر کس من امیر و مولای او هستم علی امیر و مولای اوست.»

این جریان غدیر به طور مختصر مورد اتفاق شیعه و سنی است، و از اصحاب ۱۱۰ نفر آن را نقل نموده اند؛ که هیچ خبری مانند غدیر این طور قوی نیست که از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده باشند.

تجلی غدیر در ظهور

سؤال این است: با توجه به اینکه اسلام یک دین ابدی است، حکومت اسلامی که تشکیل شده بود آیا بایستی بماند یا نماند؟ در پاسخ باید گفت: گرچه طلوع اسلام با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شد، اما این دین همیشگی و فراگیر و برای همه ملل است، و از نظر عمود زمان هم تا روز قیامت ادامه دارد، خدای متعال در قرآن می فرماید: وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران: ۸۵)

ما حق داریم این سؤال را از خودمان داشته باشیم که آیا این دینی که پیامبر صلی الله علیه و آله آورده و خود او خاتم الانبیاء است، و این دین بایستی برای همیشه بماند و نسل ها بایستی از این دین پیروی کنند، آیا حافظ و نگهدارنده می خواهد یا نمی خواهد؟ با کمترین اندیشه و اندکی فکر، پاسخ مثبت است؛ یعنی نمی شود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این حکومت بیست و سه ساله که ده سال آن را در مدینه با شدائد و مشکلات پشت سر گذاشته، تا این درخت تنومند اسلام را بارور کرده و اکنون موقع بازدهی این درخت است، رها کند و بگوید: من رفتم خدا حافظ، شما را هم به

خدا سپردم و شما هم هر کاری می خواهید بکنید!!

ما اگر سراغ غدیر هم نرویم و به خرد و عقل خود مراجعه کنیم، انسان نمی تواند باور کند که پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را بلا تکلیف گذاشته است.

اهداف غدیر

۱. تعیین سرنوشت مردم بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، پیامبر نور و هدایت است، و قرآن مجید از ایشان تعبیر به شمس و سراج منیر می کند. آیا ممکن است مردم را در ابهام و شک و اضطراب و بلا تکلیفی بگذارد و برود!!!

۲. تعیین تکلیف رسالت که تا روز قیامت بایستی ادامه پیدا

کند.

۳. تعیین تکلیف با مسئله ولایت، به معنای اکمال دین و اتمام نعمت.

۴. دستیابی به اسلام راستین. حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در خطبه فدکیه می فرماید: «اسلام را دگرگون کردند»

به این معنا که اسلام راستین را از منبع اسلام که صاحب ولایت بود نگرفتند.

۴. اتحاد امت. حضرت زهرا علیها السلام می فرماید: «وَوَطَّعْنَا نِظَامًا لِلْمَلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ»: «خطبه فدکیه» (خداوند امامت ما را قرار داد تا امت نظم پیدا کنند و از تفرقه و تشتت در امان باشند.)

همچنین حضرت زهرا علیها السلام در کلام دیگری می فرماید: «وَاللَّهِ لَوْ تَرَكَوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ، وَ اتَّبَعُوا عِتْرَةَ نَبِيِّهِ، لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ أَثْنَانٌ، وَ لَوْرَثَهَا سَلَفٌ عَنِ سَلَفٍ، وَ خَلَفَ بَعْدَ خَلْفٍ، حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا، التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ» (الانصاف فی النص علی الأئمة علیهم السلام، با ترجمه رسولی محلالتی: ص ۴۱۲)

در این حدیث تصریح شده که اگر حق به اهلش واگذار می شد، هرگز این تشتت و اختلاف در امت اسلامی به وجود نمی آمد.

موانع تحقق غدیر

باید بدانیم که ائمه معصومین علیهم السلام چه نکات و مطالب دقیقی را فرموده اند؟ چه چیزی باعث شد که اهداف غدیر تحقق پیدا نکنند؟

در فرازی از دعای ندبه که از معصوم علیه السلام رسیده می فرماید: «أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حَنْبِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ». (دعای ندبه) مانع تحقق غدیر حقد و کینه هایی بود که در جنگ بدر و خیبر و حنین داشتند، و اینها بود که نمی گذاشت غدیر تحقق پیدا کند.

حضرت زهرا علیها السلام می فرماید: «وَاللَّهِ لَوْ تَرَكَوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ، وَ اتَّبَعُوا عِتْرَةَ نَبِيِّهِ، لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ أَثْنَانٌ» (بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۳۵۳)

(و سپس در ذیل آن موانع تحقق اهداف غدیر را بیان می فرمایند که با صراحت کامل بیان نموده اند: «الْم يَسْمَعُوا اللَّهَ يَقُولُ: وَ رَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ، بَلْ سَمِعُوا» (الانصاف فی النص علی الأئمة) اینها شنیده و آگاه بودند. پس چه موانعی را

به وجود آوردند که اهداف غدیر پیاده نشد؟ می فرماید: «وَلَكِنْ أَخَذُوا بِأَرْئِهِمْ وَ اتَّبَعُوا شَهْوَاتِهِمْ» اینها رأی خودشان برایشان ملاک بود. متابعت از امیال و جاه طلبی و قدرت و خود را مطرح کردن و علاقه به مقام بود. پس آنچه مانع تحقق اهداف غدیر شد - با استناد به دعای ندبه - حقد و کینه بود، آنجا که می فرماید: «أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حَنْبِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ»، و با استناد به فرمایش حضرت صدیقه طاهره علیها السلام پیروی از شهوات بود.

پس آنچه مانع تحقق اهداف غدیر شد - با استناد به دعای ندبه - حقد و کینه بود، آنجا که می فرماید: «أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حَنْبِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ»، و با استناد به فرمایش حضرت صدیقه طاهره علیها السلام پیروی از شهوات بود.



دکتر حسین ظریف منش

مدیرعامل بنیاد بین المللی غدیر

یک حقیقت همیشه جاری در زندگی بشر زنده و اثرگذار است. رویدادی که با هدف معرفی قله فضیلت ها یعنی مولی الموحدی امیرالمومنین علی علیه السلام و نیز راهبردی برای چگونگی مدیریت جامعه، الگوی حکمروایی و نسخه ای اثربخش برای سعادت بشر در طول تاریخ است

لطفا بفرمایید اهداف بزرگداشت این دهه مبارک چیست؟

هدف از برگزاری این دهه اولاً تکریم و تعظیم ایام عید قربان تا غدیر به عنوان ایام امامت و ولایت و ثانیاً توجه دادن آحاد جامعه بلکه همگان به مفهوم و حقیقت غدیر و همچنین ضرورت و برکات تمسک به صاحب غدیر امیرالمومنین علیه السلام است. در این زمینه از این جمله تاریخی امام خمینی (ره) استفاده می کنم که فرمودند غدیر برای این نیامده است تا چراغانی کنیم و جشن بگیریم البته اینها لازم است ولی غدیر آمده است تا بگویید چگونه تبعیت کنیم.

خواهشمندیم راجع به بُعد حکومتی غدیر توضیح بیشتری بفرمایید:

در غدیر علاوه بر بیان فضایل علی (ع) ولایت و سرپرستی امیرالمومنین مطرح میشود چند نکته در این زمینه مهم است.

۱- پیامبر اکرم امامت و رهبری جامعه را امری الهی دانسته و قرآن حاکمیت و قانونگذاری را متعلق به خداوند و امری آسمانی میدانند، به بیان دیگر مسیر سعادت بشر بر اساس هدف خلقت و متناسب با استعداد و ظرفیت انسان از سوی خداوند طراحی شده و امامت در امتداد رسالت با اراده و خواست الهی می باشد.

۲- معرفی و تاکید بر فضایل امیرالمومنین به عنوان اسوه حسنه نظیر پیامبر اکرم، فضایی که به قول امام راحل آنها است که غدیر را به وجود آورده اند.

۳- بیان امامت و ولایت به عنوان طرح کلی اسلام برای مدیریت جامعه در روز غدیر صورت می گیرد یعنی با کنار گذاشتن همه الگوهای منسوخ و منحل بشری یعنی حکومت های مبتنی بر زور، اشرافیت، و حکومت های به اصطلاح دموکراسی و ... در غدیر مطرح می شود. ولایت مردمی ترین نوع حکومت است، بین مردم و ولی هیچ فاصله ای نیست ولی نقش پدر،

به مناسبت عید خجسته غدیر در خدمت برادر بزرگوار جناب آقای دکتر ظریف منش مدیر کل بنیاد بین المللی غدیر هستیم و در خصوص این عید بزرگ و برنامه های بنیاد سئوالات محضر ایشان داریم که به سمع و نظر شما می رسد:

سلام و تحیت خواهشمندیم در آغاز اشاره ای به دهه امامت و ولایت و جرایبی و چگونگی آن بفرمایید

با سلام، تحیت و عرض تسلیت شهادت رئیس جمهور محترم شهید آیت الله رئیسی و سایر شهدای خدمت همانگونه که مستحضرید بزرگداشت روز عید غدیر از صدر اسلام مورد اهتمام مسلمانان و بویژه شیعیان بوده است. ائمه معصومین روی این امر تأکیدات ویژه ای داشته اند بطوریکه برای هیچ روزی همانند عید سعید غدیر عیدالله الاکبر و با فضیلت ترین اعیاد این تعداد مناسک و آداب از سوی معصومین ذکر نشده است.

اما دهه امامت و ولایت با الهام از فرمایشات مقام معظم رهبری برای گرامیداشت و تبیین حقیقت غدیر تعیین شده است. معظم له در یکی از فرمایشاتشان می فرمایند بین عید قربان که روز امامت حضرت ابراهیم علیه السلام است و روز عید سعید غدیر که روز امامت امیرالمومنین علیه السلام است رابطه ای است و این دهه متصل به امر امامت است و بعضی پیشنهاد داده اند که این ایام به عنوان دهه امامت و ولایت نامگذاری شود بر همین اساس در طول قریب ده سال گذشته با لطف الهی با شکوه و کیفیتی بیش از سال های گذشته و با ایجاد یک فضای گفتمانی دهه امامت و ولایت در کشور برگزار می گردد.

لطفا در مورد اهمیت غدیر بفرمایید

در واقع ما به واقعه غدیر از چند زاویه می توانیم نگاه کنیم یک واقعه تاریخی مثل بسیاری از حوادث و وقایع دیگر، واقعه ای که می توان به آن مباحثات کرد و برای آن جشن گرفت و به عنوان یک پشتوانه و پیشینه فرهنگی به آن نگریست که این نگاه به نظر بنده حداقلی است اما نگاه کاملتر به غدیر آن است که یک واقعیت مسلم مورد اتفاق همه فرق اسلامی است که در آن به امر الهی و توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای همه عصرها و نسل ها بیان شده که به عنوان

بعضی افراد پر رنگ شدن غدیر را نافی وحدت می دانند نظر جنابعالی چیست؟

حضرت آقا در بیانی فرمودند غدیر فقط متعلق به شیعه نیست بلکه متعلق به جهان اسلام است و اگر حقیقت غدیر برای اهل سنت هم روشن شود آنها هم این ایام را جشن می گیرند بر همین اساس تلاش بنیاد در جهت تقویت وحدت مسلمین از طریق تبیین عالمانه غدیر، طرح امیرالمومنین علیه السلام به عنوان محور وحدت و پرهیز از هر گونه فعالیت و یا اقدام تفرقه انگیز می باشد و لذا در بسیاری از مناطق کشور برادران اهل سنت در کنار شیعیان در جشن ها بلکه در اطعام و جشنواره ها حضور دارند. برگزاری همایش ولایت محور وحدت امت اسلام در چند نقطه کشور با حضور علمای شیعه و سنی برگزار می گردد. از آنجا که غدیر مورد اتفاق است و در بسیاری از کتب مرجع اهل سنت نسبت به قطعیت غدیر و فضایل امیرالمومنین بحث های قوی و ارزشمندی صورت گرفته است اکثر قریب به اتفاق برادران اهل سنت محب اهل بیت هستند ما معتقدیم معرفی شخصیت و فضایل امیرالمومنین و آموزهای علوی با مستندات علمی و تاریخی دل ها را مجذوب آن امام همام کرده و ثمره آن وحدت جامعه اسلامی است.

به عنوان سوال پایانی بفرمایید وظایف ما در قبال این واقعه عظیم تاریخی چیست؟

وظیفه همه اولاً تمسک به امیرالمومنین یعنی افزایش معرفت نسبت به آن بزرگوار و عمل به آموزه های علوی به عنوان معیار زندگی و الگوی حکمروایی است بر این اساس ما شعار امسال را امیرالمومنین علیه السلام معیار زندگی و الگوی حکمرانی قرار داده ایم ثانیاً وظیفه همگانی ابلاغ پیام رسول الله تاروز قیامت است. پیامی که جهان تشنه آن است. برگزاری با شکوه این ایام حضور حداکثری در انتخابات و انتخاب اصلح با توجه به شاخص های بیان شده از سوی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی است.

مربی، ناجی و هدایت گر فرد و اجتماع را ایفا می کند و از طرف دیگر مدیریت جامعه و اجرای احکام الهی و پیش بردگی به سوی اهداف بعثت را بر عهده دارد.

خواهشمند است راجع به نقش بنیاد بین المللی غدیر؛ در طراحی و اجرای برنامه های دهه امامت و ولایت مطالبی را بفرمایید:

نقش بنیاد بین المللی غدیر؛ سیاست گذاری، برنامه ریزی، پیگیری و ایجاد زمینه و انگیزه در میان مردم، تشکل ها و مراکز مردمی و اقشار مختلف جامعه و نیز مدیران سازمان ها و نهادهای دولتی و عمومی است. بر همین اساس بنیاد باید اجرای برنامه ها را عمدتاً در مجموعه های مردمی و ملی جست جو نماید.

راجع به نقش سپاه پاسداران در بزرگداشت این ایام خجسته بفرمایید

هر سال مجموعه سپاه و بسیج به عنوان پیشرو و پیشتاز برنامه های غدیری وارد میدان می شوند، در واقع سپاه و پاسداران عزیز پرچمدار این حرکت الهی بوده اند.

لطفاً نمونه ای از برنامه های در دست اقدام را بنویسید:

دو دسته برنامه داریم برنامه های گرامیداشت غدیر نظیر جشن ها و آذین بندی و میهمانی خیابانی که عمدتاً ناظر بر امر تبلیغ و ترویج و برگزاری مراسم ها، جشن و سرور به عنوان پرچم همیشه در اهتزاز و نماد عمومی حقانیت تشیع و تعظیم شعائر الهی است و برنامه های فرهنگ ساز و معرفت افزا: که رویکرد علمی و پژوهشی در آن تعریف و در قالب برگزاری همایش، کنگره، جشنواره، سمینار و نشستهای علمی معرفتی تعریف شده و همراه با تهیه، تدوین و انتشار کتابها، مقالات و نشریه های تخصصی و حمایت از پایان نامه ها و طرح های پژوهشی در حوزه غدیر و موضوعات مرتبط با آن می باشد ترویج نهج البلاغه در جامعه، تلاش در جهت تثبیت و تعمیق هویت دینی و تقویت و گسترش فرهنگ علوی در جامعه، ترویج آموزه های علوی بر اساس نیازهای روز، ترویج مفاهیم خطبه غدیر و زیارت جامعه کبیره و غدیریه از جمله این برنامه هاست.





ماجرای غدیر حجة الوداع

پیامبر(ص) در ذی القعدة سال ۱۰ قمری همراه هزاران نفر برای انجام مناسک حج از مدینه به طرف مکه حرکت کرد این سفر رسول خدا(ص)، حجة الوداع، حجة الاسلام و حجة البلاغ نامیده می شود. در آن ماه امام علی(ع) برای تبلیغ اسلام در یمن بود و هنگامی که از تصمیم پیامبر(ص) برای سفر حج آگاه شد، همراه عده‌ای به سمت مکه حرکت نمود و پیش از آغاز مناسک، به رسول خدا(ص) پیوست(مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۷۱)

آیه تبلیغ

مسلمانان حج گزار ۱۸ ذی الحجة به غدیر خم رسیدند و پیش از جدایی اهالی شام، مصر و عراق از جمعیت، جبرئیل آیه تبلیغ را بر پیامبر(ص) نازل کرد و از جانب خداوند، به رسول خدا(ص) امر نمود تا علی(ع) را به عنوان ولی و وصی بعد از خود، به مردم معرفی کند(تفسیر العیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۳۲)

پس از نزول این آیه، پیامبر(ص) دستور توقف کاروان را صادر نمود و گفت آنانی که پیشاپیش حرکت می کنند، به محل غدیر بازگردند و کسانی که عقب مانده اند، به کاروان در غدیر خم، ملحق شوند. (سنن الکبری، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۱۳۵)

خطبه غدیر

پیامبر(ص) پس از ادای نماز ظهر، خطبه‌ای ایراد کرد که به خطبه غدیر مشهور شد و در

تفسیر، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۴)
نزول آیه اکمال

هنوز جمعیت متفرق نشده بودند که دوباره جبرئیل نازل شد و از جانب خداوند، آیه سوم سوره مائده نازل شد که به آیه اکمال مشهور است. در بخشی از آیه آمده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و دین اسلام را برای شما پسندیدم.»

تبریک به امام علی(ع)

در این هنگام، مردم به امام علی(ع) تهنیت گفتند. از جمله کسانی که پیشاپیش سایر صحابه، به امام علی(ع) تهنیت گفتند، عمر بود. او پیوسته خطاب به امیرمؤمنان(ع) می گفت: بر تو گوارا باد! ای پسر ابوطالب، تو مولای من و مولای هر مرد و زن با ایمان گشتی. (مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۷۷)

پیامبر(ص) نیز دستور داد خیمه‌ای برای علی(ع) برپا کردند و به مسلمانان فرمان داد دسته دسته خدمت ایشان برسند و به عنوان امیرمؤمنان به او سلام دهند و همه مردم حتی همسران پیامبر(ص) و همسران مسلمانان، دستور پیامبر(ص) را عملی ساختند. (مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۷۶)

حاضران

درباره تعداد افراد حاضر در غدیر خم اختلاف نظر است. تعداد حاضران را ده هزار

ضمن آن فرمود: «حمد و ستایش مخصوص خداوند است و از او یاری می خواهیم و به او ایمان داریم و از شر نفس هایمان و زشتی های کردارمان، به او پناه می بریم... خداوند لطیف و خبیر مرا خبر داد که من به زودی (به سوی او) فراخوانده می شوم و (دعوت او را) اجابت خواهم نمود... من پیش از شما در کنار حوض (حوض کوثر) حاضر می گردم و شما در کنار آن بر من وارد می گردید، پس بنگرید که پس از من چگونه درباره ثقلین رفتار می کنید؛ ثقل اکبر کتاب خداست... و ثقل دیگر، عترت من است...»

سپس رسول خدا(ص)، دست علی(ع) را بلند نمود تا مردم او را ببینند و فرمود: «ای مردم، آیا من از خود شما، به ولایت [سرپرستی] شما سزاوارتر نیستم؟ مردم پاسخ دادند: آری، ای رسول خدا. حضرت فرمود: خداوند ولی من است و من ولی مؤمنین ام و من به خود شما، به ولایت [سرپرستی] شما سزاوارترم. پس هر کس که من مولای اویم، علی مولای

اوست.» رسول خدا(ص) سه بار این جمله را تکرار کرد و فرمود: «خداوند، دوست بدار و سرپرستی کن هر کسی را که علی را دوست دارد و او را مولای خود بداند و دشمن بدار هر کسی را که او را دشمن می دارد و یاری نما هر کسی را که او را یاری می نماید و به حال خود رها کن هر کس را که او را و

می گذارد.» سپس خطاب به مردم فرمود: «حاضران این پیام را به غایبان برسانند(کتاب

شما گمان می کنید من بر اینان سلطه و راهی ندارم؟ چگونه دیدید مرا هنگامی که کاری کردم تا امر خدا و پیامبر را درباره اطاعت علی بن ابیطالب (ع) کنار گذارند؟

احتجاج به غدیر

امام علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به واقعه غدیر اشاره کرده اند. امام علی (ع) در اوایل حکومتش در روز رحبه، به منظور دفاع از حق خود و رد بر کسانی که در امر خلافت با او منازعه می کردند، به واقعه غدیر احتجاج کرد. (الغدیر، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ج ۱، ص ۳۳۹) همچنین حضرت فاطمه (س) می فرماید: «گویی شما نمی دانید آنچه را که پیامبر در روز غدیر خم فرمود؟ سوگند به خدا، پیامبر در آن روز مقام ولایت و امامت را برای علی مقرر و استوار ساخت، تا رشته طمع شما را نسبت به این مقام قطع کند. (الاحتجاج، ج ۱، ص ۸۰)

واقعه غدیر در منابع اسلامی

مرحوم علامه امینی در کتاب «الغدیر» خود نام روایان حدیث غدیر را به ترتیب زمان زندگی آنان ذکر کرده است:

در میان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله ۱۱۰ نفر، در میان تابعین ۸۴ نفر، در میان علمای قرن دوم هجری ۵۶ نفر، در میان علمای قرن سوم هجری ۹۲ نفر، در میان علمای قرن چهارم هجری ۴۳ نفر، در میان علمای قرن پنجم هجری ۲۴ نفر، در میان علمای قرن ششم هجری ۲۰ نفر. در میان علمای قرن هفتم هجری ۲۱ نفر، در میان علمای قرن هشتم هجری ۱۸ نفر، در میان علمای قرن نهم هجری ۱۶ نفر، در میان علمای قرن دهم هجری ۱۴ نفر، در میان علمای قرن یازدهم هجری ۱۲ نفر، در میان علمای قرن دوازدهم هجری ۱۳ نفر، در میان علمای قرن سیزدهم هجری ۱۲ نفر، در میان علمای قرن چهاردهم هجری ۱۹ نفر.

حدیث غدیر در کتب معتبر اهل سنت همچون «سنن ابن ماجه» (ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۴۵) «سنن ترمذی» (ترمذی، الجامع الکبیر، ج ۶، ص ۷۹) «مستدرک حاکم نیشابوری» (المستدرک، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۳، ص ۱۱۸ و ۱۱۹) و ... به مضامین مختلف ذکر شده است.

نرساندی و خدا تو را از (شر) مردم، نگه می دارد سوره مائده، آیه ۶۷. این آیه به آیه تبلیغ مشهور است.

۴- سأل سائل بعذاب واقع للكافرين ليس له دافع» (سوره معارج، آیات ۱-۲) پس از آنکه پیامبر، ولایت علی (ع) را به مردم اعلان کرد نعمان بن حارث فهري با حالت اعتراض به پیامبر گفت: ما را به توحید و قبول رسالت و انجام جهاد و حج و روزه و نماز و زکات امر کردی، ما هم قبول کردیم. اما به این مقدار راضی نشدی تا اینکه این جوان را منصوب کردی و او را ولی (سرپرست) ما قرار دادی. آیا این اعلام ولایت از ناحیه خودت بوده، یا از سوی خدا؟ وقتی پیامبر به او فرمود که از ناحیه خداوند است، با حالت انکار از خداوند خواست که اگر این حکم از جانب اوست، سنگی از آسمان بر سرش فرود آید. در این هنگام سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و او را درجا کشت و این آیه نازل شد (الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۰)

فریاد شیطان در غدیر

امام محمد باقر (ع) فرمود: «ابلیس چهار مرتبه فریاد بلند کشیده است: روزی که مورد لعن خداوند قرار گرفت، روزی که از آسمان ها به زمین فرستاده شد، روزی که پیامبر (ص) مبعوث شد، و روز غدیر خم [که امیرالمؤمنین (ع) به امامت منصوب شد.]» (اسرار غدیر، ص ۵۴)

حُزن شیطان در غدیر و سرور او در سقیفه

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: پیامبر (ص) به من خبر داد که ابلیس و رؤسای اصحاب او هنگام منصوب شدن من در غدیر حاضر بودند، در آن روز، اصحاب ابلیس رو به او کردند و گفتند: این اُمّت مورد رحمت الهی قرار گرفتند و از گمراهی محفوظ شدند و دیگر نه ما را و نه تو را بر آنان راهی نیست؛ چرا که امام و پناه خود بعد از پیامبرشان را شناختند. ابلیس با ناراحتی و اندوه از آنان جدا شد.

امیرالمؤمنین (ع) در ادامه کلامش فرمود: پیامبر (ص) به من خبر داد: آن هنگام که مردم بعد از وفات من بیعت تو را بشکنند، ابلیس اصحابش را جمع می کند و آنان در مقابل او به سجده درمی آیند و می گویند: ای آقای ما! ای بزرگ ما! تو بودی که آدم را از بهشت بیرون کردی! ابلیس می گوید: کدام اُمّت بعد از پیامبرشان گمراه نشدند؟

نفر، (کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۳۳۲) دوازده هزار نفر، (کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۳۲۹) هفده هزار نفر، (جامع الاخبار، المطبعة الحیدریه، ص ۱۰) هفتاد هزار نفر (الاحتجاج، ج ۱، ص ۵۶) و ۱۲۰ هزار نفر (تذکره الخواص، ج ۱، ص ۳۷) گفته اند. برخی با توجه به گنجایش جمعیت در فضای غدیر خم، جمعیت مدینه در سال دهم هجری، در نظر گرفتن جمعیت حاضر در مکه در حجه الوداع، گزارش مبنی بر حضور ده هزار نفر در غدیر خم را مستندتر دانسته اند. (بررسی تعداد جمعیت حاضر در غدیر، ص ۳۸)

از جمله صحابه ای که در غدیر خم حضور داشتند عبارتند از عمر بن خطاب، البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۴۹) عثمان بن عفان، (کتاب الولایه، ج ۱، ص ۱۵۰) عایشه بنت ابوبکر، (کتاب الولایه، ج ۱، ص ۱۴۲۴) سلمان فارسی، (مکتبه الامام امیرالمؤمنین، ص ۴۸) ابودر غفاری، (فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۱۵) زبیر بن عوام، (کتاب الولایه، ج ۱، ص ۱۵۰) جابر بن عبدالله انصاری، (للدراست الاسلامیه، ج ۱، ص ۵۷) عباس بن عبدالمطلب، (مکتبه الامام امیرالمؤمنین، ص ۴۸) ابوهریره (مکتبه الامام امیرالمؤمنین، ص ۴۸) واقعه غدیر در منابع شیعه و سنی نقل شده است. برخی از فرازهای خطبه غدیر مانند: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» متواتر است (امامت و رهبری، ص ۳۶۴، ش ۱۱۴-۱۱۳)

آیات نازل در باره غدیر

۱- طبق نظر مفسران شیعه (طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۱۳۹۴-۱۹۳-۱۹۴). و سنی، (دار احیاء التراث العربی، ج ۳، ص ۴۳۵) چند آیه در قرآن درباره ماجرای غدیر در حجه الوداع نازل شده است:

۲- اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً؛ امروز، دینتان را برای شما کامل و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم (سوره مائده، آیه ۳) که به آیه اکمال معروف است.

۳- أیها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس؛ ای پیامبر، آنچه را از ناحیه پروردگارت به تو نازل شد، ابلاغ کن و اگر انجام ندهی، اصلاً پیغام پروردگار را



شعر غدیر

پس از مراسم پر شور غدیر، حسان بن ثابت به حضرت پیامبر عرض کرد: یا رسول الله، اجازه می فرماید شعری را که درباره علی بن ابیطالب (به مناسبت این واقعه عظیم) سروده ام بخوانم؟ حضرت فرمودند: بخوان به برکت خداوند. حسان گفت: ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و امضای پیامبر گوش کنید. و سپس اشعاری را خواند که به عنوان یک سند تاریخی از غدیر ثبت شد و به یادگار ماند. ذیلا متن عربی شعر حسان و سپس ترجمه آن را می آوریم:

أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ النَّبِيَّ مُحَمَّدَ الَّذِي دَوَّحَ حُمًّا جِبِينَ قَامَ مُنَادِيًا
 وَ قَدْ جَاءَهُ جَبْرِئِيلُ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ بِأَنَّكَ مَعْضُومٌ فَلَا تَكُ وَأَنْبِيَا
 وَ بَلَّغَهُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ رَبَّهُمْ وَإِنْ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ وَ حَاذَرْتَ بَأْغِيَا
 عَلَيْكَ فَمَا بَلَّغْتَهُمْ عَنْ إِلَهِهِمْ رَسُولَتَهُ إِنْ كُنْتَ تَخْشَى الْأَعَادِيَا
 فَقَامَ بِهِ إِذْ ذَاكَ رَافِعٌ كَفَّهُ بِيَمِينِي يَدِيهِ مُغْلِنَ الصُّوْتِ عَلِيًّا
 فَقَالَ لَهُمْ مَنْ كُنْتُمْ مَوْلَاةَ مِنْكُمْ وَ كَانَ لِقَوْلِي حَافِظًا لَيْسَ نَاسِيَا
 فَمَوْلَاةَ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَإِنَّ نَبِيَّهِ لَكُمْ ذُونَ التَّوْبَةِ رَاضِيَا
 فَيَا رَبَّ مَنْ وَآلِي عَلِيًّا قَوْلَاهُ وَ كُنْ لِلَّذِي عَادَى عَلِيًّا مُعَادِيَا
 وَ يَا رَبَّ فَانصُرْ نَاصِرِيهِ لِتَضْرِبَهُمْ إِمَامَ الْهُدَى كَالْبَدْرِ يَجْلُو الدِّيَابِيَا
 وَ يَا رَبَّ فَاحْذَلْ خَادِلِيهِ وَ كُنْ لَهُمْ إِذَا وَقَفُوا يَوْمَ الْحِسَابِ مُكَافِيَا

آیا نمی دانید که محمد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم کنار درختان غدیر خم با حالت ندا ایستاد، و این در حالی بود که جبرئیل از طرف خداوند پیام آورده بود که در این امر سستی ممکن که تو محفوظ خواهی بود، و آن چه از طرف خداوند بر تو نازل شده به مردم برسان، و اگر نرسانی و از ظالمان بترسی و از دشمنان حذر کنی رسالت پروردگارت را نرسانده ای.

در این جا بود که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم دست علی علیه السلام را با دست راست بلند کرد و با صدای بلند فرمود: هر کس از شما که من مولای او هستم و سخن مرا بیاد می سپارد و فراموش نمی کند، مولای او بعد از من علی است، و من فقط به او - نه به دیگری - به عنوان جانشین خود برای شما راضی هستم. پروردگارا هر کس علی را دوست بدارد او را دوست بدار، و هر کس با علی دشمنی کند او را دشمن بدار. پروردگارا یاری کنندگان او را یاری فرما به خاطر نصر تشان امام هدایت کننده ای را که در تاریکی ها مانند ماه شب چهارده روشنی می بخشد. پروردگارا خوار کنندگان او را خوار کن و روز قیامت که برای حساب می ایستند خودت جزا بده.

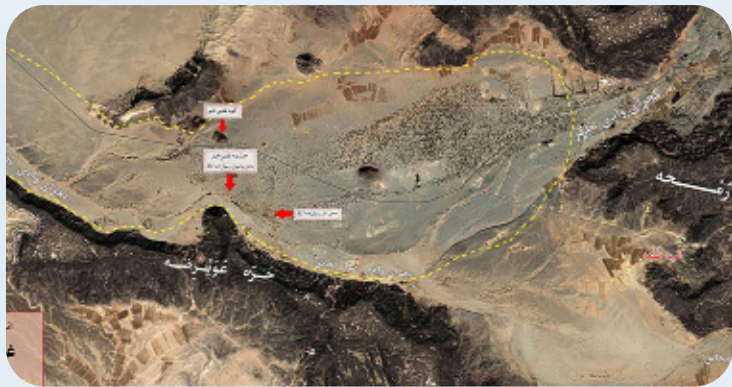
شاعران غدیر

قرن اول	قرن دوم	قرن سوم	قرن چهارم	قرن پنجم	قرن ششم	قرن هفتم	قرن هشتم	قرن نهم	قرن دهم	قرن یازدهم	قرن چهاردهم
امام علی (ع)	کمیت بن زید	ابونعمان طائی	ابن اصفهانی طاطبای	سید رضی	ابوالحسن فتحریدی	ابوالحسن المنصور بالله	ابن داود حلی	ابن عرندس حلی	اراحیم بن کفصی	ابن ابی شافین بهرانی	
حسان بن ثابت	سید حمیری	دعبل	ابن علویه اصفهانی	سید مرتضی	احطاب خولوز می	مجدالدین بن جمیل	جمال الدین خصی	ابن داود حلی	عزالدین عاملی	زین الدین حمیدی	
قیس انصاری	عبدی کوفی	ابواسماعیل علوی	مفجع	مهیار دیلمی	قاسم ابن قادوس	ابوالحسن جزاک	سریجی اوالی	حافظ و سی حلی		شیخ حسین کوکی	
عمرو بن عاص		واقف نصرانی	ابوقاسم صنوبری	ابوعلی بصیر	ابوالظفرات ملک صالح	قاسم نظام الدین	صفی الدین حلی	ضیاء الدین الیهادی		شیخ یحیی	
محمد حمیری		ابن رومی	ابوفراس	ابوالعلی معزی	قطب الدین راوندی	شمس الدین محفوظ بن وشاح	شیبانی شافعی	الحسن آل ابی عبدالکریم		شیخ حر عاملی	
		جعفی افقه	ابونجیب طاهر	ابن جر مصری	ابوالعمالی القاضی جلیس	بیاد الدین ارلی	شمس الدین مالکی			حسین بن شهاب کی کی ۱۳۱	محمد تقی تهرانی ۱۳۱

جغرافیای غدیر خم

پیامبر (ص) در ۱۸ ذیالحجه سال دهم هجری قمری در آنجا خطبه غدیر را خواند و امام علی (ع) را به عنوان جانشین خود به مسلمانان معرفی کرد. این حادثه به واقعه غدیر معروف است (قمی، تفسیر القمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱) در مکانی که پیامبر، نماز خواند و علی (ع) به عنوان جانشینی خود معرفی کرد، مسجدی ساخته شد که به مسجد غدیر خم مشهور شد. (وفاء الوفا، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۷۰-۱۷۱) در کتب دعا، برای این مسجد اعمالی ذکر شده است. (مصباح المتعجد، ۱۴۱۱ق، ص ۷۰۹)

"خم" نام منطقه ای در میان مکه و مدینه است که بر سر راه حاجیان قرار دارد غدیر خم، نام برکه ای در چهار کیلومتری جحفه بود (لسان العرب، ذیل کلمه الغدیر) جحفه حدوداً در فاصله ۲۰۰ کیلومتری شمال غربی مکه قرار دارد و یکی از میقاتهای پنجگانه حج است. (معجم البلدان، ۱۹۹۵م، ج ۲، ص ۱۱۱) در جحفه راه اهالی مصر، مدینه، عراق و شام از یکدیگر جدا میشود این مکان به دلیل وجود مقداری آب و چندین درخت، محل توقف و استراحت کاروانیان بوده است (وفیات الاعیان، ۱۳۶۴ش، ج ۵)



اقدامات عملی پیامبر بر فراز منبر

اهل بیت را به امامت اختصاص داده است. و این نشانه فتح بزرگ و در هم شکستن کامل سنگرهای کفر و نفاق است. برنامه بیعت و تهنیت تا سه روز ادامه داشت، و این مدت را حضرت در غدیر اقامت داشتند.

اما اولین کسانی که در غدیر با امیرالمؤمنین (ع) بیعت نمودند عبارت بودند از: ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه و زبیر، و عمر هنگام بیعت این کلمات را بر زبان می راند: افتخار برایت باد، گوارایت باد ای پسر ایطالب، خوشا به حالت ای ابالحسن، اکنون تو مولای من و مولای هر مرد و زن مومنی شده ای!

۴- بیعت زنان

پیامبر (ص) دستور دادند تا ظرف آبی آورند، و پرده ای زدند که نیمی از ظرف آب در یک سوی پرده و نیم دیگر آن در سوی دیگر قرار بگیرد، تا زنان با قرار دادن دست خود در یک سوی آب، و قرار دادن امیرالمؤمنین (ع) دستشان را در سوی دیگر با حضرت بیعت کنند؛ به این صورت بیعت زنان هم انجام گرفت. همچنین دستور دادند تا زنان هم به حضرتش تبریک و تهنیت بگویند، و این دستور را درباره همسران خویش مؤکد داشتند.

یادآور می شود که بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه علیها السلام از حاضرین در غدیر بودند. همچنین کلیه همسران پیامبر (ص) در آن مراسم حضور داشتند.

۵- عمامه سحاب

پیامبر (ص) در این مراسم عمامه خود را که سحاب نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر امیرالمؤمنین (ع) قرار دادند و انتهای عمامه را بر دوش آن حضرت آویزان نمودند و فرمودند: عمامه تاج عرب است.

خود امیرالمؤمنین در این باره چنین فرموده اند: پیامبر در روز غدیر خم عمامه ای بر سرم بستند و یک طرفش را بر دوشم آویختند و فرمودند: خداوند در روز بدر و حنین، مرا بوسیله ملائکه ای که چنین عمامه ای به سر داشتند یاری نمود

وقتی کلام پیامبر (ص) پایان یافت همه مردم سخن او را تکرار کردند و بدین وسیله بیعت عمومی گرفته شد.

عبارت تاریخ چنین است: پس از اتمام خطبه، صدای مردم بلند شد که: آری، شنیدیم و طبق فرمان خدا و رسول با قلب و جان و زبان و دستمان اطاعت می کنیم. بعد به سوی پیامبر و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آله ازدحام کردند و برای بیعت سبقت می گرفتند و با ایشان دست بیعت می دادند.

۳- بیعت مردان

پس از پایان خطبه، مردم رو به سوی پیامبر و امیرالمؤمنین علیهما السلام آوردند، و با ایشان به عنوان بیعت دست می دادند و هم به پیامبر و هم به امیرالمؤمنین علیهما السلام تبریک و تهنیت می گفتند، و پیامبر (ص) هم می فرمودند: الحمد لله الذی فضلنا علی جمیع العالمین. برای آن که رسمیت مسئله محکم تر شود، و آن جمعیت انبوه بتوانند مراسم بیعت را به طور منظم و برنامه ریزی شده ای انجام دهند، پیامبر (ص) دستور دادند تا دو خیمه بر پا شود. یکی را مخصوص خودشان و آن دیگری را برای علی (ع) و فرمودند تا در آن جلوس نمایند و امر کردند تا مردم جمع شوند.

پس از آن مردم دسته دسته در خیمه پیامبر (ص) حضور می یافتند و با آن حضرت بیعت نموده و به او تبریک و تهنیت می گفتند. سپس در خیمه مخصوص امیرالمؤمنین (ع) حاضر می شدند و به عنوان امام و خلیفه بعد از پیامبرشان با او بیعت می کردند و به عنوان امیرالمؤمنین بر او سلام می کردند و این مقام والا را به آن حضرت تبریک و تهنیت می گفتند.

نکته قابل توجهی که در هیچ یک از پیروزی های پیامبر (ص) - چه در جنگ ها و چه سایر مناسبت ها و حتی فتح مکه - سراغ نداریم، این است که حضرت در روز غدیر مکرر می فرمود: به من تبریک بگویند، به من تهنیت بگویند، زیرا خداوند مرا به نبوت و

در روز غدیر خم پس از نماز ظهر پیامبر (ص) بر منبر ایستادند و امیرالمؤمنین (ع) را فراخواندند و به ایشان دستور دادند بالای منبر بیایند و در سمت راستشان بایستند. سپس سخنرانی تاریخی و آخرین خطابه رسمی خود را برای جهانیان آغاز کردند در اثناء خطبه، پیامبر (ص) چند اقدام عملی بر فراز منبر انجام دادند که بسیار جالب توجه بود:

۱- علی (ع) بر فراز دست پیامبر اکرم

پیامبر (ص) پس از مقدمه چینی و ذکر مقام خلافت و ولایت امیرالمؤمنین (ع) برای آن که راه هرگونه شک و شبهه بسته باشد فرمودند: باطن قرآن و تفسیر آن را برای شما بیان نمی کند، مگر این کسی که من دست او را می گیرم بعد از آن بازوی علی بن ایطالب (ع) را گرفته. در این هنگام امیرالمؤمنین (ع) دست خود را به سمت صورت حضرت باز کردند تا آن که دست های هر دویشان به سوی آسمان قرار گرفت. سپس پیامبر (ص) دست امیرالمؤمنین (ع) را گرفت و بلند کرد و فرمودند: هر کس من مولی و صاحب اختیار اویم این علی مولی و صاحب اختیار اوست.

۲- بیعت با قلب ها و زبان ها

اقدام دیگر حضرت آن بود که در اواخر سخنانشان فرمودند: ای مردم، چون با یک کف دست و با این وقت کم و با این سیل جمعیت، امکان بیعت برای همه وجود ندارد، پس شما همگی این سخنی را که من می گویم تکرار کنید و بگویند: ما فرمان تو را که از جانب خداوند درباره علی بن ایطالب و امامان از فرزندان او به ما رساندی اطاعت می کنیم و به آن راضی هستیم، و با قلب و جان و زبان و دستمان با تو بر این مدعا بیعت می کنیم. عهد و پیمان در این باره برای ایشان از ما، از قلب ها و جان ها و زبان ها و ضمائر و دستمان گرفته شد. هر کس به دستش توانست و گرنه با زبانش بدان اقرار کرده است.

حضرت در این اقدام عین کلامی را که می بایست مردم تکرار کنند به آنان القا فرمودند



سیره و سخن ائمه اطهار (ع) درباره غدیر

امیر المومنین علی علیه السلام

امام رضا (ع) در روایتی می‌فرماید: «در روزگار امیرمؤمنان علی (ع)، یک‌سال روز جمعه با عید غدیر هم‌زمان گشت. آن حضرت فرمود: «ای مؤمنان! امروز خداوند متعال، دو عید گران‌سنگ و بزرگ را به هم پیوسته است؛ دو عیدی که پایداری و استواری هر کدام از اینها به دیگری است تا پدیده زیبای خویش را پیش شما کامل کند. شما را به راه رشد آگاه سازد و به روشنایی هدایت کند. راه میان‌اش را برای پیمودن شما هموار کند و بخشش گوارایش را برایتان بگستراند. بی تردید، امروز موقعیت عظیمی دارد. در این روز، گشایش رخ داده، نزدیان [تکامل] برافراشته شده و دلیل‌ها آشکار گشته است. امروز، روز ظاهر شدن و پرده برداری از مقام پیراستگی [عصمت و امامت] است. روز کمال یافتن آیین و نمایان ساختن پیمان‌ها از دورویی‌ها و انکارهای آگاهانه است.»

حضرت فاطمه علیها السلام

محمود بن لبید از حضرت زهر (س) پرسید: ای دختر پیامبر خدا (ص)، آیا برای امامت و زعامت علی بن ابی‌طالب (ع) از سخنان پیامبر خدا (ص) دلیلی به یاد داری؟ فاطمه فرمود: شگفتا! آیا حادثه عظیم غدیر خم را فراموش کرده اید؟... خدا را گواه می‌گیرم که خود شنیدم آن بزرگوار می‌فرمود: علی بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می‌دهم، علی امام و خلیفه بعد از من است. دو فرزندم حسن و

فاطمه فرمود: شگفتا! آیا حادثه عظیم غدیر خم را فراموش کرده اید؟... خدا را گواه می‌گیرم که خود شنیدم آن بزرگوار می‌فرمود: علی بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می‌دهم

حسین و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامانی پاک و نیک‌اند. اگر از آنان اطاعت کنید، شما را هدایت خواهند کرد و اگر با آنها مخالفت ورزید، تا روز قیامت تفرقه و اختلاف در میانتان حاکم خواهد بود در جای دیگری نیز می‌فرماید: «خداوند پس از غدیر خم برای کسی حجت و عذری باقی نگذاشت.»

غدیر خم در خطبه امام مجتبی (ع)

حسن بن علی (ع) در برابر طاغوت شام و مردم کوفه خطبه ای خوانده فرمود: این مردم پیامبر خود را دیدند و سخنانش را در «غدیر خم» شنیدند. در آن روز جدم رسول خدا (ص) دست پدرم (ع) را گرفت و در برابر آنان گفت: هر کس من مولا

و سرپرست او هستم علی مولای او خواهد بود؛ خدایا، دوست بدار هر کس او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس او را دشمن دارد... سپس جدم پیامبر (ص) دستور اکید داد که، حاضران مطالب غدیر را به غایبان برسانند.

امام حسین (ع) و حدیث غدیر در منا

یک سال قبل از مرگ معاویه، امام حسین (ع) در اجتماع هفتصد نفر از مردان تابعین و دوست نفر از صحابه پیامبر خدا (ص) در حج فرمود: شما را به خدا سوگند: بیاد نمی‌آورید که پیامبر خدا (ص) روز غدیر خم پدرم علی (ع) را وصی و امام بعد از خود قرار داد و حدیث ولایت را بر شما خواند و فرمود همگی باید این پیام را به دیگران برسانید پاسخ دادند: چرا ما بیاد داریم.

امام زین العابدین (ع)

ابن اسحاق، تاریخ نگار معروف می‌گوید: به علی بن حسین (ع) گفتیم: «من کنت مولا فعلی مولا» یعنی چه؟ حضرت فرمود: پیامبر خدا به مردمان خبر داد که امام بعد از خودش، امیر مؤمنان علی (ع) است.

امام محمدباقر (ع)

حضرت امام باقر (ع) در باره روز غدیر فرمودند: خداوند پیامبرش را مامور به ولایت علی [علیه السلام] کرد و این آیه شریفه را نازل کرد: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة». یا نزول آیه فوق ولایت اولی الامر واجب گردید و لکن عده‌ای نفهمیدند اولی الامر چه کسانی هستند؟ خداوند به محمد (ص) دستور داد تا آن را توضیح دهد و همانند نماز و زکات و روزه و حج مصادیق خارجی آن را روشن سازد. در آن هنگام اضطراب او را فرا گرفت و ترسید عده‌ای به واسطه آن از آیین اسلام برگردند و او را تکذیب کنند او به خدا پناه برد در آن هنگام آیه تبلیغ (یا ایها الرسول بلغ...) نازل گشت پیامبر خدا (ص) امر حق را اجرا نمود و در غدیر خم ایستاد و فرمان اجتماع مردم و زوار بیت الله الحرام را داد و در آنجا علی بن ابی‌طالب (ع) را ولی بعد از خود معرفی کرد و دستور داد آنانی که در آنجا (غدیر خم) بودند پیام خداوند (ولایت علی (ع)) را به دیگر افراد برسانند.

امام صادق (ع)

حسان جمال می‌گوید: همراه امام صادق (ع) از مدینه به مکه مسافرت کردم. در نزدیکی میقات جحفه، چون به مسجد غدیر رسیدیم امام - علیه السلام - به جانب چپ مسجد نگریست و فرمود: این مکانی است که پیامبر خدا (ص)، در روز غدیر، علی را جانشین خود معرفی کرد و فرمود: من کنت مولا فعلی، مولا. آنگاه امام (ع)

به جانب دیگر نگاه کرد، جایگاه خیمه های دیگران را نشان داد و فرمود: سالم غلام ابو خدیفه و ابو عبیده جراح نیز در آنجا بود؛ گروهی از مردم چون علی (ع) را بر روی دست پیامبر دیدند با حسادت به وی نگر بستند.

امام کاظم علیه السلام

در روزهایی که امام کاظم (ع) در زندان بود، روزی هارون، خلیفه عباسی ایشان را احضار کرد و درباره ولایت اهل بیت علیهم السلام بر مردم پرسید. حضرت فرمود: ما می‌گوییم ولایت همه خلایق با ماست. دلیل ما، سخن پیامبر در غدیر خم است که فرمود: «من کنت مولا فعلی مولا»

امام رضا علیه السلام

ابی نصر بزنطی از یاران امام رضا علیه السلام می‌گوید: «خدمت آن حضرت بودم،

رسول مکرم اسلام در غدیر خم علی بن ابی‌طالب (ع) را ولی بعد از خود معرفی کرد و دستور داد آنانی که در آنجا (غدیر خم) بودند پیام خداوند (ولایت علی (ع)) را به دیگر افراد برسانند.

در حالی که مجلس پر از جمعیت بود و با یکدیگر درباره غدیر گفت و گو می‌کردند. برخی از مردم در این واقعه را تردید داشتند. امام فرمود: پدرم از پدرش روایت کرد که: «روز غدیر در میان اهل آسمان مشهورتر است تا میان اهل زمین.»

امام حسن عسکری علیه السلام

حسن بن ظریف می‌گوید: به امام عسکری (ع) نامه نوشتم و پرسیدم معنای سخن پیامبر درباره امیر مؤمنان علی (ع) چیست که فرمود: «من کنت مولا فهذا علی مولا». حضرت فرمود: مقصود حضرت آن بود که او را نشانه ای قرار دهد که هنگام اختلاف، حزب خداوند با آن شناخته شوند.

امام زمان (عج)

در دعای ندبه که منسوب به آن حضرت است چنین آمده: «... فلما انقضت ایامه اقام ولیه علی بن ابی طالب صلواتک علیهما و آلهما هادیا از کان هم المنذر و لكل قوم هاد فقال و الملاء امامه من کنت مولا فهذا علی مولا اللهم وال من والاه و عاد من عاداه...» هنگامی که دوران عمر پیامبر سپری شد، جانشین خود را علی پسر ابوطالب که صلوات خدا بر آن‌ها و خاندان شان باد، را به هدایت امت برگزید، چون او منذر و هدایت گر همه بود. پس پیامبر به مردمی که در مقابلش بودند گفت: هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست، خدایا هر که علی را دوست دارد دوستش بدار و هر که با او دشمن است دشمنش بدار...»

عَبْدُ اللَّهِ الْعَظِيمِ

فضائل قرآنی امیر المومنین (ع) در زیارت غدیریه

حضرت فرمود: «خطاب آیه عام است و مخاطب، همه مردم هستند، ولی «صادقین» خاص هستند و آن مخصوص برادر من حضرت علی (ع) و جانشینان من تا روز قیامت است.» (احقاق الحق، ج ۵، ص ۳۷).

آیه «تطهیر»

قَدْ أُعْلِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ وَرَفَعَ مَنَزَلَتِكُمْ وَأَبَانَ فَضْلَكُمْ وَشَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ «عَنْكُمْ الرَّجْسُ» وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا.

شأن نزول آیه «تطهیر»

امام محمد باقر (ع) فرمود: «این آیه در خانه ام سلمه، همسر رسول خدا (ص)، در شأن آن حضرت و علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم السلام نازل شد. سپس پیامبر (ص)، عبای خبیری را بر اهل بیت پوشاند و خود نیز داخل آن شد و فرمود: خدایا! این ها اهل بیت من هستند که تو درباره آنان به من وعده داده ای. خدایا! هر پلیدی و رجس را از آنها دور کن و از هر عیب کاملاً پاک و تطهیر نما! بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۲۰۶»

حسکانی، از دانشمندان اهل تسنن، درباره تفسیر آیه تطهیر می گوید: «نزلت فی خمسَه: فی رسول الله و علی و فاطمه و الحسن و الحسين.» (شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۱)

آیه «لیله المبیّت»

أَنْتَ لِمَا أَنْتَ تَكُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَمَا وَأَمْرَكَ أَنْ تَصْطَجِعَ فِي مَرَقَدِهِ، وَأَقْبِلْهُ بِنَفْسِكَ، أَسْرَعْتَ إِلَيَّ إِجَابَتَهُ مُطِيعًا وَلِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُؤْتِنًا، فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ وَأَبَانَ عَنِّي جَمِيلَ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلِّ ذِكْرَهُ: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ».

منابع شأن نزول آیه «لیله المبیّت»

بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی نقل کرده اند که این آیه در مورد علی (ع) نازل شده و اشاره دارد به جان فشانی حضرت علی (ع) که در بستر پیامبر خوابید.

ابن ابی الحدید، از دانشمندان اهل تسنن، می گوید: «تمام مفسران روایت کرده اند که آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» در شأن علی در شب خوابیدن او در بستر پیامبر (ص) نازل شده است.» (شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱۳، ص ۲۶۲)

علامه سید هاشم بحرانی در «غایه المرام» در تفسیر این آیه در مورد امیر مؤمنان علی (ع) یازده حدیث از طریق اهل تسنن و یازده حدیث

آیاتی که در مورد حضرت علی (ع) آمده است دو صورت است: الف. آیاتی که شأن نزول آن در مورد حضرت علی (ع) است. ب. آیاتی فضایل حضرت علی (ع) را بیان می کند.

آیه «نبا عظیم»

امام هادی (ع) خطاب به امام امیرالمؤمنین (ع) خطاب می کنند: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (نبا / ۲۱) وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ. سلام بر تو ای خبر بزرگی که آنها در آن اختلاف کردند، و از آن بازخواست می شوند.

منابع شأن نزول آیه «نبا عظیم»

در منابع فریقین نقل شده است که آیه «نبا عظیم» در مورد حضرت علی (ع) نازل شده است، علامه سید هاشم بحرانی در کتاب «غایه المرام» یک حدیث از طریق عامه و هفت حدیث از طریق شیعه در این مورد نقل کرده است (غایه المرام و حجه الخصام، ج ۴، ص ۱۳)

«نبا عظیم» در جنگ أحد

در روز جنگ أحد هنگامی که مردم گریختند، حضرت علی (ع) در جلو شمشیر می زد و جبریل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ پیامبر (ص) بودند، در این هنگام نازل شد که: قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ؛ بگو او «نبا عظیم» است و شما از او دوری می کنید. (منابع ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۸۰)

آیه «صادقین»

وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ وَنَدَبَ إِلَيَّ نَصْرَكَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه / ۱۱۹).

منابع تفسیر آیه «صادقین»

بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی بیان کرده اند که آیه «صادقین» درباره اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. علامه سید هاشم بحرانی در «غایه المرام» این روایات را به هفت طریق از عامه و ده طریق از شیعه نقل کرده است.

انحصار «صادقین» در اهل بیت علیهم السلام

سلمان می گوید: خدمت پیامبر (ص) بودیم که آیه «صادقین» نازل شد، از پیامبر (ص) پرسیدم: آیا صادقین عام است یا افراد خاصی منظور است؟

دست راست خود اشاره کرد، سائل نزدیک آمد و انگشتر را از دست آن حضرت بیرون آورد.

پیامبر در نماز ماجرا را مشاهده کرد بعد نماز رو به آسمان نمود گفت خداوند! از خاندانم علی را وزیر من قرار بده تا به وسیله او پشتیبانی قوی داشته باشم.

ابوذر می گوید: «هنوز دعای پیامبر (ص) پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شده و به پیامبر (ص) عرض کرد:

یخوان. فرمود: چه بخوانم؟ گفت: بخوان: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ الَّذِينَ آمَنُوا.» (تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۱۲، ص ۲۶)

آیه «تبلیغ»

ثُمَّ أَمْرُهُ يَظْهَرُ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ، إِعْلَاءَ لِسَانِكَ، وَإِعْلَانًا لِبُرْهَانِكَ، وَدَحْضًا لِلْكَافِرِينَ، وَقَطْعًا لِلْمَعَادِيرِ، فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ، وَأَتَقَى فَيْكِ الْمُنَافِقِينَ، أَوْحَى اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»

منابع شأن نزول آیه «تبلیغ»

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، از طریق اهل تسنن، یک حدیث، و از طریق شیعه، هشت حدیث در مورد آیه تبلیغ و شأن نزول آن در بیان مقام ولایت و خلافت امیرمؤمنان (ع) نقل کرده است. فخر رازی و ابن عساکر، از علمای اهل تسنن، از ابوسعید خدری نقل می کند که آیه «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» در روز غدیر خم و در شأن حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام نازل شده است (ترجمه امام علی بن ابی طالب علیهما السلام)

از طریق شیعه نقل می کند.

آیه «إطعام»

أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّيِّمِ «عَلَى جِبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ - كُمْ لَوْ جِئَهُ اللَّهُ لَا تَرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا» (انسان، ۸/۹۰).

شأن نزول آیه «إطعام»

پیامبر (ص) هنگامی بیماری امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در سن طفولیت به حضرت علی (ع) فرمود: «نذری کنید، تا خداوند بیمارانتان را شفا دهد!» حضرت علی (ع) حضرت فاطمه (ع) امام حسن و امام حسین (ع) نیز همگی نذر کرد.

در سه روز نذر روزه افطاری خود به مسکین دادند وقتی پیامبر علت رنجوری حضرت فاطمه و حسنین را مطلع شد جبرئیل نازل شد و آیات سوره انسان را آورد.

علامه قاضی نورالله شوشتری روایات بسیاری از منابع اهل تسنن در تفسیر آیه اطعام نقل نموده است. (احقاق الحق، ج ۳، ص ۱۵۷)

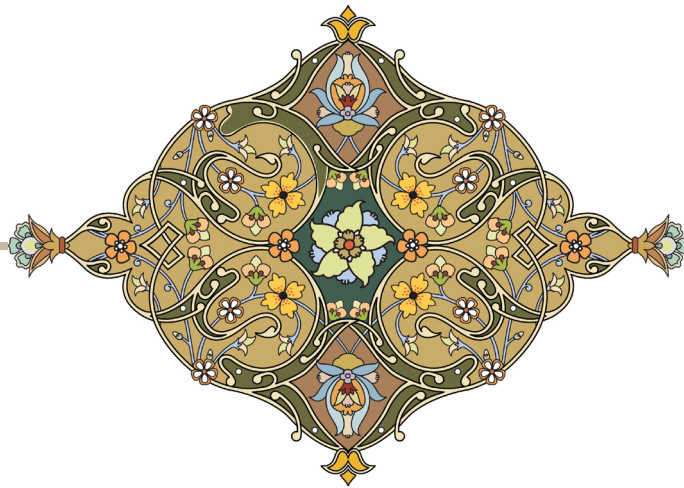
آیه «ولایت»

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ، وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»

شأن نزول آیه «ولایت»

از ابوذر غفاری نقل شده که گفت: «ای مردم! روزی از روزها با رسول خدا در مسجد نماز می خواندم، که سائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد، ولی کسی چیزی به او نداد. او نا امید شد و شکوه کرد علی (ع) که در حال رکوع بود، با انگشت کوچک





رایحه غدیر در شعر فارسی

محمد صحتی سردرودی

اگر حضرت خضر آب حیات نوشید و ماندگار ماند؛ ادبیات و فرهنگ مسلمانان نیز در سایه قرآن مجید و به راهنمایی خدا و رسولش از آب غدیر خم سیراب گشت و جاودانه شد.

همچنان که شعرای بزرگ عرب از حسان بن ثابت و کمیت اسدی و دعبل خزائی گرفته تا سید حیدرجلی و بولس السلامه و دیگران به اصالت این برکه با برکت و به زلالی این چشمه همیشه جوشان شهادت داده‌اند و علامه امینی بسیاری از این سروده‌ها را در اثر سترگ خود «الغدیر» منتشر ساخته است. شاعران پارسی‌گوی نیز با سرودن چکامه‌های فاخر و بلند، و غدیریه‌های غرا و رسا، گوی سبقت از همگنان ربوده‌اند. برای اثبات این سخن کافی است تا گلگشتی در آثار چهار شاعر بزرگ ایران یعنی فردوسی، سعدی، مولوی و حافظ داشته باشیم.

حماسه سرای بزرگ باستان حکیم ابوالقاسم فردوسی (م. ۴۱۱ ق.):

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی
خداوند امر و خداوند نهی
که من شهر علمم، علیم در است
درست این سخن گفت پیغمبر است
اگر چشم داری به دیگر سرای
به نزد نبی و «وصی» گیر جای
منم بنده اهل بیت نبی
ستاینده خاک پای «وصی»

حکیم طوس با تأکید صریح حضرتش را «وصی» می‌نامد که حاکی از اعتقادش به حقانیت غدیر داشت.

جلال الدین محمد مولانا مولوی (م. ۶۷۰ ق.):

تا صورت پیوند جهان بود، علی بود
تا نقش زمین بود و زمان بود، علی بود
شاهی که ولی بود و وصی بود، علی بود
سلطان سخا و کرم و جود، علی بود

ملای رومی مانند یک شاعر شیعی با اوصاف و امتیازهایی چون: «ولی»، «وصی» و «معصوم به نص قرآن» می‌ستاید و در ضمن رباعیات خود می‌گوید:

روزی نشد از سر علی کس آگاه
زیرا که نشد کس آگه از سر الله

یک ممکن و این همه صفات واجب
لا حول و لا قوة إلا بالله

در دفتر ششم مثنوی نیز به تفسیر حدیث «من کنت مولا فاعلی مولا» پرداخته، می‌گوید:

زین سبب پیغمبر با اجتهاد
نام خود و آن علی مولا نهاد
گفت هر کس را منم مولا و دوست
ابن عم من علی مولای اوست

شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی (م. ۶۹۰ ق.):

جوانمرد اگر راست خواهی ولی است
کرم، پیشه شاه مردان علی است

سعدی در این بیت از امیرالمؤمنین، (ع)، با نام «ولی» یاد می‌کند. مرحوم قاضی نورالله شوشتری قصیده‌ای از سعدی نقل می‌کند که می‌گوید:

به آن روزی که وحی آمد نبی را
پس از احمد امام حق علی دان
که بعد از مصطفی در کل عالم
که از پالان اشتر ساخت منبر
نبد فاضل‌تر و بهتر از حیدر
که بود او نفس معصوم مطهر

حافظ شیرازی (م. ۷۹۲ ق.):

علی امام و علی ایمن و علی ایمان
علی ز بعد محمد ز هر که هست به است
که نیست دین هدا را به قول پاک رسول
علی امین و علی سرور و علی سردار
اگر تو مؤمن یاگی بکن بر این اقرار
امام غیر علی بعد احمد مختار

حافظ شیرازی در این اشعار مولا علی (ع) را پس از محمد (ص)، از همه برتر و افضل «می‌داند».

کسایی مروزی، ابوالحسن مجدالدین (م. ۳۴۱ ق.):

ای نواصب گر ندای فضل سر ذوالجلال
قل تعالوا ندع برخوان، ورنه ندانی گوش دار
آن نبی و ز انبیا کس نی به علم او را نظیر

حزین لاهیجی (۱۱۰۳-۱۱۸۱ ق.):

آن طایر قدسم که چکد خون ز صفیرم
مستی مرا نیست مرا به دنباله خماری
با درد و عشق سرشتند خمیرم...
پیمانہ کش میکرده خم غدیرم

وصال شیرازی (۱۱۹۷-۱۲۶۲ ق.):

آن که حاصل گشت از وی ایزد را کمال
چون به نص مصطفی مخصوص شد روز غدیر
وصال شیرازی غدیره‌های بلند و بالایی سروده است که نقل همه آنها
در این مجال نمی‌گنجد.

قائنی شیرازی (۱۲۲۲-۱۲۷۰ ق.):

گفت که فردا مگر نه عید غدیر است
عیدی بادش چو بوی عود معطر
بر شد و گفتا: «الست اولی منکم»
دست علی را پس گرفت و برافراخت
گفت که ای قوم بنگرید تنا تن
هر کس مؤلا منم علیی اش مولاست

ادیب الممالک فراہانی (۱۲۷۷-۱۳۳۶ ق.):

خطاب آمد ز یزدان کای پیمبر!
چراغ کفر را بنمای خاموش
علی را بر خلافت کن معین
سراج عقل را فرمای روشن

ملک الشعرا ی بہار، محمد تقی (۱۲۶۶-۱۳۳۰ ش.):

در غدیر خم یزدان گفت مر پیمبر را
کز پی کمال دین، شو پذیرہ حیدر را
پس پیمبر اندر دشت بر نهاد منبر را
بود بر سر منبر حیدر فلک فرا

شہر یار، سید محمد حسین (۱۲۸۳-۱۳۶۷ ش.):

احتجاج‌های امیر مؤمنان علی، (ع)، را به روایت می‌نشیند و می‌گوید:
نه با آن خطبه «من کنت مولاه»
نه خود فریاد «بِخا بخ» کشیدید؟!
چه شد عهد خدا بر من شکستید
علی را برد بر اعلا و اعلیٰ؟!
من اینها شور خوانم یا که شیون
الا ای حاسدان عهد بشکن...

سید رضا برقی شاعر (معاصر)

طرز نگاه تو به نظر جور دیگر است
خورشید از عنایت این ذره پرور است

تکلیف ما اگر بپذیرید نوکریست
این چادری که خیمه زدی ارت مادر است

ای آیه آیه آیه باران فاطمه
کوثر نشین بیابان فاطمه

علی، ای ساقی کوثر نشینان
ترازوی نشان کفر و ایمان

پیام نور به لبهای پیک وحی خداست
بخوان سرود ولایت، که عید اهل ولاست
بیا شراب طهور از خم غدیر بزن.
خدا گواہست که ساقی این شراب خداست!

آن چراغ عالم آمد و ز همه عالم بدیع
آیت «قرنی» نگه کن و آن «اصحاب الیمین»
لعنت یزدان ببین از «نبتہل» تا «کاذبین»
وین ولی، و ز اولیا کسی نی به فضل او را قرین
وین امام امت آمد و ز همه امت گزین

کسایبی مروز، علی (ع) را با تصریح به آیه مودت قرنی و آیه مباحله
و سوره هل اتی می‌ستاید و آن حضرت را «رکن مسلمانی»، «ولی
بی‌مانند» و «سر ذوالجلال» می‌داند.

دقیقی طوسی، ابومنصور محمد بن احمد (م. ۳۴۱ ق.):

کیوس وار بگیرد همی به چشم آلوس
بسان فرخ شہا امیر روز غدیر

واضح است که مراد از امیر روز غدیر، امیر مؤمنان علی، (ع)، است

منوچہری دامغانی (م. ۴۳۳ ق.):

آہنی در کف، چون مرد غدیر خم
به کتف باز فکندہ سر ہر دو گم

در جایی دیگر می‌گوید:

کس را خدای بی ہنری مرتبت نداد
باشد ہمو بزرگ چنو روز او بزرگ

ببہودہ ہیچ سیل نیاید سوی غدیر
باشد شقی حقیر و چنو روز او حقیر

ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱ ق.):

علی آن یافت ز تشریف کہ در روز غدیر
شد چو خورشید درخشندہ در آفاق شہیر

در تشبہی رابطہ انسان با خرد و دانایی را مانند رابطہ پیامبر اکرم،
(ص)، با امیر المؤمنین، (ع)، در روز غدیر خم می‌داند:

با خرد باش یکدل و ہمبیر
چون نبی با علی بہ روز غدیر

در جای دیگری می‌گوید:

بیاویزد آن کس بہ غدر خدای
چہ گویبی بہ محشر اگر پرسدت

کہ بگریزد از عہد روز غدیر
از آن عہد محکم، شبر یا شبیر

و در چکامہ بلندی گوید:

آگاہ تو نبی کہ پیمبر کہ را سپرد
روز غدیر خم، بہ منبر، ولایتش

عطار نیشابوری، فریدالدین (۵۱۶-۵۸۶ ق.):

قلب قرآن قلب پر قرآن اوست
«وال من والاه» اندر شان اوست

افضل المتکلمین مولانا کاشی، محمد حسن (قرن ۸):

مقصد تنزیل «بلغ»، مرکز اسرار غیب
مقطع «یتلوه شاہد» مطلع «حبل المتین»

مراد از «مقصد تنزیل بلغ» همان آیه شریفہ‌ای است کہ در روز غدیر از
جانب خدا بہ رسولش فرود آمد در جای دیگر گوید:

ای گزیدہ مر خدایت یا امیر المؤمنین
خواندہ نفس مصطفایت یا امیر المؤمنین

صائب تبریزی (۱۰۱۶-۱۰۸۶ ق.):

آخر ز فیض ساقی کوثر، تمام شد
غدیر شد بہ مقیمان این دیار

در قصیدہ دیگر گوید:

چون لباس کعبہ بر اندام بت، زبندہ نیست
جز تو بر شخص دگر نام امیر المؤمنین

روزگار سبزی از کسبای صبح که در کله و سبزی که در کله

قال رسول الله صلى الله عليه وآله

نهضت حسینی از نگاه بزرگان و دانشمندان

امام حسین (ع) سطح بشریت را ارتقاء بخشیده است و خاطره آن شایسته است همیشه بماند و یادآوری شود.

ادوارد گیبون
(مورخ مشهور):



در طی قرون آینده بشریت و در سرزمین های مختلف شرح صحنه حزن آور مرگ حسین (ع) موجب بیداری قلب خونسردترین قارئین خواهد شد.

چارلز دیکنز
(نویسنده پر آوازه انگلیس):



اگر منظور امام حسین جنگ در راه خواسته های دنیائی خود بود، من نمی فهمم چرا خواهران و زنان و اطفالش به همراه او بودند، پس عقل چنین حکم می نماید که او فقط به خاطر اسلام فداکاری خویش را انجام داد.

توماس کارلایل
(زبان شناس و تاریخ نگار معروف):



بهترین درسی که از تراژدی کربلا می گیریم، این است که حسین و یارانش ایمان استوار به خدا داشتند، آنها با عمل خود روشن کردند که تفوق عددی در جائی که حق با باطل روبه رو می شود، اهمیت ندارد و پیروزی حسین با وجود اقلیتی که داشت باعث شگفتی من است.

پروفسور ادوارد براون
(خاورشناس و ایران شناس بریتانیایی):



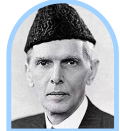
آیا اقلیتی پیدا می شود که وقتی درباره کربلا سخن می شنود، آغشته با حزن و الم نگردد، حتی غیرمسلمانان نیز نمی توانند پاکی روحی را

مهاتما گاندی
(حقوق دان و ملی گرای ضد استعمار انگلیس هند):



من زندگی امام حسین (ع) آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده ام و توجه کافی به صفحات کربلا نموده ام و بر من روشن است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از سرمشق امام حسین (ع) پیروی کند.

محمدعلی جناح
(سیاستمدار معروف پاکستان):



هیچ نمونه ای از شجاعت بهتر از آنکه امام حسین (ع) از لحاظ فداکاری و تهور نشان داد در عالم پیدا نمی شود، به عقیده من تمام مسلمین باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربان کرد، پیروی نمایند.

لیاقت علیخان
(سیاست مدار و اولین نخست وزیر پاکستان):



در این (عاشورا) روز یکی از حزن آورترین و تراژیک ترین وقایع اسلام اتفاق افتاد. شهادت حضرت امام حسین (ع) در عین حزن، نشانه فتح نهایی روح واقعی اسلامی بود، زیرا تسلیم کامل به اراده الهی به شمار می رفت، این درس به ما می آموزد که اشکال و خطرات هر چه باشد نباید از راه حقیقت و عدالت منحرف شود.

پورشو تامداس توندون
(آندیشمند هندو):

شهادت امام حسین (ع) از همان زمان که طفلی بیش نبودم در من تأثیر عمیق و حزن آوری می بخشید. من اهمیت برپا داشتن این خاطره بزرگ تاریخی را می دانم. این فداکاری های عالم از قبیل شهادت

واقف نبوده، جاهلانه سخن می‌گویند و وضع عزاداری پیروان حسین (ع) را مجنونانه می‌پندارند و ابتدا بدین نکته پی نبرده‌اند که این مسئله در اسلام چه تحولاتی را به وجود آورده و با جنبش و نهضت مذهبی که از تعزیه داری در این قوم پیدا شده در هیچ یک از اقوام و ملل دیگر عالم پیدا نشده با یک نظر دقیق در ترقیات دوست ساله پیروان علی (ع) در هندوستان که عزاداری را شعار خود نموده‌اند تصدیق خواهیم کرد که بزرگترین عالم اصلی مزیت را آنها پیروی می‌کنند.



مورس دو کبری نویسنده شهیر فرانسوی:

اگر مورخین ما، حقیقت این روز را می‌دانستند و درک می‌کردند که عاشورا چه روزی است این عزاداری را مجنونانه نمی‌پنداشتند، زیرا پیروان حسین به واسطه عزاداری حسین می‌دانستند که پستی و زبردستی و استعمار و استثمار را نباید قبول کنند، زیرا شعار پیشرو و آقای آنها ندادن تن به زیر بار ظلم و ستم بود.

دکتر ژوزف فرانسوی (مورخ معروف فرانسوی در کتاب اسلام و اسلامیان):

با ترقیات سریع السیری که شیعیان در اندک مدتی کردند می‌توان گفت در دو قرن دیگر عدد آنها بر سایر فرق مسلمانان بیشتر خواهد شد و علت این امر به واسطه سوگواری حسین (ع) است. امروز در هیچ نقطه‌ای از جهان نیست که برای نمونه دو الی سه نفر شیعه یافت شوند و اقامه عزاداری نمایند.

□ در بندر مارسیل، عربی را دیدم که پیرو مذهب تشیع بود و گویا تبعیت بحرین را اختیار نموده بود. در مهمانخانه جنب اتاق من مسکن داشت در روز عاشورای حسین (ع) به تنهایی احوالات حسین را می‌خواند و گریه می‌کرد و سپس مقداری آش که با شکر و برنج تهیه نموده بود بین فقرا تقسیم می‌نمود. □

شیعیان عقیده دارند که در روزهای عاشورا و تاسوعا بایستی فقرا را اطعام نمود از این جهت همه ساله از اموال خود به قدر استطاعت خویش به فقرا کمک می‌نمایند و بعضی اوقات این کمک‌ها از میلیونها دلار هم می‌گذرد. دسته دیگری از شیعیان برای اقامه مجلس سوگواری وقفیاتی نموده‌اند که ارزش آن بالغ بر میلیونها دلار می‌گردد.

منابع - قیام حسین و یارانش، ص ۲ تا ۱۷، به نقل از ریدرز دایجست، چاپ نیویورک.

که این جنگ اسلامی در تحت لوای آن انجام گرفت، انکار کنند.



فردریک جیمسون (نظریه پرداز مارکسیت آمریکایی):

درس امام حسین (ع) و هر قهرمان شهید دیگری این است که در دنیا اصول ابدی عدالت و ترحم و محبت وجود دارد که تغییر ناپذیرند و همچنین می‌رساند که هر گاه کسی برای این صفات ابدی مقاومت کند و بشر در راه آن پافشاری نماید، آن اصول همیشه در دنیا باقی و پایدار خواهد ماند.



ل. م. بوید (اندیشمند غیر مسلمان):

در طی قرون افراد بشر همیشه جرات و پردلی و عظمت روح و بزرگی قلب و شهامت روانی را دوست داشته‌اند و در همین هاست که آزادی و عدالت هرگز به نیروی ظلم و فساد تسلیم نمی‌شود. این بود شهامت و این بود عظمت امام حسین (ع) و من مسرورم که با کسانی که این فداکاری عظیم را از جان و دل ثنا می‌گویند، شرکت کرده‌ام، هر چند که ۱۳۰۰ سال از تاریخ آن گذشته است.



واشنگتن ایروینک (مورخ آمریکایی):

برای امام حسین (ع) ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن اراده یزید نجات بخشد، لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت بخش اسلام اجازه نمی‌داد که او یزید را به عنوان خلافت بشناسد. او به زودی خود را برای قبول هر ناراحتی و فشاری به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی‌امیه آماده ساخت. در زیر آفتاب سوزان سرزمین خشک و در روی ریگ‌های تفتیده عربستان روح حسین فناپذیر است. ای پهلوان و ای نمونه شجاعت و ای شهسوار من، ای حسین.



توماس ماساریک (سیاستمدار، جامعه‌شناس و فیلسوف چک):

بسیاری از مورخین ما از کم و کیفیت این رسم و ازدیاد عزاداری





نگاه جامعه‌شناختی به نهضت حسینی

نیستید، بر می‌گردم... ایشان تصریح کردند به خدا قسم اگر هیچ ماوا و پناهگاهی پیدا نکنم با یزید بیعت نمی‌کنم. در ابتدای قیام فرموده اند کسی که سلطان جائری را ببیند که به بندگان خدا با گناه و ظلم حکومت می‌کند و حرام خدا را حلال می‌کند، لازم است علیه او قیام کند.

امر به معروف و نهی از منکر از اصول مترقی اسلام است که امروزه در جایگاه احزاب و مطبوعات و روشنفکران نمود و بروز یافته است.

لذا مقابله با ظلم و ستم یزید و در نتیجه آن تشکیل حکومت عدل از اهداف امام بود.

۳- اصلاحات و امر به معروف و نهی از منکر
امام حسین هنگام قیام هدف خویش را اصلاحات شمرده فرمودند: «همانا من برای تجاوز و طغیان و خودداری از قبول حق و ایجاد ستم

بنابر کلام خود امام و آثار و تبعات این نهضت، در این مسئله شکی نیست که علت اصلی واقعه عاشورا، اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر است.

خروج نکردم، بلکه برای اصلاح امت جدم محمد (ص) می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و سیره و روش جدم پیامبر و پدرم علی (ع) را اجرا کنم».

امر به معروف و نهی از منکر از اصول مترقی اسلام است که امروزه در جایگاه احزاب و مطبوعات و روشنفکران نمود و بروز یافته است. این هنجار فراموش شده، امری انتزاعی و شعاری نیست. معروف و منکر نیز تنها امور عبادی و مذهبی نیست. معروف در هر جامعه‌ای حق و عدالت و آزادی و عقیده؛ و منکر، ظلم و تزویر و انحراف دین است و امر به معروف و نهی از منکر از این حیث، راهکاری برای اصلاحات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، مشارکت مردم در جامعه اسلامی، بهبود وضعیت رابطه اجتماعی میان مردم و دولت - مردم، برقراری صلح و عدالت و آزادی در جامعه است.

بنابر کلام خود امام و آثار و تبعات این نهضت، در این مسئله شکی نیست که علت اصلی واقعه عاشورا، اصلاح و امر به معروف و نهی

نهضت حسینی، نهضتی ماندگار از حیث اجتماعی است که هدف مقابله با ظلم و تشکیل حکومت عدل داشت و در غایت در پی اصلاح و تغییر بود.

در بررسی قیام حسینی از جنبه اجتماعی علل ذیل چشمگیر ترند.

۱- انحراف جامعه اسلام

بعد از پیامبر انحراف خلافت، جامعه اسلامی را از مسیر مستقیم و ایده آل دور کرد. در این میان اولاً حضور امیرالمومنین و اقدامات و سخنرانی‌ها و مبارزات سیاسی او و ثانیاً حکومت ۵ ساله آن حضرت، مسیر اساسی و صراط جاودان اسلامی را به مسلمانان سراسر تاریخ نشان داد. اما بعد از آن حضرت، معاویه و آثار و اعمالش به دین ضربه

معاویه و آثار و اعمالش به دین ضربه بسیار زد تا جایی که احکام و مناسک دینی به آشکاری زیر پا نهاده شد، از نقل احادیث جلوگیری و روایات جعلی فراوان شد و از دین جز ظاهر چیزی باقی نماند.

بسیار زد تا جایی که احکام و مناسک دینی به آشکاری زیر پا نهاده شده، از نقل احادیث جلوگیری شده و روایات جعلی فراوان شد. و از دین جز ظاهر چیزی باقی نماند. امام حسن و امام حسین به عنوان رهبران دینی، در مقابل معاویه بارها موضع‌گیری کردند و به مقابله ایستادند. لیکن خلافت یزید، انحرافی جبران ناپذیر بود. یزید بن معاویه اگر بدون مخالف و هر گونه درگیری، حکومت را به دست می‌گرفت، بی شک امروز هیچ چیز از اسلام باقی نمی‌ماند. قیام حسین بن علی (ع) برای مقابله با این انحراف بزرگ در جامعه اسلامی به روشنی تبیین پذیر است.

مقابله با ظلم و ستم یزید و در نتیجه آن تشکیل حکومت عدل از اهداف امام بود.

۲- تشکیل حکومت و مقابله با حاکم ظالم

بی شک یکی از اهداف سیاسی و اجتماعی نهضت امام حسین، مبارزه و مقابله با حاکم ظالم و به تبع آن تشکیل حکومتی صالحانه و عادلانه بود از همین رو بود که وقتی لشکر کوفه راه را به امام و یارانش بست، آن حضرت فرمود: من به دعوت شما آمدم اما اگر به عهدتان پایبند

نالایق و انبیا کذاب نوظهور، منع احادیث واقعی و کتابت احادیث جعلی و کم و زیاد کردن مناسک و احکام و اوامر و نواهی دینی، اسلام نوپا به مشکلات هویتی و ساختاری فراوانی روبرو بود. نهضت

بسیاری از نهضت ها و جنبش ها و قیام ها یا به تبع این نهضت (چون قیام مختار) یا برگرفته و الگو پذیرنده از آن بوده اند.

حسینی نه فقط در میان شیعیان که در میان فرقه های مختلف به احیای دین کمک فراوانی کرد. از دیگر سو به نهادی شدن دین در میان اجتماع شیعیان منجر شد و الگوها و قواعد مورد نظر اسلام را با همین نهضت در میان شیعیان زنده کرد و به طور کلی، نهاد دین را از آن روز تا امروز نیرومند و مستحکم ساخته است.

۴- الگوی دیگر نهضت ها

عصر اختیار و نه اجبار در بیعت، عدم پذیرش ذلت، اهمیت نماز و احکام دینی حتی در گیرودار جنگ؛ اصل تسامح و بخشش خصوصا در مورد حر بن یزید ریاحی و... تنها گوشه ای از الگوهای نهضت حسینی است که هر یک می تواند به عنوان یک هدف و کارکرد اجتماعی این قیام مورد بحث و نظر قرار گیرد.

یکی از کارکردهای اجتماعی نهضت حسینی، الگو بودن برای شیعیان و انسانیت است. بسیاری از نهضت ها و جنبش ها و قیام ها یا به تبع این نهضت (چون قیام مختار) یا برگرفته و الگو پذیرنده از آن بوده اند. این قیام، راه شهادت و ایثار و قیام و مبارزه برای عقیده را تا نهایت برای انسان باز گذاشته است و از نگاه دیگر، خطاها و الگوهای مهمی را نیز به دیگر نهضت ها و اصلاح گران فریاد داده است. عنصر اختیار و

شیعیان فرهنگ عمومی اسلامی را دارای ارزشها، هنجارها، عقاید و شیوه های خاصی کرده که همگی ناشی از نهضت حسینی است.

نه اجبار در بیعت، عدم پذیرش ذلت، اهمیت نماز و احکام دینی حتی در گیرودار جنگ؛ اصل تسامح و بخشش خصوصا در مورد حر بن یزید ریاحی و... تنها گوشه ای از الگوهای نهضت حسینی است که هر یک می تواند به عنوان یک هدف و کارکرد اجتماعی این قیام مورد بحث و نظر قرار گیرد.

۵- ایجاد خرده فرهنگ عزاداری

شیعیان فرهنگ عمومی اسلامی را دارای ارزشها، هنجارها، عقاید و شیوه های خاصی کرده که همگی ناشی از نهضت حسینی است. احترام وافر به شخصیت امام حسین (ع) از سوی عامه مردم، و اهمیت شخصیت هایی چون ابوالفضل العباس، ۱۴۰۰ سال عزاداری، دهه اول محرم، اربعین، زیارت نامه ها در مکان ها و زمان های مختلف، ساخت حسینیه ها، تکیه ها، شیوه های مختلف عزاداری، سینه زنی، دسته های عزاداری، تعزیه خوانی، کتیبه و کتاب و داستان و نقاشی و فیلمنامه و فیلم و نوارها و سی دی های مداحی و عزاداری مختلف و به روز و پویا و حتی امروزه سایت و وبلاگ و... همگی خرده فرهنگ عزاداری و یادبود نهضت حسینی هستند که در جامعه اسلامی نهادینه شده است

همبستگی اجتماعی از جنس انسجام مکانیکی از تبعات بارز نهضت حسینی است که آثار فراوانی در زندگی شیعیان در طول تاریخ چه همان زمان و چه امروز و در کشورهای مختلف از جمله ایران، عراق، لبنان، پاکستان، ترکیه و... داشته است.

از منکر است. دورویی ها، خیانت ها، چاپلوسی و دورغ، وارونه جلوه دادن دین، حکام فاسق و نالایق، نخبگان ساکت و خموش و منحرف و رواج ظلم و فساد و... آن قدر در جامعه اسلامی بروز و ظهور یافته بود که نیاز بود یک نخبه و چه بهتر که از خاندان نبی اکرم باشد، ایثار کند و با قیام خود و به تبع آن روشنگری های اسرا و وظیفه اصلاحی خود را انجام دهد.

یکی از کارکردهای اجتماعی مهم قیام اباعبدالله در نهضت جاودانش، شکل تازه دادن به مقابله با ظلم و ظالم و ارزشمند کردن آن است.

کارکردهای اجتماعی

نهضت حسینی کارکردهای مختلفی داشت که تا امروز نیز باقی است از جمله این کارکردهای اجتماعی عبارتند:

۱- حس همبستگی

روز عاشورا و قیام حسینی در کربلا از کودکی برای شیعیان امری درونی شده و مقدس و مهم است و این مسئله به همبستگی اجتماعی میان شیعیان کمک وافر کرده است. اکثر قاطع شیعیان با هر زبان در هر زمان و با هر ملیت، زبان و خرده فرهنگی عاشورا و حسین (ع) را

نهضت حسینی نه فقط در میان شیعیان که در میان فرقه های مختلف به احیای دین کمک فراوانی کرد.

مقدس و مهم می شمارند و عزاداری ها و حسینیه و تکیه ها و نوارها و وعظ و خطابه ها و مداحی ها و... همگی به بخشی از مذهب شیعیان مبدل شده است. لذا همبستگی اجتماعی از جنس انسجام مکانیکی از تبعات بارز نهضت حسینی است که آثار فراوانی در زندگی شیعیان در طول تاریخ چه همان زمان و چه امروز و در کشورهای مختلف چه ایران، عراق، لبنان، پاکستان، ترکیه و... داشته است.

۲- مقابله با ظلم به عنوان یک ارزش

یکی از کارکردهای اجتماعی مهم قیام اباعبدالله در نهضت جاودانش، شکل تازه دادن به مقابله با ظلم و ظالم و ارزشمند کردن آن است. آن حضرت در مظلومیتی بسیار درام و تکان دهنده با خانواده خود و حتی فرزندان خردسال خویش، مبارزه با ظلم و فساد را به عنوان اصلی اساسی پیش روی قرار داد. اولین فساد و انحراف یزید را جور و ستم او عنوان کرد و مقابله با سلطان جائر را وظیفه هر انسانی برشمرد؛ آشکارا ندای هیئات منالذله سرداد و به مقابله با ظلم پرداخت.

تبدیل مسئله مقابله با ظلم و ظالم به عنوان یک ارزش، که از کارکردهای قیام حسینی است، دارای اهمیت فراوانی می باشد.

۳- احیای نهاد دین

نهضت حسینی در گام اول، به نهادینه شدن دین اسلام کمک فراوانی کرد چرا که با وجود انحرافات و کاستی ها، فساد و تبعیض و حکام



آسیب‌ها و تحریفات در نهضت حسینی (ع)

از منظر رهبر حکیم و فرزانه انقلاب و دانشمند شهید مطهری

و اجتماعی به نهضت حسینی، اولاً: تفسیری لاهوتی و تقلیل‌گرایانه از آن به دست می‌دهند که قابل استناد و اقتداء و الگوبرداری برای هیچ کس نیست! ثانیاً به جای آنکه با برجسته کردن عنصر امر به معروف و نهی از منکر، گناهزدایی کند و آن را زمینه‌ای برای گنهکارسازی در آورد که هر گناهی را توجیه می‌کند. (ن.ک. مطهری، همان، ص ۹۰) نهضت حسینی، پدیده‌ای چند بعدی و چند ماهیتی

نهضت حسینی، پدیده‌ای چند بعدی و چند ماهیتی است. امام خمینی تک‌بعدی‌نگری را یکی از عوامل اصلی تحریف و انحراف می‌داند.

است. امام خمینی تک‌بعدی‌نگری را یکی از عوامل اصلی تحریف و انحراف می‌داند. (ن.ک. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۲۹) شاید یکی از جدی‌ترین عوامل در این زمینه اکتفا به برخورد احساسی - عاطفی صرف و دوری گزیدن از برخورد عقلانی با مقوله نهضت حسینی باشد. این مسئله، سبب بروز تحریف وسیع لفظی و معنوی است که اندیشه اصیل عاشورایی و حسینی را به پژمردگی می‌کشاند. (ن.ک. رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج ۲، ص ۷-۸؛ مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، صص ۴۱ و ۴۶ و ۲۸۶)

دو صفحه حادثه عاشورا یک صفحه سفید و نورانی و یک صفحه تاریک، سیاه و ظلمانی. وقتی صفحه تاریک مطالعه شود فقط ظلم است، جنایت است و رثاء بشریت، که هیچ چیز غیر از گریه، زاری و مرثیه رانمی‌طلبد. در این نگاه قهرمان حادثه یزید بن معاویه، عبیدالله بن زیاد، عمر سعد، شمر و امثال اینهاست.

اما اگر صفحه سفید مطالعه شود قهرمان این صفحه نورانی حسین (ع) است و اهل بیت و اصحاب او. حادثه کربلا در این صفحه دیگر جنایت و تراژدی نیست، بلکه حماسه

بیشتری دارد، تحریف معنوی است. در واقع آنچه سبب می‌شود که این حادثه عظیم از اثر و خاصیت بیفتد، تحریف معنوی است، گرچه نباید از تحریف لفظی نیز غفلت نمود. (مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۹۰) از جمله تحریفات معنوی در نهضت حسینی عدم تبیین صحیح فلسفه آن و به بیان دیگر تبیین غلط فلسفه نهضت حسینی است که از رهگذر آن آسیب‌های متعددی به ساحت فرهنگ عاشورا و نهضت حسینی وارد می‌شود. این تحریف معنوی زمینه‌ساز بسیاری از تحریف‌های لفظی نیز قرار گرفته است. بر این اساس فلسفه تراشی‌های بی‌بنیاد و بی‌مبنا پیرامون نهضت حسینی رهاورد عدم تبیین صحیح فلسفه نهضت حسینی است. (مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، صص ۷۶-۷۷)

رهبر معظم انقلاب در حدیث ولایت، ج ۲ می‌فرماید از جمله فلسفه تراشی‌های غلط در این زمینه، فلسفه‌ای است که برخی از غلات و غلو پیشگان ساخته و پرداخته‌اند.

این گروه با نسبت دادن نگرش‌های لاهوتی نسبت به نهضت حسینی، تفسیری فرا انسانی

تحریف دیگر، امر خصوصی تلقی کردن نهضت حسینی است! به این بیان که امام حسین (ع) بر اساس یک دستور خصوصی و امر الهی که مختص به او بود، قیام کرد!

و غیر واقع‌گرایانه از این نهضت ارائه داده و آن را از فلسفه وجودی و ظرفیت بهره‌وری و الگوبرداری تهی می‌کنند

تحریف دیگر، امر خصوصی تلقی کردن نهضت حسینی است! به این بیان که امام حسین (ع) بر اساس یک دستور خصوصی و امر الهی که مختص به او بود، قیام کرد! (مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۱۰۹). این دو دیدگاه با نفی رویکردهای سیاسی

به همان مقدار که تفسیر صحیح از نهضت حسینی سازنده، حیات‌بخش و حرکت‌آفرین است، تحریف‌ها، انحرافات و خرافات، برداشت‌های نادرست و منحرف کردن آن از مسیر واقعی می‌تواند آسیب‌زا باشد. از سوی دیگر، وجود برخی تحریف‌ها، انحرافات و خرافات در تاریخ و فرهنگ نهضت حسینی امری مسلم است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۶۸/۵/۱).

وقوع این تحریفات پیرامون این پدیده مقدس، آنگاه غم‌افزاست که بدانیم اصل قیام و نهضت حسینی برای جلوگیری از یک تحریف معنوی بزرگ و زدودن تحریفات به‌وجود آمده در مکتب اسلام است، یعنی پدیده‌ای

تحریفات پیرامون نهضت حسینی دو قسم است: تحریف معنوی و تحریف لفظی.

که فلسفه وجودی‌اش تحریف‌زدایی از اسلام بوده، اینک خود گرفتار تحریفات عدیده‌ای شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۷۵/۹/۲۴)

تحریفات پیرامون نهضت حسینی دو قسم است: تحریف معنوی و تحریف لفظی. تحریف لفظی آن است که ظاهر یک چیز یا لفظ آن را عوض کنند و تحریف معنوی یعنی «منحرف کردن روح و معنی یک جمله یا یک حادثه». در نهضت حسینی، این هر دو تحریف واقع شده است، اما آنچه آسیب

آنچه آسیب بیشتری دارد، تحریف معنوی است. در واقع آنچه سبب می‌شود که این حادثه عظیم از اثر و خاصیت بیفتد، تحریف معنوی است، گرچه نباید از تحریف لفظی نیز غفلت نمود.

و براندازانه با آن پرداخت. (ن.ک. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۰۸؛ رهبر معظم انقلاب، ۱۳/۵/۷۳) یا امروزه شاهدیم که دشمن در تلاش است با جدایی افکندن میان هیئت‌های مذهبی و اندیشه سیاسی اسلام، تفکر سکولاریزم را در میان برخی از آنان گسترش داده و از این طریق، اولاً به اختلاف‌افکنی میان خیل مذهبیان می‌پردازد و ثانیاً فلسفه وجودی عزاداری حسینی را به چالش و انحراف می‌کشد. (ن.ک. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۵۴؛ رهبر معظم انقلاب، ۱۳/۵/۷۳).

برخی روشنفکران‌ها نیز در اوایل انقلاب تلاش می‌کردند مسئله عزاداری حسینی را به انزوا بکشاند و با تعبیراتی جذاب همچون ضرورت تفکیک مسائل عاطفی و احساسی از جمله مسائل مربوط به عاشورا و روضه‌خوانی‌ها و گریه، از مسائل ایمانی و اعتقادی این مسئله را مطرح می‌کردند. اما امام خمینی با ظرافت، آن تصور غلط روشنفکران‌ها را قبل از پیروزی انقلاب را که در برهه‌ای از زمان رایج بود، از بین بردند. ایشان جهت‌گیری سیاسی مترقی انقلابی را با جهت‌گیری عاطفی در قضیه عاشورا پیوند و گره زدند و روضه‌خوانی و ذکر مصیبت را احیا کردند و فهماندند که این، یک کار زائد و تجملاتی و قدیمی و منسوخ در جامعه ما نیست؛ بلکه لازم است و یاد امام حسین (ع) و ذکر مصیبت و بیان فضایل آن بزرگوار، چه به صورت روضه‌خوانی و چه به شکل

«امروز حسین بن علی می‌تواند دنیا را نجات دهد؛ به شرط آنکه با تحریف، چهره او را مغشوش نکنند. نگذارید مفاهیم و کارهای تحریف‌آمیز و غلط، چشم‌ها و دل‌ها را از چهره مبارک و منور سیدالشهدا (ع) منحرف کند؛ با تحریف مقابله کنید»

مراسم عزاداری گوناگون، باید به شکل رایج و معمول و گریه‌آور و عاطفه‌برانگیز و تکان‌دهنده دل‌ها در بین مردم ما باشد و از آنچه که هست، قویتر هم بشود. (رهبر معظم انقلاب، ۶۸/۵/۱)

لذاست همیشه باید این سخن حکیمانه آویزه گوشمان باشد که «امروز حسین بن علی می‌تواند دنیا را نجات دهد؛ به شرط آنکه با تحریف، چهره او را مغشوش نکنند.

نگذارید مفاهیم و کارهای تحریف‌آمیز و غلط، چشم‌ها و دل‌ها را از چهره مبارک و منور سیدالشهدا (ع) منحرف کند؛ با تحریف مقابله کنید». (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۳)

مسائل سیاسی در مراسمات عزاداری با روح قیام حسینی منافی تلقی گردیده و به اصطلاح هیئات مذهبی، سکولار خواهند شد. (ن.ک. آیت‌الله خامنه‌ای، ۹۲/۸/۲۰)

همچنین در بستر همین تحریفات است که هیئات مذهبی و مجالس عزاداری به جای آنکه به کار ویژه خود، یعنی انسان‌سازی و پرورش انسان‌های با تقوا بپردازد، نسخه‌های جواز گناه و مجوزهای ارتکاب جرائم، به بهانه بخشوده بودن این اعمال در دستگاه امام حسین (ع) صادر خواهد نمود! (مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۹۰).

تلاش دشمنان برای به انحراف کشیدن عزاداریها

عزاداری حسینی دارای ظرفیتی است که همیشه دشمنان را به وحشت می‌اندازد و تلاش‌های مفضحانه رژیم طاغوتی در تعطیلی مجالس عزاداری نیز از همین امر نشأت می‌گرفته است. با توجه به اهمیت و تاثیر بنیادین عزاداری حسینی، دشمنان انقلاب اسلامی و مکتب تشیع، همیشه در تلاش بوده‌اند تا عزاداری را تعطیل و یا

گام دیگر دشمن در مبارزه با مجالس عزای حسینی، آلوده کردن این مراسمات با خرافات و بدعت‌هاست؛ بدعت‌هایی از قبیل قمه‌زنی، قفل‌زنی، سینه‌خیز رفتن در حرم‌ها و...

حداقل فرهنگ عزاداری را به انحراف بکشند (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۲۲-۳۲۳؛ رهبر معظم انقلاب، ۱۳/۵/۷۳) از آنجا که دهه محرم و مراسمات عاشورا باعث از بین بردن تمامی آلودگی‌هایی است که در طی سال، توسط جبهه شیطان و دشمنان اسلام ایجاد می‌شود، راه افتادن موب‌های حسینی مانند بارانی است که پلیدی‌ها و کثافات القا شده را شسته و به پاکی بدل می‌کند. (۱۳/۵/۷۳) گام دیگر دشمن در مبارزه با مجالس عزای حسینی، آلوده کردن این مراسمات با خرافات و بدعت‌هاست؛ بدعت‌هایی از قبیل قمه زنی، قفل زنی، سینه خیز رفتن در حرم‌ها و... (ن.ک. رهبر معظم انقلاب، ۱۳/۵/۷۳). گاه نیز دشمن، تلاش مذبح‌خانه‌ای می‌کند تا با سوءاستفاده از ظرفیت مجالس حسینی، به اهداف خود دست پیدا کند. برای نمونه در دوران طاغوت، رضاخان بر اساس برنامه‌ای که از سوی بیگانگان برای او طراحی شده بود، ابتدا به مقدسات اظهار علاقه می‌کرد و مجالس عزاداری به راه می‌انداخت و خود در آنها شرکت می‌کرد، اما آنگاه که دید از این طریق طرفی نمی‌بندد، به مقابله بنیادی

است، افتخار و نورانیت است، تجلی حقیقت، انسانیت و حق پرستی است. البته هر دو صفحه این واقعه یا بی‌ظنیر است یا کم‌ظنیر و باید به هر دو آنها پرداخت و آن را مورد تجزیه و تحلیل عبرت آموز قرارداد، اما متأسفانه صفحه سفید و نورانی این واقعه کمتر مورد توجه و مطالعه است، در حالی که جنبه حماسی این

آسیب غفلت از صفحه نورانی این حادثه و عدم استفاده صحیح از صفحه تاریک تحریف واقعه است. به بیان دیگر، اگر ما صفحه نورانی تاریخ حسینی را خواندیم آن وقت از جنبه رثائی‌اش می‌توانیم استفاده کنیم و گرنه بیهوده است

داستان صد برابر بر جنبه جنایی آن می‌چربد و نورانیت این حادثه بر تاریکی آن غلبه دارد (مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۳۱؛ همچنین: ن.ک. آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۱/۳/۱).

آسیب غفلت از صفحه نورانی این حادثه، عدم استفاده صحیح از صفحه تاریک آن و در نتیجه تحریف واقعه است. به بیان دیگر، اگر ما صفحه نورانی تاریخ حسینی را خواندیم آن وقت از جنبه رثائی‌اش می‌توانیم استفاده کنیم و گرنه بیهوده است (مطهری، همان).

تعدد و چندگانگی علل وقوع نهضت حسینی و عدم تفکیک این علل از یکدیگر و گاهی خلط آنها با یکدیگر و در نهایت به نتیجه غلط رسیدن، یکی دیگر از زمینه‌های تفسیرهای متضاد و تحریف واقعه به شمار می‌رود. (ن.ک. مطهری، حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۳)

همچنین تحریفات لفظی متعددی پیرامون نهضت حسینی وجود دارد از جمله: داستان لیلی و علی اکبر، داستان عروسی قاسم، داستان آب آوردن حضرت ابوالفضل در کودکی برای امام حسین، آمدن زینب در حین احتضار به بالین ابا عبدالله (ع)، عدد مقتولین، هاشم بن عتب بنی‌زه هجده ذریعی، ۷۲ ساعت بودن روز عاشورا، خروج امام حسین با زئی شاهان از مکه، بی‌خبر بودن امام سجاد (ع) از وقایع، افسانه اسب آوردن زینب برای ابا عبدالله، بیهوش شدن امامسجاد (ع) و امام صادق (ع). (مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۶۰۶) و ... که به حوزه عزاداری و فلسفه آن نیز کشیده شده و این حوزه را نیز درگیر تحریف و انحراف کرده است.

آنگاه که تفسیری فرانسوی و لاهوتی از نهضت حسینی ارائه دهیم یا آن را بر اساس یک دستور خصوصی تحلیل کنیم و ظرفیتهای سیاسی و اجتماعی آن را ناپدید نماییم، روح حاکم بر عزاداری‌ها نیز روحی سیاست‌ستیز خواهد داشت و پرداختن به

عناصر نهضت حسینی

"نصرالله شفیعی"

دیگر می‌توان اصل قیام امام حسین را حماسه بزرگ دانست برای چگونه آزاد زیستن و چگونه مردن.

۴. عرفان، نهضت امام حسین یک قیام معنوی و عرفانی بود زیرا با ذکر و یاد خدا آمیخته بود و مهمترین عامل محرکه این قیام اعتقاد به خدا و داشتن ایمان خالص بود، عرفان به معنای شور و اشراقی درونی که نتیجه شناخت و اعتقادی عقلانی است و فرد را عاشق محبوب می‌کند، در شب عاشورا یاران امام حسین (ع) تا صبح نخوابیدند و هر کس به فراخور به ذکر مشغول بود، یکی قرآن می‌خواند، یکی نماز و دیگری با خدای خود هر آنچه می‌خواست به راز و نیاز می‌نشست.

در روز عاشورا امام حسین به گونه‌ای نماز را در اولویت قرار داد که گویا هیچ چیز برای ایشان با اهمیت تر از نماز وجود ندارد.

۵. مظلومیت، عنصر مظلومیت در قیام امام حسین نقطه اوج این قیام الهی است و نحوه رویارویی یاران امام حسین با سپاه یزیدیان، تعداد اندک این سپاه در مقابل انبوهی جمعیت سپاه دشمن، همگی نشان از مظلومیت این جمع قلیل بود.

رفتار ددمشانه‌ای که آن سپاه بی رحم در برابر امام حسین و یارانش به خرج دادند در تاریخ سابقه ندارد، قطعه قطعه کردن بدن‌های شهیدان قیام عاشورا در زیر سم اسبان از صحنه‌های تلخ و غیر قابل تحمل تاریخ است، رفتار ناجوانمردانه‌ای که از طرف سپاه یزید با اسرای اهل بیت صورت گرفت روی تاریخ را سپاه کرده‌است.

این بازخوانی از این نظر اهمیت دارد که می‌توان به ارزیابی درست نشست که تا چه اندازه رهروان امام حسین توانسته‌اند این عناصر را در وجود خود بازخوانی و بازیابی کنند.

نهضت امام حسین (ع) قیامی منحصر به فرد در طول تاریخ است، هیچ قیامی به اندازه نهضت امام حسین دارای قدرت فراگیری و تأثیر گذاری و توان ماندگاری نداشته است این قیام تلخ ترین حادثه تاریخ بوده ولی شیرین ترین نتایج را برای بشریت به ارمغان آورده‌است.

مهم ترین عناصر شکل دهنده این قیام عبارتند از:

۱. اخلاص، همه قیام عاشورا نشان می‌دهد که انگیزه تمام عوامل دخیل در این قیام چیزی جز اخلاص و داشتن انگیزه الهی نبوده‌است.

در لابلای تمام اوراق این قیام بزرگ و در تار و پود آن هیچ انگیزه‌ای جز رضایت الهی وجود نداشته است و هیچ کس نمی‌تواند در این قیام داعیه‌ای غیر از داعیه خدایی برای امام حسین (ع) و ۷۲ تن از یارانش اثبات کند.

۲. ایثار، هر قیام آزادیبخشی به طور معمول با ایثار همراه است و رهبران آنها زمانی می‌توانند مبارزه خود را به پیروزی برسانند که از جان و مال خود سرمایه گذاری کنند و از این لحاظ قیام امام حسین (ع) بی نظیر است و هیچ قیامی را در جهان نمی‌توان مشاهده کرد که قیام کنندگان و همه عناصر آن در راه هدف از تمامی هستی خود (جان) بگذرند.

۳. حماسه، قیام عاشورا یک قیام حماسی بزرگ و بی نظیر بود و قیام کنندگان در عالی ترین مرتبه شجاعت و رشادت قرار داشتند، آنها با تعداد اندکشان در برابر سپاهی انبوه، بزرگترین حماسه تاریخ را رقم زدند.

"هیاهات منا الذله" شعار بزرگ آن آزادمردان بود و و این جمله امام حسین که فرمودند: «من مرگ سرخ را بر زندگی توام با ذلت ترجیح می‌دهم» آئینه‌ای است از عنصر حماسه در این قیام بزرگ و به تعبیر



بِأَعْيُنِنَا

تحریف شخصیت امام سجاد (ع) در نهضت حسینی علامه محمد تقی جعفری

امام سجاد (ع) در کوفه

شما در ماجرای کوفه می شنوید که زینب کبری (س) خیلی مردانه سخن گفت، وارد معرکه شد و تاریخ اسلام را تکان داد و منقلب کرد، اما از امام سجاد تنها جسته و گریخته کلمات کوتاهی میشنوید. حتی در مجلس ابن زیاد امام سجاد (ع) خیلی کوتاه صحبت کرده و تعبیرات تقریباً تعبیرات آرامی است. چرا؟ برای اینکه ابن زیاد مغرور، این فاتح خون آشامی که تا روز قبل سربازانش در میدان کارزار کربلا با حسین بن علی جنگیده اند، اگر امروز امام سجاد را به عنوان یک مرد پیکارگر و رزمجو و با استقامت در برابر خود ببیند، او را به قتل خواهد رسانید. کما اینکه با کوچکترین حرکت که در امام سجاد دید، ابن زیاد فرمان قتل او را داد؛ یعنی وقتی رو کرد به علی بن الحسین و پرسید که اسم تو چیست و حضرت فرمود علی بن الحسین هستم. خواست اهانتی بکند، گفت: مگر علی بن الحسین را خدا در کربلا نکشت؟ حضرت فرمود: آن برادر بزرگم بود که مردم او را کشتند. گفت: نه، خدا او را کشت. امام سجاد فرمود: *اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْإِنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا* اما اگر نظرت این است که خدا خواست او کشته بشود این گونه نیست، او در راه خدا جان داد. امام این را که گفت، ابن زیاد حساس شد فریاد کشید که جلاد بیاید و علی بن الحسین را گردن بزند. اینجا بود که زینب کبری جلو رفت و خود را به گردن برادرزاده اش آویخت و با اصرار فراوان رو کرد به ابن زیاد و گفت: اگر میخواهی او را بکشی مرا نیز بکش (یا اول باید مرا بکشی)، نمیگذارم برادرزاده ام را بکشی. مسئله این گونه است. آنچنان خون می جوشد که اگر امام سجاد بخواهد با یک حرکت و سخن تند در برابر مأموران این دستگاه قرار بگیرد ممکن است جان حضرت به خطر بیفتد. اما امام سجاد صبر کرد تا وقتی که وارد شام شدند.

یکی از تحریف ها و انحرافاتى که در نهضت حسین بن علی (ع) در جامعه شیعه پیدا شد نوع برداشتی است که از امام سجاد (ع) وجود دارد. یعنی چون جامعه ی شیعه کم کم ماجرای کربلا و قهرمانان و بازماندگان این حادثه و فاجعه را به صورت قهرمانان مظلومیت، ضعف، تأثر، تحسر، گریه، رقت، احساس و عاطفه در پیش چشم خود مجسم کرد، طبعاً امام سجاد هم که یکی از افراد همین قافله است به صورت فردی بیمار، ناتوان، گوشه گیر و منزوی که فقط در کنار ستونهای مسجد میایستد و زار زار گریه دعا و مناجات میکند و فردی که چهل سال در مصیبت پدرش دائماً گریسته جلوه کرده است. مسئله مظلومیت، رقت و احساس و عاطفه یکی از مایه های این داستان و نهضت است و نه همه مایه های آن. یکی از فرازها و موج های آن است و نه همه آن. در زندگی امام سجاد هم تأسف و تأثر و رقت، و از طرفی دعا و مناجات وجود دارد، اما تمام سیمای امام سجاد در این فرازها خلاصه نمیشود. امام چهارم در روز عاشورا و چند روزی بعد از این حادثه تب داشته و بیمار بوده است. طبیعی است که برای هر فردی در زندگی چند روز و گاهی چند ماه بیماری پیش می آید. اینکه امام سجاد در این چند روزه بیمار بود به نظر میرسد یک مصلحت الهی و غیبی بود، چون اگر امام سالم بود، قطعاً در جهاد و مبارزه شرکت میکرد و طبیعی بود با وضعی که صحنه ی جنگ داشت شهید میشد و سلسله و دودمان امامت قطع میشد، شاید مصلحت چنین بود که امام چهارم چند روزی بیمار باشد و بعد از ماجرای کربلا نیز همان چهره معصوم رنگ پریده و افسرده یکی از عوامل حفظ جان ایشان بود. امام در آن چند روز بعد از ماجرا که هنوز بحران و خطر وجود داشت، هنوز شمشیر بنی امیه در نیام فرو نرفته بود و از شمشیرها خون میچکید، بیمار بود و حتی ساکت و آرام بود.

لبیک

نهضت حسینی؛ طراحي الهی

۴- راز ماندگاری حماسه حسینی در چیست؟ بی تردید نقش آفرینی یکایک قهرمانان داستان کربلا و در رأس آنان، نقش بی همتای سیدالشهدا و زینب کبری و امام سجاد، رانمی توان نادیده گرفت. شکی نیست که کسی چون حسین بن علی، وقتی همه هستی خویش و یاران باوفایش را به میدان می آورد با درایت و شایستگی و در پرتو مقام عصمتی که دارد، بحران پیش آمده را به گونه ای مدیریت خواهد نمود که ثمربخش ترین باشد. محاسبه هزینه و فایده که در چنین مواقعی، از سوی افراد عادی مورد توجه قرار می گیرد؛ از نظر امام مسلمین مخفی نبوده است. پیشوای آزادگان جهان همواره غبطه و مصلحت مسلمین را مد نظر قرار می دهد و با پیش بینی و برنامه ریزی دقیق به مدیریت و فرماندهی جنگ می پردازد.

تا آنکه در جای جای این حماسه و ماجرای عبرت انگیز کربلا نشان می دهد که این داستان پشت صحنه ای هم داشته است. کیست که دست غیب الهی را در تاریخ خون بار کربلا مشاهده نکند؟! **خدایی که سررشته ی همه امور به دست اوست، عناصر این نهضت را چه از نظر زمانی، چه از نظر مکانی، چه به لحاظ نیروی انسانی و ترکیب جمعیتی در دو جبهه حسینی و یزیدی، به گونه ای چینش نموده و در کنار یکدیگر قرار داده است که آنچه پس از این واقعه و فاجعه بر جای می ماند؛ تا قیام قیامت برای عالم و آدم، روح بخش، شورانگیز و حماسه آفرین باشد.** سازماندهی داستان کربلا و تصمیم گیری های اباعبدالله در همه مراحل، که در بسیاری از موارد با عقل محاسبه گر بشری، چندان سازگاری ندارد بر همین حقیقت گواهی می دهد. دستگاه الهی، سازمان دهی خاص خود را دارد. کدام عقل محاسبه گری می پذیرد که به مادری این گونه الهام گردد که فرزند خود را شیرده و چون بر او ترسیدی او را به دریا انداز! مادر موسی چگونه فرزند دلبنده خود را تسلیم امواج سهمگین رود نیل می کند؟! آن گاه که به این بشارت الهی ایمان دارد... **إِنَّا رَأَدُوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (القصص ۲۸):**

پیام کربلا جهانی و جاودانی است.

۵- برابر گزارشهای معتبر تاریخی امام حسین علیه السلام از مکان و زمان شهادت خود و یارانش و نیز اسارت خانواده و فرزندان با خبر بود. آشکارا اعلام فرمود: **که خدا می خواهد مرا شهید و آنان را اسیر در راه خویش ببیند.** امام به خوبی می داند که در این آزمون سخت و خونین حساب و کتابی در کار است و این گونه است که هر چه به زمان شهادت نزدیک تر میگردد؛ چهره مبارکش برافروخته تر و عزم او جزم تر می شود و خواهرش که کوهی از مصیبت ها بر دوش او سنگینی میکند، وقتی با چشم دل به همه این صحنه ها می نگرد و از ظواهر خیانتهای اسارتها و زخم زبانها فراتر می رود، همه چیز را زیبا ببیند؛ چرا که در باور او کارگردان این صحنه ها، خدای قادر متعال است.

در تحلیل حادثه عاشورا بسیار گفته اند و بسیار نیز خواهند گفت. اگر از این منظر پرونده کربلا بازخوانی گردد، راز ماندگاری این حماسه کشف خواهد گردید. راز ماندگاری حماسه حسینی؛ طراحي الهی است.

۱- داستان کربلا، داستان عجیبی است. ماجرای که آغاز و انجام آن از مدینه تا مدینه است. از ابتدای حرکت (۲۸ رجب سال ۶۰ ه. ق) تا هنگام شهادت (۱۰ محرم سال ۶۱ ه. ق) تنها پنج ماه و دوازده روز به طول می انجامد. دوران اسارت نیز با همه فراز و فرود آن، چندان به درازا نمی کشد. در ماجرای کربلا زن و مرد، پیر و جوان، سفید و سیاه در صحنه نبرد حاضرند؛ از کودک شش ماهه تا پیر مرد هفتاد و چند ساله، همه سربازان سپاه حسین بن علی (علیه السلام) هستند و هر یک نقش خویش را به عالیترین شکل ممکن ایفا کرده اند. داستان کربلا یک قهرمان ندارد، همه قهرماناند.

در ماجرای کربلا زن و مرد، پیر و جوان، سفید و سیاه در صحنه نبرد حاضرند؛ از کودک شش ماهه تا پیر مرد هفتاد و چند ساله، همه سربازان سپاه حسین بن علی (علیه السلام) هستند و هر یک نقش خویش را به عالیترین شکل ممکن ایفا کرده اند.

۲- ماجرای کربلا پیام هایی دارد که بر همه ارزشهای متعالی انسانی سایه افکنده است. آزادی و آزادگی، حق طلبی، عزتمندی، دینمداری، فداکاری، ظلم ستیزی، شهادت طلبی، صبر و بردباری و رسیدن به مقام رضای الهی در حماسه حسینی موج میزند. مفهوم عمیق و دقیق حماسه حسینی را در لایه لای این پیامها باید جستجو نمود و آنها را بارها و بارها بازخوانی کرد و از هر ابزاری برای به تصویر کشیدن این حماسه بهره گرفت. پیام های کربلا، پیام های جهانی و جاودانی است.

۳- پیام دهی کربلا انحصاری و اختصاصی است؛ که در مقایسه با سایر قیامها و نهضتها آشکارتر میگردد. در تفسیر این سخن رسول خدا صل الله علیه که فرمود: **حسین مَنی و انا من حسین به راستی کدام قیام و انقلاب را میتوان به بالندگی، پویایی، ماندگاری، الهام بخشی، تأثیر گذاری، روشنگری، قدرت و صلابت نهضت حسینی سراغ گرفت.**

عالم از شور تو غرق هیجان است هنوز

نهضت مایه ی الهام جهان است هنوز

کربلای تو پیام آور خون است و خروش

مکتب راهنمای دگران است هنوز

همه ماه است محرم، همه جا کرب و بلا است

در جهان موج جهاد تو روان است هنوز

جاودان بینمت استاده به پیکار، دلیر

لا آری الموت تو را ورد زبان است هنوز

تربت پاک تو کازادگی آموزد و عشق

سرمه ی دیده ی صاحب نظران است هنوز

پیوند ناگسستی عاشورا، غدیر و ظهور

منجی از نسل پیامبر صلی الله علیه گواه این امر مبارک است. پیروان اهل بیت علیهم السلام بر اثر راهنمایی معصومان، موعود را به صورتی واضح شناخته اند که از اهل بیت پیامبر و هم نام با پیامبر و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است که بعد از تحمل سختی ها و جنگها موفق به نجات جهان و ایجاد توحید و عدالت می شود؛ او زنده است اما خود را به مردم معرفی نمی کند و خدای متعال با قدرت بی منتهای خود عمر آن حضرت را تا آن زمان طولانی می کند که درخواست مردم جهان صمیمانه و بدون غل و غش گردد

**سه رویداد غدیر خم،
واقعه عاشورا و ظهور مهدی
علیه السلام همگی در یک راستا
و دارای درون مایه مشترک یعنی
استقرار حاکمیت الهی و نفی
طاوغیت می باشند**

تا شرایط مناسب برای شروع اقدامات آن حضرت فراهم شود.

اما صد افسوس که این حقیقت نیز مورد هجوم قرار گرفت. حاکمان زمانه می کوشیدند که مهدی موعود را بیابند به قتل برسانند. تلاشهای ناکامی هم برای بی اعتبار کردن احادیث مهدوی صورت گرفت که راه به جایی نبرد اما بر اثر مرور زمان تحریفی در روایات ایجاد شد و این قسمت به حدیث پیامبر اضافه شد که نام پدر او نام پدر من است. انکار و ایجاد شک درباره ولادت امام عصر و طول عمر ایشان و مسخره و آزار معتقدان به آن حضرت نیز از این اقدامات است.

سه رویداد غدیر خم، واقعه عاشورا و ظهور مهدی علیه السلام همگی در یک راستا و دارای درون مایه مشترک یعنی استقرار حاکمیت الهی و نفی طاوغیت می باشند

**واقعه کربلا نشانه انحطاط
و وارونگی دین نزد مسلمانانی
است که در همان قرن اول
اسلامی زندگی می کردند؛ زیرا
در میان آنها امکان این رخداد به
وجود آمده بود که شبیه ترین
فرد از لحاظ اخلاقی و علمی و
رفتاری به رسول خدا صلی الله
علیه را به همراه یارانش به شکل
وقیحانه ای کشتند و خاندانش را
اسیر کردند.**

و یا توبه یزید را مطرح کردند و با سخنانی سست و سطحی می کوشیده اند تا حد امکان بر این جریان سرپوش گذاشته اند.

واقعه کربلا نشانه انحطاط و وارونگی دین نزد مسلمانانی است که در همان قرن اول اسلامی زندگی می کردند؛ زیرا در میان آنها امکان این رخداد به وجود آمده بود که شبیه ترین فرد از لحاظ اخلاقی و علمی و رفتاری به رسول خدا صلی الله علیه را به همراه یارانش به شکل وقیحانه ای کشتند و خاندانش را اسیر کردند.

(ج) ظهور

ظهور حضرت مهدی (عج) نیز مانند هر دو قضیه بالا، کاملاً یقینی و مشهود بوده است به این معنا که آیات قرآن و سخنان پیامبر و اهل بیت صلی الله علیهم شامل بشارت ها و ذکر وقایع آخر الزمان و ظهور

(الف) غدیر
پیامبر گرامی اسلام در طی رسالت بابرکت خود بارها و بارها موضوع ولایت علی (ع) را به جامعه اسلامی گوشزد کرده بود از اولین دعوت رسمی و موقعیت های مختلف تا روز غدیر، ولی اهمیت غدیر بیشتر از آن جهت است که در آن اعلان عمومی نسبت به وصایت و جانشینی علی (ع) صورت گرفت؛ به گونه ای که کسی نتواند در آن شبهه ایجاد کند و به گوش همه مسلمانان برسد و حادثه ای به یاد ماندنی در خاطره ها گردد.

اقدام پیامبر برای اجرای دستور الهی در غدیر، امکان محو و انکار کامل آن را از مخالفان ربود در نتیجه تلاش معاندین به سوی تحریف آن جهت گرفت. کسانی که نمی خواهند این حقیقت را بپذیرند در قرنهای مختلف تلاش کردند شبهه بیفکنند مثلاً بدون نام بردن از نشانه های واضح مثل جملات صریح، روشن، واضح پیامبر صلی الله علیه و یا بدون اینکه خبری از شعر حسان در حضور پیامبر صلی الله علیه بدهد، درباره معنای کلمه مولا شک ایجاد می کنند.

(ب) عاشورا

بر اثر فعالیت های اهل بیت علیهم السلام برای زنده نگه داشتن عاشورا، انکار این حادثه ممکن نبود؛ بنابراین دشمنان در صدد بر آمدن معنای آن را عوض کردند.

**آیات قرآن و سخنان
پیامبر و اهل بیت صلی الله
علیهم شامل بشارت ها و ذکر
وقایع آخر الزمان و ظهور منجی
از نسل پیامبر صلی الله علیه
گواه این امر مبارک است.**

در ابتدا می گفتند پسر پیامبر از دین خارج شده است چون با یزید بیعت نکرده است؛ بعد هم گناه را به گردن یکدیگر می انداختند و خرافاتی مانند بی گناهی یزید



جلوه‌های عزتمندی در نهضت حسینی

مصطفی دلشاد تهرانی

به پستی نخواهم داد [و زیر بار ذلت نخواهم رفت].
«محمد حنفیه» فرزند دیگر امیر مؤمنان (ع) خدمت حسین (ع) رسید و

**حسین (ع) در حال برپا کردن نهضتی بود
که برای همیشه به همگان درس عزت آموزد و
راهنمای تربیت عملی باشد.**

از سر خیرخواهی به آن حضرت توصیه کرد که برای خودداری از بیعت با یزید به جایی دور از دسترس رود و مردم را به یاری طلبد؛ و بدین ترتیب از جنگی نابرابر و کشته شدن پرهیزد.

پیشوای عزتمندان پس از شنیدن پیشنهاد «محمد حنفیه» فرمود: «یا اخی! وَاللَّهِ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا مَلْجَأٌ وَلَا مَأْوَى لَمَا بَايَعْتَ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ أَبَدًا» (مقتل الخواریزمی، ج ۱، ص ۱۸۸)

برادرم! به خدا سوگند اگر در تمام دنیا هیچ پناهگاه و مأمنی نباشد، هرگز با یزید بن معاویه بیعت نخواهم کرد.

بنابر خبر «ابو مخنف»، حسین (ع) پس از گفتگو با «محمد حنفیه» برای چندمین بار به سوی مسجدالنبی رفت و در طول راه شعر «یزید بن مُفَرِّغ» را میخواند که سروده‌ای است برای حفظ

عزت هنگام رویارویی با خطرها:

لَا دَعَرْتُ السَّوَامَ فِي فَلَقِ الصَّبِّ

ح مُغْبِرًا وَلَا دُعَيْتُ يَزِيدًا

يَوْمَ أُعْطِيَ مِنَ الْمَهَابَةِ ضِمًّا

از زمانی که «ولید بن عُتْبَةَ بن ابی سفیان» والی مدینه مأمور شد از حسین (ع) برای «یزید» بیعت بگیرد و امام (ع) از بیعت با «یزید» خودداری کرد، تا زمانی که یارانش همه به شهادت رسیدند و خود وارد میدان نبرد شد و رجز خواند و شمشیر زد و پذیرای شهادت شد، پیوسته یک چیز تکرار گردید و آن پیام «عزت» و حماسه «عزتمندی» است.

پافشاری بر حفظ عزت هنگام دعوت به ذلت

چون خبر مخالفت امام (ع) در بیعت با یزید به گوش مردم رسید برخی تلاش کردند که آن حضرت را از تصمیمش منصرف کنند؛ اما حسین (ع) محکم و استوار بر حق و عدل ایستاد.

سید بن طاووس (ره) نقل می‌کند «عمر اطرف» یکی از فرزندان علی

(ع) می‌گوید: چون برادرم حسین در مدینه از

بیعت با یزید خودداری کرد، من به خدمتش

رسیدم، عرض کردم: «من به قربانت ای اباعبدالله،

برادرت ابو محمد حسن از پدرش برای من

حدیث کرد... همین را که گفتم اشک مجالم

نداد و صدای گریه‌ام بلند شد. آن حضرت مرا

به سینه چسبانید و فرمود: از کشته شدن من خبر

داد؟» گفتم: «آری، چه میشد که بیعت میکردی؟»

فرمود: «حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَخْبَرَهُ بِقَتْلِهِ وَقَتْلِي. وَأَنَّ تَرْبِيَّتِي تَكُونُ بِقُرْبِ تَرْبِيَّتِهِ، فَتَنْظُنُّ أَنَّكَ عَلِمْتَ مَا لَمْ أَعْلَمْهُ وَأَنَّهُ لَا أُعْطِيَ الدُّنْيَةَ مِنْ نَفْسِي أَبَدًا» (اللهوف، صص ۲۶-۲۷).

پدرم برایم حدیث کرد که رسول خدا (ص) به پدرم فرموده است که او و من هر دو کشته می‌شویم و قبر من نزدیک قبر او خواهد بود. گمان میکنی آنچه را تو میدانی من نمیدانم؟ حقیقت این است که هرگز نتوانم



من مرگ را جز خوشبختی نمیدانم و زندگی با ستمکاران را جز ملالت و خستگی و بدبختی نمی بینم.

وَالْمَنَآيَا يَرُودَنِي أَنْ أُحِيدًا (انساب الاشراف، ج ۳)

اگر در سپیدهدمان چوپانان از شیخون من به هراس نیفتند و مرا یزید [بن مفرغ] نخوانند اگر از بیم مرگ به ستم تن دهم و زیر بار ذلت روم و خطر مرگ مرا از راه ببرد.

با وجود همه توصیهها؛ حسین (ع) در حال برپا کردن نهضتی بود که برای همیشه به همگان درس عزت آموزد و راهنمای تربیت عملی باشد. چون موسم حج نزدیک میشد، حسین (ع) عازم مکه شد و در آنجا نیز همچنان بر نهضت عزتبخش خود با فشرده و نامهای به مردم بصره نوشت و آنان را به احیای دین و مبارزه با ستمگران دعوت کرد همچنین در پاسخ نامه‌های مردم کوفه مبنی بر اعلام وفاداری و آمادگی برای قیام در راه حق، نامه‌های به آنان نوشت و نماینده خود «مسلم بن عقیل» را بدانجا روانه کرد (تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۳۵۳) و پس از آنکه پی برد مأموران یزید در صددند تا او را در مکه به قتل رسانند و حرمت خانه خدا را بشکنند، تصمیم گرفت به سوی عراق حرکت کند (الارشاد، ص ۲۰۱).

چون خبر حرکت امام به سوی عراق منتشر شد برخی از جمله «ابن عباس» او را از این اقدام برحذر داشتند، وی نزد امام رفت و آن حضرت را توصیه کرد که با توجه به روحیات مردم عراق در مکه بماند و اگر اصرار به رفتن دارد به یمن رود. اما حسین (ع) همچنان استوار بر تصمیم خود و برپا کردن نهضت خویش ایستاد (انساب الاشراف، ج ۳)، سپس به سوی عراق حرکت کرد و در طول راه نیز پیوسته آموزگار عزت بود. چون به عراق نزدیک شد و مردی از کوفه وی را از اوضاع و احوال مردم کوفه و خیانت آنان خبر داد، فرمود:

فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا تُدْفِنِي سَهًّا * فَدَارُ ثَوَابِ اللَّهِ الَّتِي وَأَنْبَلُ

وَإِنْ تَكُنِ الْأَمْوَالُ لِلرِّكَ جَمْعًا * فَمَا بَالُ مَتْرُوكٍ بِهِ الْحَرِّ بِيخْلُ
وَإِنْ تَكُنِ الْأَرْزَاقُ قِسْمًا مَقْدَرًا * فَفَلَّةٌ حَرِصٍ الْمَرْءِ فِي الْكَسْبِ أَجْمَلُ
وَإِنْ تَكُنِ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أَنْشَاءً * فَتَقْتُلُ امْرِئًا بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ
عَلَيْكُمْ سَلَامٌ اللَّهُ يَا آلَ أَحْمَدِ * فَإِنِّي أَرَانِي عِنْدَكُمْ سَوْفَ أَرْحَلُ (مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴) اگر زندگی دنیایی ارزشمند باشد، [در نظر من] جهان پادشاه خداوندی برتر و گرانبهارتر است؛

و اگر جمع مال و ثروت برای آن است که روزی باید از آن دست کشید، پس انسان آزاده نباید برای چنین ثروتی بخل ورزد؛

و اگر روزبها مقدر گشته‌تو تقسیم شده است، پس هر چه انسان در به دست آوردن ثروت کم‌آزادتر باشد بهتر و نیکوتر است؛

و اگر بدن‌ها برای مرگ آفریده شده است، پس کشته شدن انسان با شمشیر در راه خدا برتر و سزاوارتر است.

درود بر شما ای خاندان پیامبر که من به زودی از میان شما کوچ خواهم کرد.

آن که عزتمند است، در بند زندگی دنیایی، مال و ثروت، جاه و مکتب و کوچ و رحلت نیست؛ و حسین (ع) برترین نمونه مدرسه پیامبر، آموخت که چگونه باید بود و چگونه باید شد. وقتی «حر بن یزید ریاحی» فرمانده سپاه کوفه، راه را بر وی بست و از حرکت کاروان او جلوگیری کرد او را هشدار داد که اگر دست به شمشیر بری و جنگی را آغاز کنی، قطعاً کشته خواهی شد، فرمود: «أَقْبَلُ الْمَوْتَ

تُجَوِّفُنِي وَ هَلْ بَعْدُو بِكُمْ الْخَطْبُ أَنْ تَقْتُلُونِي وَ سَأَقُولُ كَمَا قَالَ أَخُو الْأَوْسِ لِابْنِ عَمِّهِ وَ هُوَ يُرِيدُ نُصْرَةَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - فَخَوْفُهُ ابْنِ عَمِّهِ وَ قَالَ أَيْنَ تَذْهَبُ فَإِنَّكَ مَقْتُولٌ فَقَالَ:

سَأْمُضِي وَ مَا بِالْمَوْتِ عَارٌ عَلَيَّ الْفَتَى * إِذْ مَانَوَى حَقًّا وَ جَاهِدَ مُسْلِمًا

وَ وَاسِيَ الرَّجَالَ الصَّالِحِينَ بِنَفْسِهِ * وَ فَارَقَ مَثْبُورًا وَ خَالَفَ مَجْرِمًا

أَقْدَمَ نَفْسِي لَا أُرِيدُ بَقَاءَهَا * تَلْتَلِي حَمِيْسًا فِي الْهَبَاجِ عَرْمًا
فَإِنْ عَشْتُ لَمْ أَنْدَمْ وَ إِنْ مِتُّ لَمْ أَلَمْ * كَفَى بِكَ زَلًّا أَنْ تَعِيَشَ وَ تَرْمَا

آیا مرا از مرگ میترسانی و آیا کار شما بدانجا رسیده است که مرا بکشید؟ من در یاسخ تو همان سخنی را میگویم که برادر اوسی به پسرعموی خود گفت، آنگاه که میخواست به یاری پیامبر (ص) بشتابد

شب عاشورا نمایشی بود از شکست ناپذیری یاران حسین (ع) که به وجود مبارکش عزت یافته بودند.

و عموزاده‌هاش او را از کشته شدن بیم داد که به کجا میروی که در این راه کشته خواهی شد و او چنین سرود:

من به سوی مرگ خواهم رفت که مرگ برای جوانمرد ننگ نیست، اگر در جستجوی حق باشد و در راه اسلام جهاد کند؛

و بخواهد با ایثار جانش از انسانهای صالح حمایت کند و با جنایتکاران مخالفت کند و از دشمنی با خدا دوری گزیند.

من جان خود را فدا میکنم و بقای آن را خواستار نیستم، و به زودی در جنگی سخت با دشمنی بس بزرگ رو به رو خواهم شد؛

پس اگر زنده بمانم پشیمانی ندارم و اگر کشته شوم ملامت نشوم، ولی برای تو همین بس که چنین زندگی ذلت بار و ننگینی را سپری کنی. (انساب الاشراف، ج ۳)

حسین (ع) - مظهر عزت الهی - با ورود به کربلا نگاه خود را به زندگی، مبارزه و مرگ بیان کرد تا آیندگان درس آموزند:

«فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»

من مرگ را جز خوشبختی نمیدانم و زندگی با ستمکاران را جز ملالت و خستگی و بدبختی نمی بینم.

آنان که همراه حسین (ع) شدند به عزت رسیدند که مدرسه حسین (ع) ساحت عزت الهی است.

عزتمندی یاران حسین (ع)

شب عاشورا نمایشی بود از شکستناپذیری یاران حسین (ع) که به وجود مبارکش عزت یافته بودند. پس از آنکه حسین (ع) به یاران خویش فرمود من اجازه‌تان میدهم، با رضایت من همکیشان بروید که حقی بر شما ندارم. (تاریخ الطبری، ج ۵)، خاندان و یارانش با اعلام وفاداری و پایداری و شکستناپذیری نشان دادند که هر که عزت یابد، شکست نیابد و تن به خواری ندهد و هر کدام جملات حماسی در عزت مندی فرمودند از جمله عباس بن علی (ع) گفت: «لَمْ نَفْعَلْ؟ لِنَبْقِي بَعْدَكَ؟ لَا أَرَأَاكَ اللَّهُ ذَلِكُ أَبْدًا» (تاریخ الطبری، ج ۵) چرا چنین کنیم؟ برای آنکه پس از تو بمانیم؟ خدا هرگز چنین روزی را نیاورد.

غیرت حسینی و دفاع از حریم خانواده

(به مناسبت ۱۲ تیر روز خانواده)

بی شک غیرت سبب می شود که حریم ارزش های والای یک جامعه و خانواده نشکند و پاک و محفوظ بماند؛ غیرت سبب امنیت خانواده و از میان رفتن مظاهر فساد و فحشاء است در حالی که بی غیرتی هم امنیت خانواده را در هم می شکند، و هم ارزش ها را به باد می دهد و هم صحنه جامعه را به صحنه فساد و آلودگی ها مبدل می سازد.

در این بین امام حسین علیه السلام نماد بارز غیرت و رزوی در دفاع از حریم آل الله است، لذا در واقعه عاشورا می بینیم آن حضرت در روز عاشورا هنگام مبارزه با سپاه دشمن، محلی را انتخاب کرد که نزدیک خیمه ها باشد؛ لیکن غروب عاشورا وقتی لشکر عمر سعد از سوی دیگر به جانب خیمه ها حمله ور شدند میان آن حضرت و خیامش فاصله انداختند. امام علیه السلام فریاد برآورد: «وَيَحْكُمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ! إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ، وَكُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا أَحْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ هَذِهِ، وَارْجِعُوا إِلَى أَحْسَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَرَبًا كَمَا تَزْعُمُونَ؛ وای بر شما! ای پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از حسابرسی روز قیامت نمی ترسید لاف در دنیای خود آزاده باشید، و اگر خود را عرب می دانید به خلق و خوی عربی خویش پایبند باشید». (عاشورا ریشه ها، انگیزه ها)

امام علیه السلام در ادامه فرمود: «أَنَا الَّذِي أَقَاتِلُكُمْ، وَتُقَاتِلُونِي، وَالنِّسَاءَ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ، فَاْمْنَعُوا عُنَاتِكُمْ وَطُعَاتِكُمْ وَجَهَالِكُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَمِي مَا دُمْتُ حَيًّا؛ من با شما جنگ دارم و شما با من، ولی زنان که گناهی ندارند، پس تا زمانی که زنده هستم، سپاهیان طغیانگر و نادان خود را از تعرض به حرم من باز دارید». (عاشورا ریشه ها، انگیزه ها)

امام علیه السلام با این شعار خود، دشمن را شرمزده کرد؛ ولی این شعار پیامی فراتر از اینها دارد، این شعار همه جهانیان را مخاطب می سازد و به آنها می گوید حتی اگر تابع دین و مذهبی نیستید، اصول انسانیت و غیرت را در جامعه فراموش نکنید.

«غیرت» انزجار طبیعی انسان نسبت به تصور شرکت دیگران در امری است که مورد علاقه اوست و به تعبیر دیگر غیرت به معنای حفظ ارزش های مربوط به خود و جلوگیری از تجاوز دیگران به حریم اوست که غالباً در عرف ما در امور ناموسی به کار می رود؛ هر اندازه غیرت انسان بیشتر باشد عفت او هم بیشتر خواهد بود.

«عفت» به معنای خودداری و حالت انزجار از ملاحظه صحنه های زشت و «غیرت» هر گونه اهتمام و دفاع از حقوق الهی و انسانی خویش است؛ لذا کاملاً هماهنگ با منطقی عقل است.

امام حسین علیه السلام نماد بارز غیرت و رزوی در دفاع از حریم آل الله است

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَلِغَيْرَتِهِ حَرَمَ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرِهَا وَبَاطِنِهَا؛ خدا غیور است و هر غیوری را دوست دارد و به دلیل غیرتش تمام کارهای زشت را اعم از آشکار و پنهان تحریم کرده است». (کافی؛ ج ۵؛ ص ۵۳۵؛ ح ۱)

بنابر این روایت و بعضی از روایات دیگر، غیرت از اوصافی است که هم در خدای تعالی و هم در انسان ها وجود دارد البته با این تفاوت که غیرت در خداوند به معنای نهی از کارهای زشت و ناپسند و در انسان ها به معنای دفاع از حریم خانواده و دین و آب و خاک است.

متأسفانه در دنیای امروز ارزش های اخلاقی کمرنگ شده و انحرافات اخلاقی خانواده هایی را فرا گرفته و بعضاً ارتباط زنان و مردان با افراد بیگانه عیب شمرده نمی شود، این واژه تدریجاً به فراموشی سپرده شده و گاه در نظر بعضی، ضد ارزش و ناشی از تعصب کور قلمداد می شود، حال آنکه این یک فاجعه عظیم است و بدون غیرت، حمایت و دفاع قوی از ارزش ها و افتخارات امکان پذیر نیست.





۲۴ ذی الحجة روز مباحله گرامی باد علی (ع) جان پیامبر (ص)

مباحله پیامبر اعظم بانمایندگان مسیحی ساکن نجران، یکی از وقایع مشهور تاریخ اسلام است. «مباحله» به عملی گفته میشود که دو یا چند نفر که در مسأله مهم دینی با یکدیگر اختلاف دارند، در یکجا جمع شوند و با تضرع به درگاه خداوند، از او بخواهند آن را که بر باطل است، رسوا و مجازات کند.

عظمت مباحله

وقتی مأمون به امام رضا عرض کرد که بالاترین فضیلت امیرالمؤمنین را از قرآن بگویند، حضرت به آیه شریفه مباحله استشهد کردند که در این آیه امیرالمؤمنین در نقش پیامبر و نفس نفیس نبی اکرم صلی الله علیه معرفی می شوند. خود امیرالمؤمنین علیه السلام هم وقتی با اهل شورا احتجاج می کنند در آنجا همین آیه را می آورند و می گویند چه کسی است غیر از من که فرزندانش فرزندان رسول خدا و همسرش نساء رسول خدا و خودش نفس رسول خداست؟

مسیحی های نجران محضر حضرت رسول آمدند و سوال کردند حرفتان چیست و چه چیزی برای ما آوردید؟

حضرت فرمود دعوت من «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است و این که من رسول او هستم و حضرت عیسی سلام الله علیه هم عبد و مخلوق خدا است بعد به آن ها گفت «تَعَالَوْا» شما بیایید و ما هم می آییم. «نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» ابناء جمع است و أنفس هم جمع است. «ثُمَّ نَبْتَهِلُ» حالا مباحله

کنیم «فَتَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» لعنت خدا را بر کاذبین قرار می دهیم.

روز ۲۴ ذیالحجه دو طرف در بیابانی اطراف مدینه گرد آمدند. پیامبر گرامی برای مباحله آمد در حالی که دست حضرت علی (علیه السلام) را گرفته بود و حضرت حسن (علیه السلام) و حضرت حسین (علیه السلام) در جلوی ایشان می رفتند و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در پشت سر ایشان می رفت.

فرمود: «بارالها! اینان اهل بیت من هستند» مسیحیان نیز در حالی که اسقف در جلوی ایشان بود آمدند و درخواست معرفی همراهان پیامبر را کردند به آنها گفته شد: «هذا ابن عمه و زوج ابنته و أحب الخلق إليه و هذان ابنا بنته من علی و هذه الجارية بنته فاطمة أعز الناس علیه و أقربهم إلى قلبه؛ (الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد)

این پسر عم و داماد پیامبر و محبوب ترین مردم در نزد وی است و این دو پسر، نوه دختری پیامبر و از صلب علی (علیه السلام) هستند و این زن، فاطمه دختر وی است و عزیزترین چون عزیزترین اشخاص پیامبر را همراه او دیدند. به قوم خویش گفتند: (ما صورتهایی را میبینیم که اگر از خدا درخواست از جابر کردن کوهها را کنند، چنین خواهد شد. هرگز با آنان مباحله نکنید که به خدا سوگند او همانند پیامبران به مباحله نشسته است. که اگر چنین کنید هلاک خواهید شد و تا قیامت، مسیحیای بر روی زمین باقی نخواهد

ماند. (تفسیر الفخر الرازی چاپ سوم، ج ۸)

مسیحیان از مباحله منصرف شدند و موافقت کردند که بار رسول خدا صلح کنند و جزیه بپردازند.

پیامهای واقعه مباحله

۱- اگر انسان ایمان به هدف داشته باشد، حاضر است خود و نزدیکترین بستگانش را در معرض خطر قرار دهد. «من بعد ما جاءك من العلم»

۲- آخرین برگ برنده و سلاح برنده مؤمن، دعاست. «فقل تعالوا ندع»

۳- در مجالس دعا، کودکان را نیز با خود ببریم. «أبناءنا»

۴- استمداد از غیب، پس از بکارگیری توانایی های عادی است. «نبتهل»

۵- در دعا، حالات اهل دعا مهم است، نه تعداد آنها. «أبناءنا»، «نساءنا»، «أنفسنا»

۶- زن و مرد در صحنه های مختلف دینی، در کنار همدیگر مطرحند. «نساءنا»

۷- علی بن ابیطالب، جان رسول الله است. «أنفسنا»

۸- اهل بیت پیامبر، مستجاب الدعوه هستند. «أبناءنا»، «نساءنا»، «أنفسنا»

۹- فرزند دختری، همچون فرزند پسر، فرزند خود انسان است. «أبنائنا»، بنابراین امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) فرزندان پیامبرند.

(تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ج ۲)



نهضت حسینی، نهضتی متشابه و چند مقصدی

نهضت امام حسین علیه السلام یک نهضت چند مقصدی و چند جانبه و چند بعدی است

۱- نهضت نفی، «نه» و عدم تسلیم:

کرده اند کرده باشد، به تقاضای آنها پاسخ می گوید در اینجا این نهضت، ماهیت و شکل و بعد و رنگ دیگری به خود می گیرد.

۴- عنصر دیگر جنبش، جنبه تبلیغی:

یعنی این نهضت علاوه بر ابعاد فوق یک تبلیغ و پیام رسانی است، یک معرفی و شناساندن اسلام است. تبلیغ در معنای صحیح به معنای رساندن یک فکر و یا یک پیام و رساندن چیزی به فکر و روح و ضمیر و قلب کسی به کار می رود.

سر کوب قدرتهای طاغوتی یکی از اهداف قیام حسینی

نزول کتابهای الهی و ارسال رسل برای این بوده است که قسط و عدل در میان جوامع حاکم شود؛ و نمادهای ظلم و زورگویی و فساد از میان بریزد. حرکت امام حسین علیه السلام، چنین حرکتی بود. فرمود: «انما خرجت لطلب الإصلاح فی امة جدی». همچنین فرمود: «من رأی سلطانا جائرا مستحلا لحرام الله او تاركا لعهد الله مخالفا لسنة رسول الله فعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان ثم لم یغیر علیه بقول ولا فعل كان حقا علی الله ان یدخله مدخله»؛ یعنی اگر کسی کانون فساد و ظلم را ببیند و بی تفاوت بنشیند، در نزد خدای متعال با او هم سرنوشت است. فرمود: من برای گردنکشی و تفرعن حرکت نکردم. دعوت مردم عراق از امام حسین علیه السلام برای این بود که برود و حکومت کند؛ امام هم به همین دعوت پاسخ دادند. یعنی چنین نیست که امام حسین علیه السلام به فکر حکومت نبود، امام حسین علیه السلام به فکر سرکوب کردن قدرتهای طاغوتی بود؛ چه با گرفتن حکومت و چه با شهادت و دادن خون. امام حسین علیه السلام می دانست که اگر این حرکت را نکند، این امضای او، این سکوت او، این سکون او، چه بر سر اسلام خواهد آورد. وقتی قدرتی همه امکانات جوامع و یا یک جامعه را در اختیار دارد و راه طغیان پیش می گیرد و جلو می رود، اگر مردان و داعیه داران حق در مقابل او اظهار وجود نکنند و حرکت او را تخطئه نکنند، با این عمل، کار او را امضا کرده اند؛ یعنی ظلم به امضای اهل حق می رسد، بدون این که خودشان خواسته باشند. این گناهی بود که آن روز بزرگان و آقازادگان بنی هاشم و فرزندان سردمداران بزرگ صدر اسلام مرتکب شدند. امام حسین علیه السلام این را بر نمی تافت؛ لذا قیام کرد.

از جنبه بعضی عوامل و عناصر صرفا جنبه تمرد و عدم تسلیم در مقابل قدرتهای جابره و تقاضاهای ناصحیح قدرت حاکم وقت بود. به این معنی که بعد از مردن معاویه و جانشین شدن یزید و توطئه هایی که برای این کار چیدند، یزید لازم دید از چند نفر از شخصیت های بزرگ جهان اسلام و در راس آنها وجود مقدس حسین بن علی علیه السلام، بیعت بگیرد تا این بیعت سبب خاموشی همه مردم بشود و در واقع تعهدی از حسین بن علی علیه السلام در مورد خودش بگیرد.

امام حسین علیه السلام حاضر به بیعت کردن نشد و پس از چند روزی که در مدینه توقف کرد، در حالی که می دانست اینها دست بردار نیستند با اهل بیت و خاندانش به سوی حرم امن الهی در مکه (بیت الله الحرام) حرکت کرد و به آنجا رفت و تا هشتم ماه ذی الحجه در مکه اقامت کرد و حاضر نشد از یزید تمکین کند. پاسخ منفی دادن آن ماهیت نفی و عدم تمکین و تسلیم در مقابل تقاضاهای جابره قدرت حاکم زمان است.

۲- عنصر «امر به معروف و نهی از منکر»:

در کلمات خود حسین بن علی علیه السلام تصریح شده و شواهد و دلایل زیادی دارد. یعنی اگر فرضا از او بیعت هم نمی خواستند، باز او سکوت نمی کرد.

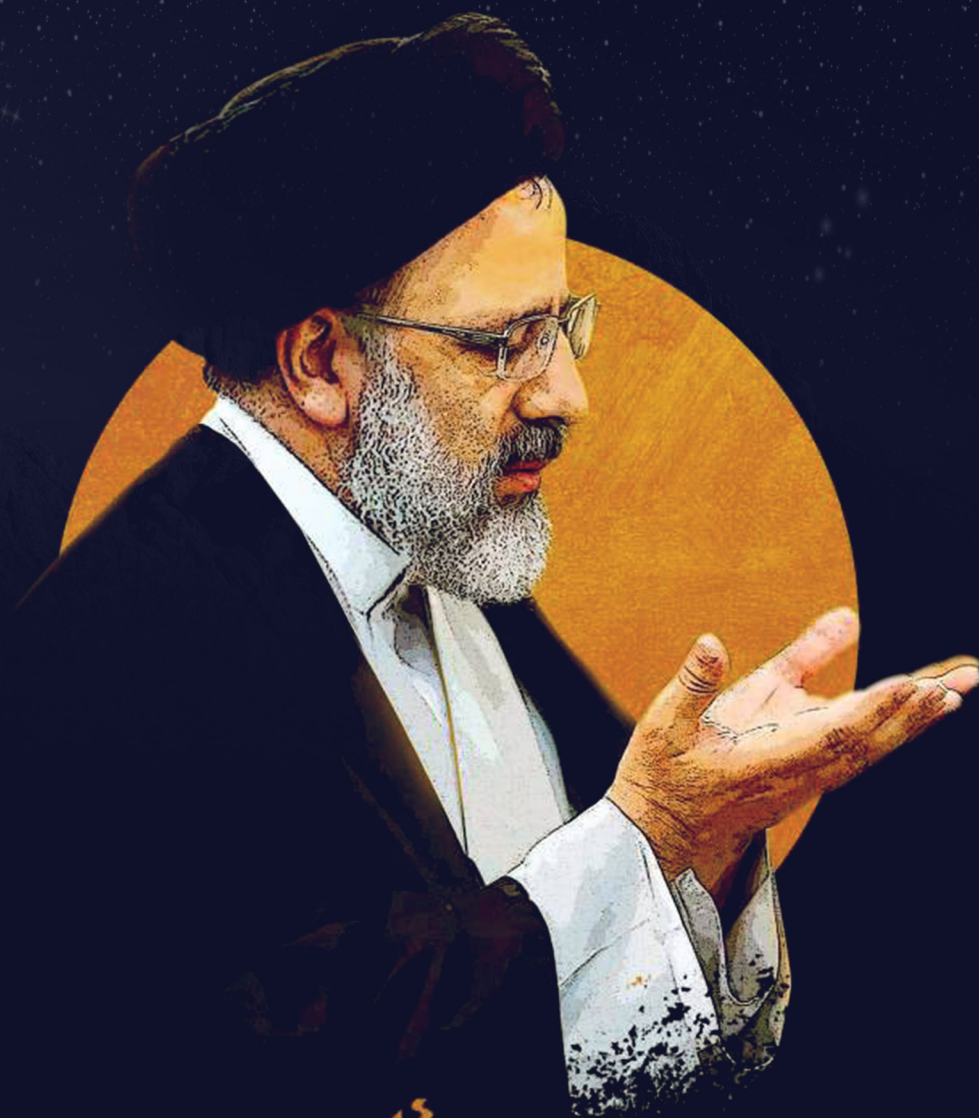
۳- عنصر «اتمام حجت»:

در آن روز، جهان اسلام سه مرکز بزرگ و مؤثر داشت: مدینه که دار الهجرة پیغمبر بود، شام که دار الخلافه بود و کوفه که قبلادار الخلافه امیر المؤمنین علی علیه السلام بود و علاوه شهر جدیدی بود که به وسیله سربازان مسلمین در زمان عمر بن الخطاب ساخته شده بود.

مردم کوفه حدود هیجده هزار نامه به امام می فرستند که اگر شما به کوفه بیایید ما شما را یاری می کنیم. اینجا امام حسین بر سر دو راهی تاریخ است، اگر به تقاضای اینها پاسخ نگوید، قطعا در مقابل تاریخ محکوم است و تاریخ آینده قضاوت خواهد کرد که زمینه فوق العاده مساعد بود ولی امام حسین از این فرصت نتوانست استفاده کند یا نخواست یا ترسید و از این قبیل حرفها. امام حسین برای اینکه اتمام حجتی با مردمی که چنین دستی به سوی او دراز

[ایشان]، هم در دوران حیاتش خالصانه خدمت کرد و خدمت‌های بزرگی کرد، هم بعد از درگذشتش یک چنین خدمت بزرگی به کشور کرد با این اجتماع مردم. اینکه مردم به مجرد شنیدن حادثه، در شهرهای مختلف، در تهران، در مشهد و در جاهای دیگر بیایند در مساجد یا میدانها اجتماع کنند، خیلی معنادار؛ این علاقه‌ای که مردم به ایشان نشان دادند، این وفاداری‌ای که به ایشان نشان دادند، خیلی معنا دارد. ایشان مظهر شعارهای انقلاب بود؛ یعنی همان حرف‌های اصلی انقلاب از دهان ایشان خارج میشد و این شعارها را ایشان شعارهای خودش قرار داده بود و مردم اینها را از ایشان شنیده بودند. همین مردم دارند این احساسات را برای این مرد نشان میدهند؛ معنای این چیست؟ معنایش این است که مردم به این انقلاب و به این شعارها دل‌بسته‌اند.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)



ایستاد
الامام
العلی





مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
حقیقتاً غدیر و معرّ فی امیر المؤمنین (علیه السلام) به عنوان
ولی امر امت اسلامی و جانشین پیغمبر، یکی از نعمتهای
بزرگ خدای متعال بود.

۱۳۹۷/۰۶/۰۷